

آئین بھائی

نگرشی کوتاہ بہ تاریخ و تعالیم

نوشتہ:

انیس توفیق

وفا عنایتی

ترجمہ: سروش شہیدی نژاد

شرکت کتب



Ketab Corp.
www.ketab.com

Tel.: 310-477-7477 Fax: 310-444-7176
1419 Westwood Blvd., Los Angeles, CA 90024
E-Mail: ketab1@ketab.com

آئین بهائی

نگرشی کوتاه به تاریخ و تعلیم

نوشته: دکتر وفا عنایتی - دکتر انیس توفیق

دکتر وفا عنایتی: شهر وند شهر هوفهایم (آلمان فدرال)، متأهل، سه فرزند، تحصیل رشته پزشکی در هایدلبرگ، ماگدبورگ (آلمان فدرال) و کانزاس سیتی (ایالات متحده آمریکا)، متخصص امراض داخلی و قلب و سوانح، تکمیل دوره World Order Studies در آکادمی لندگ (سویس) و عضو مؤسسه پژوهش های بهائی (Gesellschaft für Bahá'í Studien).

دکتر انیس توفیق: شهر وند شهر پوتسدام (Potsdam) در آلمان فدرال، متأهل، یک فرزند، تحصیل دانش پزشکی در مونستر، فرایبورگ و هایدلبرگ/مانهایم (آلمان فدرال)، متخصص روان پزشکی اطفال و نوجوانان و روان درمانی. عنوان تز دکتر: آئین بهائی و دانش پزشکی. عضو مؤسسه پژوهش های بهائی (Gesellschaft für Bahá'í Studien).

ترجمه از متن آلمانی: دکتر سروش شهیدی نژاد

ناشر: شرکت کتاب، لوس آنجلس - ایالات متحده آمریکا

چاپ ریحانی، دارمشتات - آلمان

چاپ اول: ۱۳۸۹ش، ۲۰۱۰م

حق چاپ برای نویسنده گان محفوظ است

شماره استاندارد بین المللی کتاب: ۸ - ۰۰ - ۹۴۲۴۲۶ - ۳ - ۹۷۸

طراحی متن و جلد از: Gupta/von Ameln - Team für Gestaltung, Jülich

فهرست مندرجات

۱۳	مقدمه مترجم
۱۶	بہائیان
۲۰	خدا از دیدگاه بہائیان
۲۰	خداوند، آفریدگار ممکنات
۲۰	نقش پیامبران الہی
۲۲	ادیان الہی
۲۲	وحدت اساس ادیان
۲۲	استمرار ادیان شبیہ حلقہ ہای زنجیر بہ ہم پیوستہ است
۲۳	دو بخش جاودانی و متغیر ادیان الہی
۲۳	بخش جاودانی و تغییر ناپذیر
۲۳	بخش متغیر و متناسب با زمان
۲۴	تجدید ادیان
۲۵	عالم یک وطن محسوب است
۲۵	وحدت در کثرت
۲۶	صلح جهانی، خواب و خیال یا امری اجتناب ناپذیر؟
۲۸	تجزی حقیقت
۲۹	برابری حقوق زن و مرد
۳۰	تطابق دین با عقل و علم
۳۲	ترک تعصبات
۳۳	طبیعت آدمی
۳۴	دوگانگی طبیعت انسان
۳۴	خیر و شر
۳۶	روح انسانی
۳۷	روح، عقل و جسم
۳۷	مراتب روح

- ۳۸ **بقای روح و حیات بعد از مرگ**
- ۳۸ حیات روح در بدن مثل حیات جنین در رحم مادر است
- ۴۰ بقای روح
- ۴۱ چند پرسش که به مرگ و حیات روح مربوط می شود
- ۴۱ آیا انسان پس از مرگ شعور و شخصیت خود را حفظ می نماید؟
- ۴۱ عقیده بهائیان راجع به تناسخ چگونه است؟
- ۴۱ حیات روح پس از مرگ به چه ترتیب است؟
- ۴۱ عقیده بهائیان راجع به بهشت و دوزخ چگونه است؟
- ۴۲ مقام انسان و پیشرفت روح پس از مرگ چگونه است؟
- ۴۲ مرگ در سنین طفولیت و نوجوانی
- ۴۲ نظر بهائیان درباره خودکشی چگونه است؟
- ۴۳ **مقصود از زندگی**
- ۴۴ سیر و سلوک روح در یک سفر جاودانی
- ۴۵ **آیا انسان به دین نیازمند است؟**
- ۴۶ دین طریقتی است روحانی
- ۴۷ حدود و احکام و مرجع وضع اوامر و نواهی
- ۴۸ **باب، بنیانگذار آئین بابی و مبشر به ظهور حضرت بهاءالله**
- ۴۹ **بهاءالله، بنیانگذار آئین بهائی**
- ۵۱ زندان سیاه چال طهران، تابستان ۱۸۵۲م
- ۵۲ دوران بغداد (۱۸۵۳ - ۱۸۶۳)
- ۵۳ دعوی حضرت بهاءالله
- ۵۵ اسلامبول و ادرنه
- ۵۵ فقراتی چند از کلمات مکنونه
- ۵۸ برخی از اندازات حضرت بهاءالله به صاحبان قدرت آن زمان
- ۵۸ به ویلهلم اول، امپراطور آلمان
- ۵۹ به پاپ پی نهم، رئیس کلیسای کاتولیک

۶۱	عکّا (۱۸۶۸ - ۱۸۹۲)
۶۳	آثار فارسی و عربی حضرت بهاء الله
۶۵	عبدالبهاء، فرزند حضرت بهاء الله
۶۷	رهبری جامعه جهانی بهائی پس از صعود حضرت عبدالبهاء
۶۷	ولایت امر و بیت العدل اعظم
۶۹	مراکز روحانی و اداری جامعه بهائی در اراضی مقدّسه
۷۰	دعا
۷۱	حالت درون
۷۲	مناجات و مطالعه کتب و آثار مقدّسه
۷۲	مناجات
۷۳	مطالعه روزانه در آثار مقدّسه
۷۴	پرورش آداب و اخلاق
۷۵	صداقت و امانت
۷۵	رعایت ادب
۷۵	عشق به همنوع
۷۶	منع از غیبت
۷۷	دیدۀ خطاپوش
۷۸	سرور و نشاط
۷۸	تواضع و فروتنی
۸۰	اهمّیت مشورت در آئین بهائی
۸۰	تبادل نظر و اتخاذ تصمیم
۸۰	هدف از مشورت
۸۱	مشورت مفید را می توان آموخت
۸۱	برخی از جنبه های مشورت در آئین بهائی
۸۲	زندگی زناشویی و تشکیل خانواده
۸۲	عقد بهائی
۸۳	لزوم تبادل نظر و مشاوره در مسائل خانوادگی
۸۴	بخشی از بیانات حضرت عبدالبهاء در مورد انتخاب همسر

۸۵	ازدواج بهائی
۸۶	طلاق
۸۷	خانواده و اطفال
۸۸	تربیت اطفال
۸۸	مسئولیت والدین
۸۹	نقش اجتماع
۹۰	جنبه های مختلف تعلیم و تربیت در آئین بهائی
۹۰	برخی از دیگر ویژگی های تعلیم و تربیت در آئین بهائی
۹۰	پرورش ارزش های معنوی و فضائل اخلاقی
۹۰	لزوم تحبیب، تشویق و پرورش حسّ مسؤولیت و انضباط در اطفال
۹۱	رابطه اطفال با خدا
۹۲	کشف استعداد و پرورش آن در اطفال
۹۳	اهمیت اشتغال به کار
۹۴	رفاه مادی
۹۵	صیام، ایامی برای تفکر و دعا و تجدید قوای روحانی
۹۶	تندرستی
۹۶	سالم زیستن
۹۶	درمان بیماری ها
۹۷	راه هدف است
۹۷	بهائی بودن یعنی فرایندی ممتد درجهت تقلیب و تحوّل درون
۹۷	کشف استعدادها و تقویت قوای معنوی
۹۸	اراده و عزم راسخ
۹۸	توکل به تأییدات الهیه
۹۹	مسائل و مشکلات، ابزاری برای رشد قوای درون

- ۱۰۰ ساختار نظم اداری در تشکیلات بهائی
- ۱۰۰ الف - محافل روحانی
- ۱۰۱ ب - مؤسسه مشاورین
- ۱۰۱ انتخابات بهائی
- ۱۰۲ نحوه مشاوره در تشکیلات بهائی
- ۱۰۳ برخی از ویژگی های نظم اداری در تشکیلات بهائی
- ۱۰۴ انواع فتاویت های یک جامعه بهائی
- ۱۰۴ جلسات دعا و مناجات
- ۱۰۴ کلاس های مخصوص کودکان و نوجوانان
- ۱۰۵ دوره های آموزشی
- ۱۰۵ پروژه های اجتماعی
- ۱۰۶ ضیافت نوزده روزه
- ۱۰۶ ضیافت نوزده روزه، الگویی برای حیات اجتماعی
- ۱۰۷ ضیافت نوزده روزه، سرچشمه وجد و سرور
- ۱۰۸ نقش هنر در جوامع بهائی
- ۱۰۹ چگونگی تأمین منابع مالی در جوامع بهائی
- ۱۱۰ مشارق اذکار بهائی
- ۱۱۲ تقویم بهائیان
- ۱۱۲ اعیاد و ایام محرّمه
- ۱۱۳ نحوه گسترش دیانت بهائی در جهان
- ۱۱۳ عضویت در جامعه بهائی
- ۱۱۴ جامعه بین المللی بهائی و روابط آن با سازمان ملل متحد
- ۱۱۵ برخی از پیشنهادات جامعه بین المللی بهائی به منظور
ایجاد اصلاحاتی بنیادی در ساختار سازمان ملل متحد
- ۱۱۵ وظایفی جدید برای مجمع عمومی سازمان ملل
- ۱۱۶ تقویت قوه اجرائی
- ۱۱۶ تقویت دادگاه بین المللی

۱۱۷	روش بهائیان در قبال سیاست و حکومت
۱۱۸	جور و ستم وارده به بهائیان ایران
۱۱۹	توسعه اجتماعی و اقتصادی
۱۲۰	پروژه فوندانک در کشور کلمبیا
۱۲۱	برنامه ترفیع و پیشرفت زنان
۱۲۱	آئین بهائی و مسأله اقتصاد
۱۲۲	حفاظت محیط زیست
۱۲۴	بهائیان و گفتگوی بین ادیان
۱۲۶	گلچینی از آثار بهائی
۱۴۴	پیوست شماره ۱: چشم انداز یک جامعه متحد جهانی از دیدگاه حضرت بهاءالله
۱۴۶	پیوست شماره ۲: نظری به آمار و ارقام
۱۴۸	یادداشت ها
۱۵۷	اسامی هنرمندان عکاس
۱۵۸	کتاب شناسی
۱۶۲	فهرست مهم موضوعات

ای پسران انسان، دین الله و مذهب الله از برای حفظ و اتحاد و اتفاق و محبت و الفت عالم است، او را سبب و علت نفاق و اختلاف و ضغینه و بغضاء منمائید. این است راه مستقیم و اسّ محکم متین. آنچه بر این اساس گذاشته شود حوادث دنیا او را حرکت ندهد و طول زمان او را از هم نریزاند. امید هست که علماء و امرای ارض متحداً بر اصلاح عالم قیام نمایند و بعد از تفکر و مشورت کامل به دریاق تدبیر، هیکل عالم را که حال مریض مشاهده می شود شفا بخشند و به طراز صحت مزین دارند...

حضرت بهاء الله

مقدمه مترجم

از هشتصد زبان دنیا ترجمه شده و مقام و منزلت و استقلال آن به عنوان ظهوری جدید مورد تأیید اکثر مردمان آزاد جهان، فرهیختگان، دولتمردان و مراجع متعدّد بین‌المللی قرار گرفته است.

آموزه های آئین بهائی متناسب با نیازمندی های حال و آینده بشر عرضه شده اند. هسته مرکزی رسالت حضرت بهاء‌الله، مؤسس این آئین، همانا وحدت عالم انسانی و استقرار نظمی نوین به جهت تنظیم روابط بین ملل عالم است. این نظم از جمله روابط سیاسی و اقتصادی، حل مسأله اقتصاد، بهره گیری متناسب از منابع طبیعی و اتخاذ تدابیر لازم برای حفظ محیط زیست را شامل می شود. دیانت بهائی به ما تعلیم می دهد که اساس همه ادیان الهی یکی است و دین باید سبب الفت و محبت باشد. تعصبات از هر نوع و تقلید کورکورانه از مراجع تقلید، همچنین اتکاء به خرافات و اوهام مانعی عمده در راه حصول تفاهم بین ملّت ها به شمار می رود و با این آموزه دیانت بهائی که دین باید مطابق با علم و عقل باشد ناسازگار است. برابری حقوق زن و مرد از جمله مهمترین آموزه های آئین بهائی است تا آنجا که حصول صلح در جهان به برابری حقوق این دو بال جامعه بشری موکول گردیده و تعلیم و تربیت دختران -

آئین بهائی در ایران زاده شد و دوران نوزادی و طفولیت را در گهواره آن مرز و بوم طی نمود و از آن پس به کشورهای همجوار و از اواخر قرن نوزده میلادی به سرعت به اروپا و آمریکا راه یافت. هزاران نفر از اولین پیروانش در زادگاهش تحت تعقیب اهل ظلم و ستم قرار گرفتند و با نثار خون خود رسم عشق بجا آوردند، جان باختند و زنده برگشتن از کوی دوست را روا نداشتند. آنها حماسه آفریدند و با فداکاری در راه آئین نوین با خون خود اولین صفحات تاریخ دین جدید را نوشتند و تاریخ سرزمینی را که آئینشان از آن برخاسته بود رنگین نمودند. جانبازی آن قهرمانان ابتدا توجه نمایندگان و دیگر شهروندان خارجی مقیم ایران را به خود جلب نمود و از آن راستا به گوش جویندگان حقیقت و اهل انصاف رسید و کتب و آثار بهائی به کتابخانه‌ها و دیگر مراکز پژوهش اروپا راه یافت. این بود که به تدریج هزاران نفر از مردم این سرزمین‌ها به آئین جدید گرویدند و تشکیلات وسیع نظم بدیع آئین نوینشان را پی ریزی نمودند. آئین بهائی اکنون گسترشی جهانی یافته و کتب و آثار آن به بیش

که خود در آتی نقش مادر و مربی را ایفا خواهند نمود - در صورت عدم تمکن مالی والدین - بر تعلیم و تربیت پسران مقدم شمرده شده است. هدف نهائی آئین بهائی استقرار صلح در جهان است و لذا برای پی گیری و دوام صلح نهادهائی پیش بینی گردیده و اساس وحدت و صلح بر مشاوره سازنده نهاده شده است. باعث نهایت تأسف است که آئینی که پیامش وحدت عالم انسانی و حصول صلح و سلام بین المللی است و آموزه هایش همه به جهت محبت، مودت و خدمت به هموع و برپائی نظمی نوین برای رفاه عالم انسانی استوار گردیده، از ابتدای پیدایشش در ایران مورد هجوم اهل جور و ستم قرار گرفته و در این ایام با شدتی هرچه تمامتر به مقابله با آن پرداخته اند. پیروانش را به اتهاماتی بی پایه متهم نموده به قتلشان می رسانند، به تخریب اماکن مقدسه و منازلشان و قبور مردگانشان مبادرت می ورزند، از تحصیلشان در دانشگاهها و مدارس عالی جلوگیری به عمل می آورند و کسانی را که گناهانشان تنها ایمان و اعتقاد به آئینی نوین و جهان شمول است به حبس و زندان می افکنند. شگفت آور است که هرچه بر ظلم و ستم بهائیان در مهد آئینشان افزوده می شود، به همان اندازه بر شهرت و اعتبار آئین

بهائی در دیگر نقاط گیتی افزون می گردد. آنان که مصدر این ظلم و ستم به پیروان آئین بهائی هستند از این بیان حضرت بهاءالله غافلند که فرمود: «ای دوستان، سزاور آنکه در این بهار جانفزا از باران نیشان یزدانی تازه و خرم شوید. خورشید بزرگی پرتو افکننده و ابر بخشش سایه گسترده، بپهره کسی که خود را بی بهره ساخت و دوست را در این جامه شناخت...» اما بسیار کسان دوست را در این جامه شناختند و بر حقانیتش گواهی دادند. دکتر آگوست فورل، دانشمند و روانشناس سوییسی که به آئین بهائی گروید در وصیتنامه خود چنین نگاشت: «...آئین بهائی آئینی است الهی و کافل خیر و سعادت انسانی و فارغ از حدود و قیود بشری... تعالیم بهائی اهل عالم را در سرتاسر کره ارض به وحدت و اتفاق و محبت و اتلاف دعوت می نماید. من به ورود در ظل این دیانت مفتخر و از صمیم قلب راجی و ملتسمم که این امر اعظم در راه نجاح و فلاح نوع انسان همچنان پاینده و جاودان و مترقی و متعالی باقی ماند.» علیاحضرت ماری، ملکه رومانی در سال ۱۹۲۶م به آئین بهائی گروید. آن ملکه نیک اختر

در اعلانات و مقالات متعدّد در جراید آمریکا و کانادا از سبب گرویدنش به آئین جدید و از تعالیم جهان شمولش از جمله با این کلمات یاد نمود: «دیانت بهائی دینانی است که ادیان و مذاهب عالم را به یکدیگر متّحد و مرتبط می نماید و بنیانش بر وحدت و محبّت الهیّه استوار است...» مشارالیهها شهروندان معاصر خود را با این کلمات نصیحت نمود که:

«هر هنگام نام بهاءالله یا عبدالبهاء به سمعتان رسید از امعان نظر در آثارشان غفلت منمائید، در آثار و کتبشان تعمّق کنید و بگذارید کلمات و تعالیم بهیّه صلح آورنده و محبّت دهنده آنها در اعماق قلوبتان چنانکه در اعماق قلب من قرار گرفته، تمکّن گیرد.»

بگذارید از تولستوی، نویسنده شهیر روسی نیز یادی کنیم که درباره آئین بهائی چنین نگاهت: «آئین بهائی دارای فلسفه بسیار عمیقی است که نسل حاضر از درک آن عاجز است. تعلیمات بهائی روح این عصر است و به مقتضای نیاز بشر پدید آمده است. باید تعالیم و قوانین بهائی را در جهان تنفیذ نمود و وحدت حقیقی را که اساس این دین است نشر داد. امروز این آئین نوزاد است،

صد سال دیگر به بلوغ خواهد رسید و خود را به اهل عالم معرفی خواهد کرد و سعادت بشر را که در ترک تعصّبات و صلح عمومی است، تأمین خواهد نمود.» و بالاخره این بیان از مهاتما گاندی قائل بزرگ هند است که گفت:

«آئین بهائی مایه تسلی عالم انسانی است.» این کتاب که در واقع مقدّمه ای بر تاریخ و تعالیم آئین بهائی است وسیله دو نفر جوان دانشمند با تبار ایرانی ابتدا به زبان آلمانی به رشته تحریر درآمد و سه بار تجدید چاپ شد. آنگاه افتخار ترجمه آن به زبان شیرین فارسی نصیب نویسنده این سطور گردید. امید است شما هم خواننده عزیز به این بند ملکه ماری دل ببندید تا تعالیم بهیّه صلح آورنده آئین بهائی در اعماق قلوبتان رسوخ کند و تمکّن گیرد.

نویسنده این سطور مایل است از راهنمایی های ارزنده دکتر بهروز بهرامی، در انتخاب واژه های زیبای فارسی و از زحمات دکتر بهمن سلوکی، به جهت ویراستاری متن کتاب که هر دو به روائی و ارزش ترجمه افزوده اند، صمیمانه سپاسگزاری نماید.

بهائیان

سال ۲۰۰۴ میلادی تعداد بهائیان جهان تقریباً به هفت میلیون نفر بالغ می شده که در بیش از صد هزار نقطه جهان ساکن بوده و از ده هزار قوم و نژاد مختلف تشکیل می شده اند.^۱

بنیانگذار آئین بهائی حضرت بهاءالله (۱۸۱۷ - ۱۸۹۲) هستند. ایشان که وزیرزاده و در خانواده‌ای اصیل پا به عرصه وجود گذارده بودند اگرچه می توانستند متناسب با سنت زمان از یک زندگی پرتجمل و مرفه برخوردار شوند و مقام والائی را

آئین بهائی آئینی جوان و در عین حال دیناتی جهانی و آشنا بر همگان است که در نیمه قرن نوزده میلادی پا به عرصه وجود گذارد. پیشرفت جامعه جهانی بهائی تا به حال از روندی سریع برخوردار بوده است، به طوری که گسترش آن در پهنه گیتی از لحاظ تعداد اماکنی که در آن استقرار یافته پس از دیانت حضرت مسیح مقام دوم را احراز نموده است. این جامعه نموداری کامل از تنوع موجود در عالم انسانی است. در



ورای ادراک عقول بشری است. از نظر بهائیان خداوند، آفریدگار قادر و مطلق است که آفریدگان را صرفاً از راه محبت خلق فرموده است.

بنا به اعتقاد بهائیان، همه ادیان منبعث و منشعب از یک سرچشمه الهی اند. مقصد اصلی از ظهور پیامبران تأمین و تعمیم نیک بختی برای فرد فرد انسان ها و جامعه انسانی است. همه ادیان خواستار تأسیس یگانگی و صلح بوده اند و نفرت و ستیزه جوئی را در بین ابناء بشر منع نموده اند. حضرت بهاءالله پیامبران الهی را به آئینه های صافی تشبیه می نمایند که انوار الهی را منعکس ساخته، مردمان را از این طریق به معرفت حضرت پروردگار رهنمون می شوند. علت تفاوت بین تعالیم ادیان بدان جهت است که پیامبران در زمان های مختلف و در اماکن متفاوت ظاهر شده و به هدایت ناس پرداخته اند. تعالیم ادیان همیشه با نیازهای زمان منطبق و متناسب بوده است.

تصویری که حضرت بهاءالله برای حل نیازهای این زمان ارائه می دهند شامل همه آموزه های بنیادی است که برای تأمین وحدت نوع انسان و استقرار یک صلح پایدار جهانی به کار می آیند. هسته مرکزی این آموزه ها از دیدگاه مؤسس آئین بهائی همانا قبول اصل وحدت و تشکیل یک جامعه واحد جهانی است. به فرموده آن حضرت:

در دستگاه حکومتی احراز نمایند، لکن از همه این امکانات صرف نظر فرمودند. حضرت بهاءالله در سال ۱۸۶۳م پیام خود را به جهانیان ابلاغ نمودند و اعلام داشتند که پیامبر موعود برای این زمان هستند، همانگونه که حضرت مسیح و حضرت محمد در زمان خویش پیامبر الهی بودند. ایشان و پیروانشان به خاطر این ادعا و آموزه های پیشرفته دیانت بهائی شدیداً مورد تعقیب و هجوم روحانیون و دولتمردان زمان قرار گرفتند. حیات حضرت بهاءالله آکنده از رنج و ستمی بوده که بر ایشان و پیروان آن حضرت وارد آمده که مشابه آن را می توان در حیات سایر انبیای عظیم الشان نیز مشاهده نمود. حضرت بهاءالله مدت چهل سال در زندان و نفی بلد به سر بردند و از ایران به قلمرو حکومت عثمانی و سر انجام به شهر عکا که اینک در کشور اسرائیل قرار دارد تبعید گردیدند. با وجود ظلم و ستم وارده بر ایشان و پیروان آن حضرت روز به روز بر شهرت و اعتبار دیانت بهائی افزوده شده است.

تعالیم حضرت بهاءالله امروزه انتشاری جهانگیر یافته اند. بسیاری کسانی که از این تعالیم الهام می گیرند و از کاربرد آنها در کمال بخشیدن به امور شخصی و اجتماعی بهره مند می شوند.

از جمله تعالیم حضرت بهاءالله اعتقاد به خدای یگانه است به هر اسم و رسمی که مردمان او را بخوانند. دیگر آنکه درک ذات حضرت باری



«ای اهل عالم همه بار یک دارید و برگ
یک شاخسار. به کمال محبت و اتحاد
و مودت و اتفاق سلوک نمائید. قسم به
آفتاب حقیقت، نور اتفاق آفاق را روشن
و منور سازد.»^۲

حضرت بهاءالله متجاوز از پانزده هزار اثر شامل پیام های عمومی و مکاتیب، که در نزد بهائیان به لوح مشهور است، رساله و کتاب به دو زبان فارسی و عربی از خود به جا گذارده اند که اکثر آنها به خط و مهر آن حضرت موجود است. از جمله این آثار عبارتند از ادعیه و مناجات، تأویل و تفسیر و عود و بشارات کتب مقدسه، حدود و احکام، آثار عرفانی و آنچه به طرز اداره و حکومت و بعضی از رشته های علوم مربوط می شود و بالاخره مبادی روحانی و فضایل اخلاقی که آگاهی و عمل به آنها در تقلیب فرد و جامعه مؤثر است.

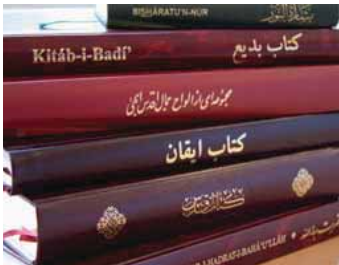
حضرت بهاءالله در وصیتنامه خود که بنام «کتاب عهدی» موسوم است، فرزند ارشد خود حضرت عبدالبهاء را به عنوان وصی و مبین آثار خویش تعیین فرمودند. حضرت عبدالبهاء به مدت حدود سی سال تا آخر حیات مسؤولیت اداره جامعه جوان بهائی را به عهده داشتند. ایشان در این مدت در مکاتیب و خطابات بی شمار به تبیین و تشریح تعلیم پدر بزرگوار و بالابردن دانش دینی بهائیان پرداختند. آن حضرت به نوبه خود در وصیتنامه

این بسی واضح است که نیل به این هدف یعنی استقرار صلح و تشکیل یک جامعه واحد جهانی با گام های گاه کوچک لکن عملی امکان پذیر می گردد. حضرت بهاءالله در آثار خود نیل به وحدت را مشروط به تأمین و تعمیم برخی اصول دیگر فرموده اند که از جمله می توان از اصل جستجوی آزاد و مستقل حقیقت، تساوی حقوق زن و مرد، ترک تعصبات از هر نوع، تقویت پایه های خانواده و تبادل آزاد آراء نام برد.

از دیدگاه بهائیان تکامل استعداد های معنوی و روحانی در یک فرد لاجرم به تکامل و شکوفائی جامعه می انجامد. دعا و مناجات و تفکر و تأمل در آثار مقدسه به پیشبرد کمالات سرعت می بخشد. به فرموده حضرت بهاءالله «انسان را به **مثابۀ معدن که دارای احجار کریمه است مشاهده نما.**»^۳ ایمان موجب شکوفائی صفات و ملکات نیکو در انسان، که همانا احجار کریمه مودعه در وجود او است، می گردد و به وسیله ای برای خدمت به فرد و جامعه مبدل می شود. به اعتقاد بهائیان ایمان واقعی لاجرم به کردار نیک می انجامد.

آئین بهائی، یعنی «بیت العدل اعظم»، برگزیده می شوند و تحت عنوان «مشاور» به خدمت اشتغال می ورزند. بیت العدل اعظم به نوبه خود هر پنج سال یکبار از طرف اعضای محافل روحانی ملی و از میان بهائیان کلیه کشورهای جهان به طریق دموکراتیک انتخاب می شود.

در نظامات اداری جامعه بهائی قوای مقننه و اجرائیه برای تمشیت امور جامعه تنها به عهده هیأت های انتخابی، یعنی محافل روحانی محلی و ملی و بیت العدل اعظم محول گردیده است. وظیفه هیأت مشاورین تشریک مساعی با محافل روحانی و فرد فرد بهائیان و تشویق ایشان به اجرای خدمات محوله در زمینه حفظ و صیانت جامعه و پیشبرد اهداف آن است. به اعتقاد بهائیان، نظم اداری بهائی الگویی است برای همکاری های بین المللی و نمایشگر این حقیقت است که چگونه می توان در عین تنوع و کثرت به تفاهم و وحدت دست یافت.



کتابی تدابیر لازم را به جهت مراجعی که باید در آینده مسؤولیت اداره امور جامعه جهانی بهائی را به عهده گیرند اتخاذ فرمودند. همه این تدابیر موجب گردیدند که وحدت و یکپارچگی دیانت بهائی در طول بیش از یکصد و شصت سال تاریخ محفوظ ماند و گسترش آن در سطح جهانی به عنوان یک آئین واحد تضمین گردد.

همانگونه که در آثار شارع آئین بهائی پیش بینی گردیده، دیانت بهائی فاقد طبقه روحانی حرفه ای است. اداره جامعه بهائی بر عهده دو رکن محول گردیده است که در عین استقلال با تشریک مساعی یکدیگر به تمشیت امور جامعه می پردازند. یکی از این دو رکن را هیأت های متشکل از ۹ نفر تشکیل می دهند که در سطوح محلی و ملی به طریق دموکراتیک انتخاب و به نام «محفل روحانی» خوانده می شوند. رکن دیگر نهادی است انتصابی متشکل از افراد ذی صلاح و مجرب در سطوح قاره ای و بین المللی که در فواصل معین از جانب بالاترین مرجع اداری

خدا از دیدگاه بهائیان

انسان تجلی گاه اسماء و صفات و مظهر مثال و جمال حضرت پروردگار است و صرفاً از روی عشق به جامه خلقت ملبس و مزین گردیده است، از این بیان حضرت بهاء الله به وضوح آشکار می گردد:

«**كنت في قدم ذاتي و اذلية كينونتي
عرفت حبي فيك خلقتك و القيت عليك
مثالي و اظهرت لك جمالي**»^۴

مضمون این بیان به فارسی چنین است که در ذات و باطن خود قدیم و ازلی بودم، حُب خودم را در تو شناختم. پس تو را آفریدم و مثالی از خود در تو القاء نمودم و جمال خودم را بر تو آشکار ساختم [یعنی تو را مظهر مثال و جمال خود نمودم].

نقش پیامبران الهی

بنا به اعتقاد بهائیان، پیامبران واسطه بین حق و خلقتند، یعنی انسان بواسطه ایشان به معرفت حضرت پروردگار نایل می شود. حضرت موسی، حضرت بودا، حضرت مسیح، حضرت محمد و یا حضرت بهاء الله از جمله این پیامبرانند. ایشان را می توان به آئینه های صافی تشبیه نمود که نور را از منبع انوار که خدای یگانه است اخذ و پیام الهی را به مردمان ابلاغ می نمایند. حضرت بهاء الله پیامبران را چنین توصیف می فرماید:

بهائیان به موجب تعالیم دینی خود معتقد به خدای یگانه اند. در هر دین یا فرهنگی خدا را به نامی می شناسند و صفات ویژه ای را به او نسبت می دهند. از این قبیل است الله، یهوه و یا علت العلل. حضرت بهاء الله به ما تعلیم می دهند که ذات باری نه قابل توصیف است و نه معرفت به ذات او ممکن است. ذات حضرت پروردگار منزّه از ادراک ممکنات است.

خداوند، آفریدگار ممکنات

گرچه معرفت به ذات حضرت باری برای انسان مقدور نیست، لکن پی بردن به صفات او میسر است. این صفات بطور کلی در طبیعت و نهاد انسان به ودیعه گذارده شده اند. به بیان دیگر انسان همچون آئینه ای قادر به دریافت پرتوی از صفات حضرت پروردگار است تا وجود خود را با آن نورانی نماید. شاید بتوان برای درک بهتر موضوع چنین پندار نمود که نقاشی به خلق نقشی می پردازد. گرچه نقش مجموعه ای از مهارت های خالق خود، نقاش است لکن هیچگاه مدعی خلق نقش یا درک مهارت های نقاش نتواند شد. بنا به بیان حضرت بهاء الله به همین قسم است رابطه بین خالق و مخلوق. یعنی اگرچه ممکنات همه تجلی گاه و مظاهر ظهور و مطالع بروز صفات و اسماء پروردگارند، لکن ذات واجب هیچگاه به ادراک ممکن درنیاید. اینکه

«... کَلِّهْم مَرَايَا اللّٰه بِحَيْث لَا يَرِي فِيهِمْ
إِلَّا نَفْسَ اللّٰهِ وَجَمَالَهُ وَعِزَّ اللّٰهِ وَبِهَائِهِ... وَ
مَا سِوَاهِم مَرَايَاهِم... قُلْ لَنْ يَنْتَهِيَ مَرَايَا
الْقَدَمِ وَكَذَلِكَ مَرَايَا جَمَالِهِمْ لِأَنَّ فَيْضَ اللّٰهِ
لَنْ يَنْقَطِعَ وَهَذَا صَدَقَ غَيْرَ مَكْدُوبٍ...»^۵

بدین مضمون که همهٔ آنان [پیامبران] آئینه‌های
پروردگارند که در آنها هیچ چیز جز نفس خداوند
و زیبایی و عزّت و روشنی او مشاهده نمی‌شود...

و دیگر کسان همه به مثابه آئینه‌های ایشانند... بگو
پایان نمی‌پذیرد آئینه‌هایی که ازلی و جاودانی
هستند [سلسله ظهورات الهی استمرار می
یابد] و همچنین آئینه‌های جمال آنها زیرا
فیض خداوند هیچگاه قطع نمی‌شود و این
امری است که راست است و دروغ نیست.
پیامبران با تعالیم خود به مردمان یاری می‌دهند تا
به اراده الهی پی ببرند و به معرفت صفات او مثل
محبت، رحمت، قدرت یا عدالت دست یابند.

ادیان الهی

«...خداوند یگانه می فرماید، میان پیامبران جدائی ننهیم چون خواست همه یکی است و راز همگی یکسان، جدائی و برتری میان ایشان روا نه...»^۶

«...این اصول و قوانین و راه های محکم متین از مطلع واحد ظاهر و از مشرق واحد مُشرق و این اختلافات نظر به مصالح وقت و زمان و قرون و اعصار بوده...»^۷



وحدت اساس ادیان

از جمله تعالیم حضرت بهاء الله وحدت اساس ادیان است زیرا همه ادیان اعمّ از هندو، موسوی، زرتشتی، بودائی، مسیحی، اسلام یا بهائی منبعث از خدای یگانه اند. حضرت بهاء الله به ما می آموزند که همه پیامبران حقایق معنوی و جاودانی واحدی را به پیروان خود تعلیم می دهند. ایشان مثلاً از پیروان خود می خواهند که هویتی روحانی کسب نمایند، صادق و رحیم باشند. سنت بر این بوده است که پیامبران همیشه اساس الهی ادیان پیش از خود را تأیید نموده اند، لکن این مردمان بوده اند که هرگاه پیامبر جدیدی در عالم ظاهر می شده، فوراً به مخالفت با او بر می خاسته اند.

را نیز که متناسب با اوضاع و احوال و نیازمندی های زمان ظهورشان است به مردمان آموزش می دهد. آموزه های پیامبران در حقیقت از دو بخش تشکیل می شود که عبارتند از بخشی جاودانی و بدون تغییر و بخشی دیگر که متغیر و متناسب با زمان ظهور جدیداً ابلاغ می شوند. در آئین بهائی بخش اول مبادی روحانی و بخش دوم مبادی اداری نامیده می شوند.

استمرار ادیان الهی شبیه حلقه های زنجیر به هم پیوسته است

هریک از پیامبران علاوه بر حقایق معنوی و جاودانی که بدان اشارت رفت، تعالیم دیگری

دو بخش جاودانی و متغیر ادیان الهی

۱ بخش جاودانی و تغییرناپذیر:

از جمله تعلیمی که از این آیشخور مایه می گیرند، عبارتند از ارزش های اخلاقی و معنوی. این نوع تعلیم مردمان را به صداقت، انصاف، عشق به همنوع و دوست داشتن خدای یگانه رهنمون می شوند. زمان در این گونه تعلیم بی تأثیر است.

۲ بخش متغیر و متناسب با زمان:

تعلیم مشمول این دسته شامل حدود و احکامی است که با زمان ابلاغ متناسب اند، یعنی در رابطه مستقیم با زمان و مکان ظهور یک پیامبر به مردمان آموزش داده می شوند. از جمله این تعلیم عبارتند از: نماز، روزه، احکام ازدواج یا طلاق، مجازات انواع جرم و غیره. در ادیان الهی از جهت این گونه تعلیم گاه تفاوت های نسبتاً عمده ای مشاهده می شود. این احکام با درجه رشد و میزان پیشرفت انسان ها متناسب اند و با ظهور هر پیامبر جدید تغییر می یابند. از همین جهت است که ادیان مختلف دارای احکام اجتماعی متفاوتی هستند، مثل مقام زن یا نظامات اجتماعی و از این قبیل. به بیان حضرت بهاء الله:



«...هر گاه که
خداوند بی مانند
پیامبری را به سوی
مردمان فرستاد،
به گفتار و رفتاری
که سزاوار آن
روز بود نمودار
شد...»^۸

نموده است بلکه از جمله باورهای بنیادین بهائیان یکی هم این باور است که پس از حضرت بهاء الله در فواصلی معین و نسبتاً بلند پیامبران دیگری ظهور خواهند نمود و به هدایت خلق خواهند پرداخت.

تجدید ادیان

هر یک از ادیان الهی در طول حیات خود بطور طبیعی متحمل تغییراتی می شود. حضرت عبداله‌بهاء مراحل تغییر و تبدیل ادیان را که عبارت از پیدایش، طی سیر تکاملی و در نهایت افول و سقوط تدریجی است به فصول یک سال شمسی تشبیه می فرماید. ادیان الهی نیز هر کدام دارای فصولی است و با ظهور هر دین جدید این فصول تجدید می شود.

هر یک از ادیان الهی قوه محرکه و فعّاله جدیدی به مردمان می بخشد و ادامه پیشرفت و تکامل نوع انسان را موجب می شود. تعالیم هر پیامبری همچون حضرت کریشنا، زرتشت، بوداء، موسی، عیسی مسیح، حضرت محمد و حضرت بهاء الله بر پایه تعالیم پیامبران پیشین بنا می شوند و انسان و فرهنگ او را گام به گام به پیش می برند. در واقع مقصود از ظهور پیامبران و بنیانگذاری آئینی نوین این بیان حضرت بهاء الله در رابطه با انسان و علت خلق اوست که می فرماید: «...**جمع از برای اصلاح عالم خلق شده اند...**»^۹

از آنجا که جامعه انسانی مرتباً رو به تکامل است، ظهور پیامبران نیز بطور مداوم استمرار می یابد. حضرت بهاء الله ادعای ختمیتی برای آئین خود

بائیز یا زمان خزان دین

بادهای خزان در این فصل شدیداً وزش می نمایند و اثمار دین را به تدریج نابود می سازند.

زمستان یا زمان سردی و یخبندان

در این فصل انجماد تسلی ناپذیری دین و تعالیم و آداب و مناسک آن را در بر می گیرد. از جمله نتایج این انجماد ایجاد شکاف و چند دستگی در دین و بالاخره ضعف و انحطاط اخلاقی و ارزش های معنوی خواهد بود.

بهار یا زمان شکوفائی

در این فصل، دین انسان و جامعه انسانی را بارور می سازد و به او حیاتی تازه می بخشد.

تابستان یا زمان به ثمر رسیدن و بلوغ

در این فصل نور و حرارت دین به منتها درجه شدت خود می رسد.

عالم یک وطن محسوب است

حضرت بهاءالله در این باره که برای انسان تنها دوست داشتن وطن فخر نیست، بلکه فخر حقیقی در جهان وطنی و دوست داشتن همه عالم است، چنین می فرماید:

«لیس الفخر لمن یحبّ الوطن بل لمن یحبّ العالم... فی الحقیقه عالم یک وطن محسوب است و من علی الأرض اهل آن ...»^۱

فرمود. گرچه هر روز کسان و نهاد های بیشتری طالب وحدت و استقرار صلح در جهان اند، لکن تجربه نشان می دهد که تا چه اندازه این اندیشه در عمل با مشکلات مواجه می گردد. استقرار وحدت و صلح در جهان روندی تدریجی خواهد داشت. این روند مستلزم تغییراتی بنیانی است که گاه تدریجی و گاه ناگهانی باید همه شؤن زندگی آدمی را در برگیرد. از جمله موانع بزرگی که بر سر راه وحدت قرار دارد همانا وجود انواع تعصبات و پیش داوری ها است.

محور تعالیم حضرت بهاءالله را اصل بنیادین وحدت عالم انسانی تشکیل می دهد. هدف از این تعلیم نیل به وحدت و جامعیت انبای انسان است. حضرت بهاءالله پیش گوئی فرمود که در آینده ملل جهان به تشکیل یک جامعه متحد جهانی مبادرت خواهند ورزید (نگاه کنید به پیوست شماره ۱: «چشم انداز یک جامعه متحد جهانی از دیدگاه حضرت بهاءالله»). آن حضرت در آثار خود چگونگی نیل به وحدت، صلح و رفاه را تشریح نمود و نحوه تضمین آن را بیان

وحدت در کثرت

تاریخ طولانی تکامل و تمدن جامعه بشری طی ادوار مختلف تنوع چشم گیری از نژادها و فرهنگ های گوناگون پدید آورده است. با این حال بنی آدم همه از یک مبدأ و منشأ سرچشمه گرفته اند، یعنی همه اعضای یک خانواده اند و از یک گوهر پدید آمده اند. به اعتقاد بهائیان تنوع موجود در عالم انسانی گنجینه ای شایگان است. بهائیان، عالم انسانی را به گلستانی تشبیه می نمایند





که زیبایی و لطافت آن عمده به لحاظ تنوع در شکل و رنگ و عطر و خلاصه در رنگارنگی اشجار و گل‌های آن است. تفاوت در رنگ و نژاد و ملیت و از این قبیل باید سبب سرور عالم انسانی گردد و نه اینکه مجوز برتری قومی بر قوم دیگر یا سبب مشاجره و منازعه بین ابناء بشر شود.

صلح جهانی، خواب و خیال یا امری اجتناب‌ناپذیر؟

صلح جهانی که اغلب به عنوان امری محال یا خیالی واهی مورد تمسخر قرار می‌گیرد از دیدگاه بهائیان امری است که استقرار آن نه تنها امکان دارد بلکه اجتناب‌ناپذیر است. جامعه بشری جامعه‌ای واحد است. این جامعه تاکنون مراحل مختلفی را از قبیل خانواده، قبیله، حکومت‌های محلی تا تشکیل ملت‌های بزرگ طی نموده و به مرحله کنونی از سیر تکاملی خود رسیده است. بهائیان و آثار دینی شان بر این باورند که تکلیفی که جامعه انسانی باید اکنون بدان پردازد و به آن جامعه عمل پوشاند همانا بنای یک جامعه واحد جهانی است. مسئولیت بنای چنین جامعه‌ای در این برهه از روند تاریخ به عهده اهل عالم در مجموع نهاده شده است که باید به قبول این مسئولیت تن در دهد. در بیانیه بیت العدل اعظم، بالاترین مرجع اداری جامعه جهانی بهائی، بنام «وعده صلح جهانی خطاب به اهل عالم» از جمله چنین آمده است:

شکوفائی رشته های مختلف هنری گردیده است. در عین حال جنایت، تروریزم، سلاح های مدرن جنگی، فقدان عدالت اجتماعی و عدم تعادل در امور اقتصادی و بالاخره تباهی محیط زیست همه و همه از جمله موانعی به شمار می روند که جامعه انسانی را تهدید می نمایند و تنها از طریق همکاری های مستمر بین المللی می شود به حل این موانع و معضلات نایل آمد.

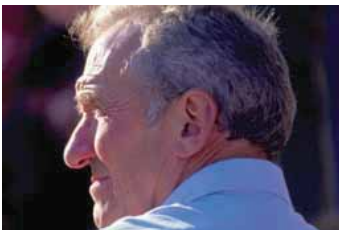
سازمان ملل متحد طی قرن بیستم اساس بسیاری از نهادهای سیاسی بین المللی را بنیان نهاد. بهائیان در تلاش هایی که در این زمینه به عمل می آید فرصت مناسبی برای دوام و بقای عالم انسانی مشاهده می نمایند. بدیهی است این تلاش ها هنگامی منجر به صلح و آرامش خواهند شد که ملل عالم با تمام قوا و بالاتفاق در تحقق وحدت عالم انسانی گام بر دارند. به فرموده حضرت بهاءالله:

«...مقصود اصلاح عالم و راحت امم بوده، این اصلاح و راحت ظاهر نشود مگر به اتحاد و اتفاق...»^{۱۲}

«صلح جهانی آبا فقط بعد از وقوع وحشت و بلائی عظیم که مولود تمسک مصرانه بشر به روش های ناهنجار قدیمی است باید تحقق یابد یا آنکه فی الحال صورت پذیر است و از طریق اراده و عزمی راسخ که نتیجه مذاکره و مشورت باشد حاصل خواهد شد؟ اختیار یکی از این دو راه امروزه در مقابل اهل عالم قرار گرفته است.»^{۱۱}

لزوم همبستگی و ایجاد وحدت بین ملل عالم هر روز بیشتر آشکار می شود و ارتباط و وابستگی میان آنان روز به روز بیشتر توسعه می یابد. از جمله می توان سیستم های عالمگیر الکترونیکی و خطوط ارتباطی زمینی و هوایی را شاهد آورد که فواصل را از میان برده و انسان ها را بیش از پیش به هم نزدیک کرده اند. اقتصاد از صورت بسته خارج شده و جنبه جهانی یافته است. دانشمندان در صحنه ای جهانی به پژوهش و اکتشاف مشغولند و ارتباط و گفتگو میان آنان از بدیهیات شمرده می شود. مبادلات فرهنگی بین ملل عالم موجب

تحرّی حقیقت



بھائی موظّف است با مطالعه آموزه های دینی خود برداشتی درست از آن آموزه ها اخذ نماید. مشاوره و تبادل نظر با همکیشان به منظور درک و فهم بهتر تعالیم مطلوب است ولی هیچ فرد بھائی مجاز به تبیین یا تفسیر دستورات دینی به جهت تحمیل عقیده خود به دیگران نخواهد بود.

انتخاب دین و پیروی از معتقدات مذهبی باید مستقلاً توسط خود فرد و بدون مداخله والدین یا کسان دیگر صورت گیرد. اعتقاد هر انسانی به آئینی مخصوص به خود او مربوط است. پیروی چشم بسته از آداب و سننی خاص مانع تکامل و پیشرفت است. نونهالان بھائی باید خود به جستجوی حقیقت پردازند و مسؤولیت انتخاب دینشان را خود به عهده گیرند. در آئین بھائی آدابی خاص مثل غسل تعمید یا از این قبیل برای پذیرفته شدن در جمع مؤمنین موجود نیست. نوجوانان بھائی موظّفند پس از رسیدن به سن بلوغ شرعی که پانزده سال تمام است خود درخواست عضویت در جامعه را بنمایند حتّی اگر در یک خانواده بھائی یا به عرصه وجود گذارده باشند.

از جمله آموزه های بنیادین دیانت بھائی تحرّی حقیقت، یعنی پژوهش فردی و آزاد در امور دینی و اعتقادی است. بنیان گذار آئین بھائی می گوید که هر کس می تواند و موظّف است بدون دخالت دیگران و تنها با به کار گرفتن عقل و قلب خود به جستجوی حقیقت پردازد. اگر چنین شود عواملی نظیر پیش داوری، تقلید و تبعیت چشم بسته از آراء کسان و سنن دست و پاگیر یا نظرات گمراه کننده دیگران تأثیر خود را از دست خواهد داد و انسان خواهد توانست آزادانه جوای حقیقت شود و به آن دست یابد. این مطلب در یکی از خطابات حضرت عبدالبهاء این طور عنوان شده است:

«اولّ تعلیم بهاء الله این است که هر کس باید خود به جستجوی حقیقت پردازد. این بدان معناست که انسان باید آنچه را که از دیگران شنیده است فراموش نماید و خود به شخصه جوای حقیقت شود زیرا در غیر این صورت صحت یا عدم صحت مسموعات بر او معلوم نگردد.»^{۱۳} به فرموده حضرت بهاء الله اقوال و اعمال دیگران نباید معیار به جهت جستجوی حقیقت قرار گیرد.^{۱۴}

بھائیان فاقد طبقه روحانی حرفه ای و کسانی بنام مراجع تقلیدند (نگاه کنید به بخش: «ساختار نظم اداری در تشکیلات بھائی»). راهنمای ایشان در مسائل دینی حدود و احکامی است که در کتب و آثار شریعت بھائی مرقوم گردیده است. هر فرد

برابری حقوق زن و مرد

این بیان حضرت بهاء الله معرف برابری کامل زن و مرد در پیشگاه ایزد متعال است:

«...امروزید عنایت فرق را از میان برداشته، عباد و اماء در صُقع [مرتبۀ] واحد مشهود...»^{۱۵}

بنیانگذار آئین بهائی نه تنها برابری زن و مرد را از لحاظ ارزش ایشان نزد خالق متعال مورد تأیید و تأکید قرار می دهد بلکه این تعلیم، برابری زن و مرد را از جهت حقوق اجتماعی نیز تضمین می نماید و این امری است که نه تنها در گذشته بلکه در حال حاضر نیز قبول آن برای بسیاری مشکل است.

کمبود تعلیم و تربیت در بسیاری از کشورها کماکان علت اصلی وضع نامساعد اجتماعی زنان به شمار می رود. به موجب تعالیم بهائی زنان باید در تعلیم و تربیت و کار و بطور کلی در اجتماع از حقوقی برابر با مردان برخوردار باشند. چنانچه خانواده ای از جهت مالی فاقد امکانات کافی برای تعلیم و تربیت همه فرزندان باشد، حق تقدّم

با دختران است زیرا این دخترانند که در آینده در لباس مادر نقش اولین معلم طفل را ایفا خواهند نمود و لذا مسؤولیت تربیت نسل بعدی را به عهده خواهند داشت. برابری

کامل زن و مرد از این بیان حضرت عبدالبهاء به خوبی آشکار می شود که می فرمایند:

«بنی آدم از دو نیمه متشکل است: نیمی را مردان و نیم دیگر را زنان تشکیل می دهند. هر نیم مکمل نیم دیگر است. خوشبختی و امنیت انسان هنگامی میسر است که هر دو نیم در راه تکامل خود گام بردارند.»^{۱۶}

بدیهی است برابری حقوق زن و مرد به معنی یکسان بودن وظایف در همه امور و شؤون زندگی نخواهد بود زیرا تفاوت های بیولوژیکی زن و مرد خود تفاوت امکانات و مقدرات آن دورا موجب می شود. طبق بیان حضرت عبدالبهاء:

«زنان در برخی امور بر مردان مزیت دارند و در برخی دیگر از امور مردان مناسبتر از زنانند. لکن در بسیاری از شؤون جنسیت زن و مرد هیچ نقشی را ایفا نمی نماید.»^{۱۷}



هیچ مجوز اخلاقی و عملی یا طبیعی

ندارد...»^{۱۷a}

برابری حقوق زن و مرد نیاز به وجدانی جدید و ضمیری آگاه در هر دو جنس دارد. زنان و مردان باید مسؤوَلیت دگرگونی اجتماعی را که تمایل به مردسالاری دارند به عهده گیرند تا آن اجتماعات از استعدادها و مهارت های هر دو جنس بهره مند گردند. حضرت عبدالهء متذکر می شوند که مشارکت کامل زن در ادارهٔ امور اجتماع از جمله شرایط مهم برای خاتمه دادن به جنگ و خون ریزی و استقرار صلح است. چنانچه زن در امور سیاسی، حقوقی، اقتصادی و دیگر بخش های اجتماع نفوذ بیشتری باید آنگاه وی «ثابت قدم ترین مدافع صلح جهانی»^{۱۸} خواهد بود.

بیت العدل اعظم، بالاترین مرجع اداری جامعهٔ جهانی بهائی، در بیانیهٔ «وعدة صلح جهانی خطاب به اهل عالم» از جمله چنین مرقوم داشته است: «... آزادی زنان و وصول به تساوی میان زن و مرد هر چند اهمیتش چنانکه باید هنوز آشکار نباشد، یکی از مهمترین وسائل حصول صلح جهانی محسوب است. انکار تساوی بین زن و مرد نتیجه اش رواداشتن ظلم و ستم به نیمی از جمعیت جهان است و چنان عادت و رفتار ناهنجاری را در مردان به وجود می آورد که اثرات نامطلوبی از خانه به محل کار و به حیات سیاسی و مآلاً به روابط بین المللی کشیده می شود. انکار مساوات میان زن و مرد

برخی مبانی دیگر برای تکامل یک جامعه:

- تقویت خانواده به عنوان بنیاد اجتماع،
- حقّ تعلیم و تربیت عمومی،
- حقّ کار برای امرار معاش و رفاه جامعه،
- مبارزه با فقر و جلوگیری از انباشتن ثروت بی اندازه،
- انتخاب یک زبان و خط بین المللی علاوه بر زبان مادری،
- انتخاب و ترویج یک واحد پول بین المللی،
- حفاظت محیط زیست و منابع طبیعی.

تطابق دین با عقل و علم

«اگر بگوئیم که دین و علم دو چیز ناسازگارند آنگاه نه معنی دین و نه علم را به درستی درک کرده ایم. دین و علم باید هر دو با عقل مطابقت نمایند تا بتوانند از بوتۀ سنجش عقل سرفراز برون آیند.»^{۱۹}

دین و علم به اعتقاد بهائیان دو بال روح انسانی اند که باید در کمال هماهنگی با یکدیگر همکاری نمایند. دین واسطه ارزش های اخلاقی و معنوی است و موجب شکوفائی روحانیت و محبت در انسان می شود. علم به پژوهش در قوانین طبیعت می پردازد، به فنون تازه ای دست می یابد و آن فنون را برای بهره برداری در اختیار انسان قرار می دهد. طبق بیان حضرت عبدالبهاء از دین و علم هیچیک صرفنظر نتوان نمود:

«...دین انسان را بالی است و علم بال دیگر. انسان به دو بال پرواز می کند، به بال واحد پرواز نتواند. جمیع تقلید ادیان مخالف عقل و علم است نه حقیقت ادیان و این تقلید از این مفاسد حاصل شده است که سبب بغض و عداوت بین بشر گشته و الا اگر دین را به علم تطبیق می کردند حقیقت ظاهر می شد و ظهور حقیقت سبب ازالۀ خلاف می گشت و بغض و عداوت دینی ابداً نمی ماند بلکه بشر در نهایت الفت و محبت آمیزش می کردند...»^{۲۰}

دین و علم اغلب دو چیز ناسازگار تصور می شوند. یکی از دلایل این طرز اندیشه این است که گاه تعبیری که از برخی حقایق یا آموزه های دینی می شود با حقایق علمی و با موازین عقلی در تضاد است.

طبق بیان حضرت بهاءالله علم و دین مکمل یکدیگرند. آنها دو قطبی را تشکیل می دهند که انسان را به شناخت واقعیت رهنمون می شوند و لذا باید هر دو با عقل انسان مطابقت داشته باشند. ناهمخوانی ظاهری میان علم و دین از تعبیرات نادرست و از عدم پژوهش کافی در حقایق دینی و علمی ناشی می شود.



ترک تعصبات

«این کرهٔ خاکی یک وطن محسوب است و بنی آدم اعضاء یک خانواده اند. مرز و بوم و تفاوت های موجود مصنوعی و ساختهٔ دست انسان است.»^{۲۱}

«هل عرفتم لم خلقناکم من تراب واحد
لئلا یفتخر احد علی احد...»^{۲۲} مفهوم و مضمون این بیان به فارسی چنین است که آیا می دانید، چرا ما شما را از خاک واحد خلق نموده ایم؟ برای آنکه هیچ کس بر دیگری فخر نوردد و برتری نجوید.

اطفال بدون تعصب به دنیا می آیند لکن آن را در طول عمر از والدین و اجتماعی که در آن زندگی می کنند فرا می گیرند. آنچه مسلم است این است که بزرگسالان باید ترک تعصبات را پیشهٔ خویش سازند و در صورت وجود شائبه ای از آن در ضمیر خود به ترک آن اقدام نمایند و اطفال خویش را جهان گرا، جهان بین و عاری از هر نوع تقلید و تعصب به بار آورند. نشان دادن تفاهم و ادای احترام به دیگران از جمله شرایط ضروری برای ایجاد صلح و همزیستی مسالمت آمیز است.



تعصب، یعنی اعتقاد به انحصار حقیقت در یک آئین خاص، گاه آنچنان در ضمیر انسان ها ریشه دوانیده و تار و پود بافت اجتماع را فرا گرفته است که به زحمت می توان به پی آوردهای نکوهیدهٔ آن پی برد. کمتر کسی را می توان یافت که وجودش عاری از تعصب باشد. فرد و اجتماع ممکن است هر دو قربانی انواع «تعصب و حمیت جاهلیه» گردند مثل تعصبات نژادی، دینی، وطنی یا هر نوع دیگر. انسان از زبان ناشی از تعصب هنگامی آگاهی می یابد که خود به لحاظ پایبندی به نوعی از آن مورد سوء تفاهم، اجحاف یا بی عدالتی قرار گرفته باشد. بدیهی است هر چه دامنهٔ تعصب در سطح جهانی وسیع تر باشد زبان حاصله از آن نیز برای پیشرفت جوامع بشری شدیدتر خواهد بود. وجود تعصب اساساً تهدیدی برای استقرار صلح در جهان به شمار می رود. بنا به بیان حضرت عبدالهیا «تمام جنگ ها و خون ریزی ها در طول تاریخ بشر مستقیماً از وجود

تعصب ناشی شده است.»^{۲۲}

در کتب و آثار دیانت بهائی روی مسألهٔ ترک تعصبات و اینکه «اینها بشر از جنس واحد ساخته شده اند تا هیچ کس بر دیگری برتری نجوید تأکید بسیار گشته است. بنا به بیان حضرت بهاء الله:

طبیعت آدمی



دیگر پیامبران، انسان را مظهر صورت و مثال الهی می‌داند. به عبارت دیگر انسان بالقوه قادر است تمام صفات الهی مثل محبت، عدالت و رحمت را در خود کشف کند و در شکوفائی آن صفات بکوشد. شکوفائی استعدادها و مهارت‌های انسان از حیات روحانی او مایه می‌گیرد. حضرت بهاء‌الله انسان را به «معدن که دارای احجار کریمه است»^{۲۵} توصیف می‌فرماید.

چنانچه انسان تربیتی جسمانی، عقلانی و روحانی یابد و خود سعی در رشد و تکامل استعدادهای بالقوه خویش نماید در این صورت آن استعدادها راه کمال خواهند پیمود و خود و عالم انسانی از آن بهره مند خواهند شد. به بیان حضرت بهاء‌الله:

«انسان را به مثابه معدن که دارای احجار کریمه است مشاهده نما، به تربیت جواهر آن به عرصه شهود آید و عالم انسانی از آن منتفع گردد.»^{۲۶}

انسان و حقیقت او و اینکه از چه جوهری ساخته شده و ذات او چگونه است مطلبی است که از دیرباز نه تنها ادیان و فلسفه بلکه علمی مثل طب و روانشناسی را به خود مشغول داشته است. آیا انسان ذاتاً سرور است؟ آیا اعمال انسان ناشی از غریزه است؟ آیا انسان تنها مجموعه‌ای از اعضاء و جوارح است یا آنکه حقیقتی به نام روح نیز وجود دارد که مستقل از جسم است؟

در آثار بهائی انسان موجودی روحانی توصیف شده است. طبق بیان حضرت عبدالبهاء:

«انسان اساساً موجودی روحانی است و هر گاه به روح زنده باشد، آن روحانیت سبب سرور و خوشبختی او خواهد بود. تمایل به معنویات و احساسات روحانی در همه انسان‌ها موجود است...»^{۲۴}

هسته مرکزی این بیان گویای این حقیقت است که انسان موجودی روحانی است و هر گاه به روح زنده باشد آن روحانیت سبب سرور و خوشبختی او می‌گردد و شکوفائی استعدادها و مهارت‌های او را موجب می‌شود. بنیانگذار آئین بهائی، همانند



دوگانگی طبیعت انسان

«اصل الخسران: لمن مضت آیامه و ما عرف نفسه.»^{۲۷}

مضمون این بیان به فارسی چنین است که زبان و خسران حقیقی از آن کسی است که روزهایش سپری شود و از شناختن نفس خود غافل ماند. نفس یا روح آدمی دارای دو طبیعت است، یکی طبیعت دون که عبارت از نفس مادی و طبیعت حیوانی است و دیگری طبیعت علوی یا ملکوتی است که عبارت از نفسی است که معرف حقیقت

انسان است و آن طبیعت معنوی و روحانی او است. این هر دو همه هنگام در ستیزند. به اعتقاد بهائیان طبیعت مادی یا حیوانی هنگامی جلوه گر می شود و بر طبیعت معنوی چیرگی می یابد که انسان در تکامل روحانیت در وجود خود اهمال ورزد. در این صورت غرایز حیوانی مثل خودخواهی،



حرص، حسد، عدم رعایت حال دیگران و سایر قوای مخرب در انسان رشد می نمایند. نتیجه آنکه اگر نفس

خیر و شر

همه کردارهای آدمی را نمی توان نیک پنداشت. تعصب، نفرت، جنگ و ویرانی به شدت رواج دارد. ولی آیا در جهان هستی چیزی به نام شر، شیطان یا دوزخ وجود دارد؟ بهائیان بر این باورند که چیزی یا نیروئی مستقل که بتوان به آن شر، شیطان یا دوزخ نام نهاد وجود ندارد. در حقیقت شر عدم خیر است، دوزخ واژه ای است که برای بیان دوری از پروردگار به کار می رود. طبق بیان حضرت عبدالله:

«...در وجود شر نیست. آنچه خدا خلق کرده خیر خلق کرده، این شر راجع به اعدام است. مثلاً این موت عدم حیات است، امداد حیات که به انسان نرسد موت است. ظلمت عدم نور است، وقتی نور نیست ظلمت است. نور امر وجودی است لکن ظلمت امر وجودی نیست بلکه عده می است. غنا امر وجودی است اما فقر امر عده می است...»^{۲۸}

برای نیل به اصالت خود باشد، از این بیان حضرت بهاء‌الله به خوبی آشکار می‌گردد:

«یا این الرّوح، خلقتک عالیاً جعلت نفسک دانیة فاصعد الی ما خلقت له.»^{۲۹} مضمون این بیان به فارسی که مأخوذ از کلمات مکنونه است و در آن حضرت بهاء‌الله انسان را به عنوان موجودی که زائیده از روح است خطاب می‌فرماید، چنین است که ای پسر روح، من تو را والا مقام خلق نمودم، تو خودت را پست و فرومایه می‌نمایی؟ پس برخیز و به آنچه به جهت آن خلق شده‌ای روی آر!

ناری غلبه نماید، انسان در بند آن نفس گرفتار آید و آزادی به تدریج از او سلب شود و انسان تابع نفس و هوای خویش گردد. در مقابل، قوای معنوی به یاری انسان می‌شتابند و او را متوجّه طبیعت ملکوتی‌اش می‌نمایند و شکوفائی او را متناسب با حقیقت انسانی‌اش که صرفاً روحانی و معنوی است موجب می‌گردند. آثار بهائی روی غرایز نفسانی نیز تأکید می‌نمایند و لزوم حوائجی نظیر خواب و خوراک یا نیازمندی‌های جنسی را در حدّ لزوم در انسان تأیید می‌نمایند. اینکه انسان آفریده‌ای روحانی است که باید دائماً در تلاش



روح انسانی

به هیكل و حالتی که گذشت قرن ها و عصرها و حوادث عالم و ظهورات و بروزات در او، هیچ یک تغییر و تبدیلی در او پدید نمی آورند و خداوند با ملکوت و سلطنت و قدرت خود بقای روح را تضمین می کند و روح آثار و صفات و عنایت و الطاف پروردگار را ظاهر می سازد... (نگاه کنید به بخش: «بقای روح و حیات بعد از مرگ»)

روح انسانی را می توان به بذری تشبیه نمود که جوانه می زند و از آن گیاهی پدید می آید. به تدریج آن گیاه رشد می نماید و به درختی تنومند مبدل می شود. در این هنگام است که هستی جوانه و گیاه در آن بذر آشکار می شود. شخصیت روح نیز به همین ترتیب به تدریج تکامل می یابد و صفات نهفته درون خود را آشکار می سازد. روح برای شکوفائی این صفات، مهارت هائی را به کار می گیرد که خداوند به او عنایت کرده است که از جمله می توان از محبت، معرفت، اراده و اختیار در تصمیم گیری نام برد.



حضرت بهاء الله به ما می آموزند که روح حقیقت وجود انسانی است. این روح است که انسان را از حیوان و دیگر آفریدگان ممتاز می سازد. در حقیقت انسان به روح انسان است. با این وجود روح سرّی از اسرار حضرت پروردگار است. روح به فرموده مؤسس آئین بهائی «.. **إِنَّهَا آيَةُ الْهَيْبَةِ وَ جَوْهَرَةٌ مَلَكُوتِيَّةٌ أَلْتِي عَجَزَ كُلُّ ذِي عِلْمٍ عَنِ عِرْفَانِ حَقِيقَتِهَا وَ كُلُّ ذِي عِرْفَانٍ عَنِ مَعْرِفَتِهَا...**»^{۳۰} طبق این بیان روح آیتی الهی و جوهری ملکوتی است که هر صاحب علمی از شناخت حقیقت آن عاجز و هر عارفی از معرفت به آن ناتوان است.

با آنکه طبق کتب و آثار بهائی درک کنه و ذات روح ممکن نیست، با این حال می توان به برخی از نشانه های آن پی برد.

روح لطیفه ای است ربّانی و جاودانی که پس از ترک بدن به پیشرفت و تکامل خود ادامه می دهد تا آنجا که به فرموده حضرت بهاء الله:

«...إِنَّهُ يَصْعَدُ حِينَ ارْتِقَانِهِ إِلَى أَنْ يَحْضُرَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ فِي هَيْكَلٍ لَا تَغْتَيِّرُهُ الْقُرُونُ وَ الْأَعْصَارُ وَ لَا حَوَادِثُ الْعَالَمِ وَ مَا يَظْهَرُ فِيهِ وَ يَكُونُ بَاقِيًا بَدْوَامٍ مَلَكُوتِ اللَّهِ وَ سُلْطَانَهُ وَ جَبْرُوتَهُ وَ اِقْتِدَارَهُ وَ مِنْهُ تَظْهَرُ آثَارُ اللَّهِ وَ صِفَاتِهِ وَ عَنَايَةُ اللَّهِ وَ الْطَافَةُ...»^{۳۱}

مضمون این بیان به فارسی چنین است که [روح پس از ترک بدن] به پیشرفت خود ادامه می دهد تا آنجا که در محضر پروردگار حاضر می شود

روح، عقل و جسم

طبق آثار بهائی روح در راستای حیات خود در این جهان به یاری عقل و جسم تکامل می یابد. عقل «**رابط بین جسم و روح انسان است.**»^{۳۲} روح یا نفس ناطقه بوسیله عقل می اندیشد و به بیان آنچه در ضمیر دارد می پردازد، استدلال می نماید و به کشف قوانین حاکم بر طبیعت نائل می آید. عقل ابزاری است که به انسان یاری می دهد تا آفریدگار خود را بشناسد و به درک عالم آفرینش و حقیقت وجودی خود پی برد.

طبق بیان حضرت بهاء الله روح انسان مستقل از حالت و کیفیت جسم و عقل است:

«... روح در رتبه خود قائم و مستقر است و اینکه در مریض ضعف مشاهده می شود بواسطه اسباب مانعه بوده و الا در اصل ضعف به روح راجع نه. مثلاً در سراج ملاحظه نمائید، مضمی و روشن است و لکن اگر حائلی مانع شود در این صورت نور او ممنوع، مع آنکه در رتبه خود مضمی و بوده و لکن به اسباب مانعه اشراق نور منع شده و همچنین مریض در حالت مرض ظهور قدرت و قوت روح به سبب اسباب حائله ممنوع و مستور و لکن بعد از خروج از بدن به قدرت و قوت و غلبه ای ظاهر که شبه آن ممکن نه، و ارواح لطیفه طیبه مقدسه به کمال قدرت و انبساط بوده و خواهند بود...»^{۳۳}

مراتب روح

عالم وجود را مراتب مختلف است. مثلاً در رتبه نبات قوه نامیه، در رتبه حیوان علاوه بر قوه نامیه قوای حساسه و غرایز حیوانی نافذ است.

در رتبه انسان، قوه روح یا نفس ناطقه حاکم بر گفتار و کردار انسان است. روح لطیفه یا جوهری است بسیط، یعنی غیر قابل تجزیه و مجرد از عناصر و مستقل از قوانین طبیعت. انسان به قوه روح قادر است کشف قوانین مجهوله طبیعت نماید، به پژوهش در آن قوانین پردازد و از اختراعات و اکتشافات خود برای رفاه عالم انسانی بهره گیرد. وجه تمایز انسان بر حیوان اختیار او بر خیر و شر است. مثلاً انسان قادر به تمیز بین عدل و ظلم است. او می تواند پر خوری کند یا اینکه روزها گرسنگی کشد، تندخو یا آرام و گشاده رو باشد. انسان با اراده خود می تواند آزادانه و آگاهانه و بدون اینکه مجبور به پیروی از غرایز خویش باشد، اتخاذ تصمیم نماید.

هر رتبه از مراتب وجود جامع صفات و کمالات مراتب مادون خویش است. همانطور که رتبه حیوان جامع رتبه نبات است، به همان گونه نیز رتبه انسان جامع قوای حساسه و غرایز مودعه در رتبه حیوان است. رتبه مادون درک حالات و کیفیات رتبه مافوق نتواند. نبات هر چه ترقی کند به درک رتبه حیوان نایل نشود. به همان قسم نیز انسان هر چه ترقی در مراتب کمالات نماید موفق به درک و فهم مراتب روح القدس و عوالم الهی نشود.

بقای روح و حیات بعد از مرگ

«اگر بعد از فوت جسد، روح را فنائی باشد مثل این است که تصوّر نماییم مرغی در قفس بوده، به سبب شکست قفس هلاک گردیده و حال آنکه مرغ را از شکست قفس چه باک و این جسد مثل قفس است و روح به مثابه مرغ...»^{۳۴}



حضرت بهاء الله به ما می آموزد که روح پس از فوت جسد باقی و برقرار است و به حیات خود ادامه می دهد. روح پس از ترک جسم به جهانی که منزّه از حدود و قیود زمان و مکان است ارتقاء می یابد. در عالم مثال، جسد به مثابه قفس است و روح به مثابه مرغ. اگر قفس شکسته شود، مرغ باقی و برقرار است. بازماندگان یک متوفی مرگ از دست رفته خود را در دنیاک خوانند و به عزاداری نشینند لکن برای آن که جهان فانی را ترک نموده است، مرحله ای جدید در سیر و سلوک در عواملی دیگر آغاز می شود و به رتبه‌های دیگر از مراتب وجود دخول می نماید.

«... و فرق این عالم با آن عالم مثل فرق عالم جنین و این عالم است...»^{۳۵}

• همانگونه که نوزاد به هنگام تولد، جهان تنگ و تاریک رحم را ترک می کند و به جهانی باز و روشن قدم می نهد، به همان ترتیب نیز روح پس از ترک جسم، به جهانی روحانی گام می نهد و خود را از محدوده تنگ و فشرده جهان خاکی آزاد مشاهده می نماید. جنین در رحم مادر به تدریج هر آنچه را که برای حیات این جهانی مورد نیاز

حیات روح در بدن مثل حیات جنین در رحم مادر است

بهائیان حیات روح را در بدن به حیات جنین در رحم مادر تشبیه می نمایند. از جمله نکات مشترک این دو حیات عبارتند از:

• برای جنین تصوّر عظمت جهان خارج از رحم غیر ممکن است. به همین میزان نیز عظمت جهان روح پس از ترک جسم برای انسان غیر قابل تصوّر است. به فرموده حضرت بهاء الله:

صدای مادر را بشنود و به نوای موسیقی گوش فرا دهد یا تماس دستی را بر روی پوست بدن مادر احساس کند و حتی از خود واکنش نشان دهد. به همین ترتیب نیز حیات انسان تنها به جهان مادی محدود نمی شود بلکه از یک حیات روحانی هم برخوردار است. حیات روحانی محیط بر زندگی انسان است و بر آن چیرگی دارد و هر چند آدمی قادر به درک چگونگی آن حیات نیست لکن نفوذ و تأثیرش در زندگی او غیر قابل انکار است.

• رشد نوزاد در رحم مادر از تشکیل نطفه تا مرحله تولد روندی تدریجی دارد. به همین ترتیب نیز انسان در حیات این جهانی مراحل مختلف تکامل را اندک اندک طی می کند. رشد روحانی و کسب کمالات معنوی با ترک این جهان خاتمه نمی یابد. روح انسان در سفر خود به جهان باقی عوالم مختلفی راطی می نماید. به فرموده حضرت بهاء الله:

«وَأَمَّا مَا سَأَلْتُمَنِ الْعَوَالِمِ، فَأَعْلَمُ بِأَنَّ نَهْجَ الْعَوَالِمِ لَا نِهَاجَةَ بِنَمَا لَا نِهَاجَةَ لَهَا وَ مَا أَحَاطَ بِهَا أَحَدٌ إِلَّا نَفْسَهُ الْعَلِيمِ الْحَكِيمِ...»^{۳۶}



است، مثل چشم، گوش، پا و دیگر اعضاء مهبّی می سازد. لزوم اعضاء و جوارحی که در رحم مادر تکامل می یابند در این جهان آشکار می شود. ناگفته پیداست که در رحم مادر نیازی به وجود آنان احساس نمی شده است.

بهاینان بر این باورند که انسان باید در طول حیات این جهانی به تکمیل استعدادها و مهارت های بالقوه روحانی و معنوی خود بپردازد تا در آن جهان قادر به «دیدن»، «شنیدن» و «گام برداشتن» باشد. روح پس از ترک این جهان به لزوم کمالات روحانی مثل ایمان، معرفت، سرور یا محبت پی خواهد برد. همان گونه که عدم تکامل اعضاء در رحم مادر به نقص عضو می انجامد و اثرات نقص عضو در این جهان آشکار می گردد، به همین ترتیب نیز عدم تکامل صفات و ملکات روحانی در این جهان به محدودیت های روحانی در آن جهان منجر می شود.

• گرچه جنین در رحم مادر از دنیای خارج بی خبر است، نه آن را می شناسد و نه قادر به فهم آن است، لکن به آن بسیار نزدیک است. مثلاً می تواند



بقای روح

اعتقاد به حیات و بقای روح پس از مرگ اندیشه بشر را در طی قرون و اعصار به خود مشغول داشته و فرضیه های مختلفی را به وجود آورده است. در کتب و آثار بهائی به برخی نکات اشاره شده است که می تواند ما را به حقیقت امر رهنمون شود که از آن جمله است: بدن انسان ترکیبی از عناصر مادی است و چون هر ترکیبی را تحلیلی در پی است لذا مرگ حاصل آن تحلیل است، حال آنکه روح مجرد از عناصر است و آن را تحلیلی در پی نیست. به فرموده حضرت عبدالبهاء: «...روح انسانی ترکیب نیست، از عناصر مختلفه نیست بلکه مجرد از عناصر است و مقدس از طبایع، چون مرکب از عناصر نیست این است که حی و باقی است...»^{۳۷}

مضمون این بیان به فارسی چنین است که و اما در مورد آنچه راجع به عوالم الهی [سؤال نموده ای، بدان که عوالم خداوند بی پایاند و برای آنها نهایی تصور نتوان نمود و هیچ کس را توان احاطه بر آنها ممکن نیست مگر خود خداوند که دانا و صاحب حکمت است.

* با وجود شباهت های نامبرده، میان رشد جنین در رحم مادر و کسب کمالات در این جهان ناهمسانی بسیار موجود است. تکامل اعضاء در رحم مادر بدون اراده جنین و به منظور بهره مندی آتی در یک جهانی مادی است، حال آنکه انسان حین زندگی در این جهان، خود را به جهت نیل به حیاتی جاوداتی که حیاتی روحانی است آماده می سازد.

تأکید بر این نکته نیز لازم است که تشکیل اعضاء و جوارح در رحم مادر به میل و اراده جنین صورت نمی گیرد، حال آنکه مسؤولیت رشد اعضاء و کسب کمالات تنها در این جهان و به ید اقتدار و به اراده خود انسان نهاده شده است. به بیان حضرت بهاء الله:

«ای بنده من،
از بند ملک خود
را رهائی بخش و از
حبس نفس خود را
آزاد کن. وقت را
غنیمت شم زیرا که
این وقت را دیگر
نبینی و این زمان را
هرگز نیابی.»^{۳۸}



چند پرسش که به مرگ و حیات روح مربوط می شود.

آیا انسان پس از مرگ شعور و شخصیت خود را حفظ می نماید
و آیا دوستان و منسویین خود را باز خواهد دید؟
«پاسخ تعلیم بهائی به این سؤال بسیار صریح است، به این عبارت
که در جهان دیگر برقراری رابطه با منسویین و دوستان ممکن است.
بنا به فرموده حضرت بهاءالله روح در جهان دیگر شعور و شخصیت
خود را حفظ می نماید و قادر است با ارواح دیگر ارتباط برقرار
سازد. لکن کیفیت چنین ارتباطی روحانی است و منوط و موقوف به
محبت صرف و بلاشرط انسان نسبت به آن کسان خواهد بود.»^{۳۹}

عقیده بهائیان راجع به تناسخ چگونه است؟

بهائیان بر این باورند که روح پس از ترک جسم و ارتقاء به جهان پابنده دوباره
به این جهان باز نخواهد گشت. مثل این واقعیت مثل نوزادی است که از رحم
مادر تولد یافته و پا به این جهان گذارده است. پر واضح است که بازگشت او
به رحم مادر در هر سن و سال و به هر شکل و کیفیتی منطقی و عقلانی نخواهد
بود. به فرموده حضرت عبدالهه:

«...رجوع روح بعد از صعود منافی حرکت طبیعی و مخالف نظم
الهی است...»^{۴۰}

**حیات روح پس از مرگ به چه ترتیب است؟ عقیده بهائیان راجع
به بهشت و دوزخ چگونه است؟**

به اعتقاد بهائیان روح همه انسان ها حیاتی جاوداتی دارد. بهشت یا دوزخ مکان
خاصی نیست بلکه یک کیفیت روحانی است. بهشت قرب به خدا و دوزخ
دوری از او توصیف می شود. «بهشت و دوزخ در وجود خود انسان
است.»^{۴۱} (نگاه کنید به بخش های: «طبیعت آدمی و مسأله خیر و شر»)

مقام انسان و پیشرفت روح پس از مرگ چگونه است؟

پیشرفت روح قبل و بعد از مرگ هر دو ممکن است. دعا و مناجات برای درگذشتگان و خیرات و میراث به نام ایشان و طلب فضل و عنایت از پیشگاه پروردگار عالمیان سبب پیشرفت روح در آن عالم می شود.

مرگ در سنین طفولیت و نوجوانی

«...در چنین وقوعات جانگداز حکمت بالغه الهی مندرج است، مثل آن است که باغبان مهربان نهالی تر و تازه را از محل تنگی به مکان وسیعی نقل کند. این انتقال سبب پژمردگی و افسردگی و اضمحلال آن نهال نیست بلکه سبب نشو و نما و حصول طراوت و لطافت و ظهور بار و برگ است ولی این سر مکنون در نزد باغبان معلوم. اما نفوسی که از این موهبت خبر ندارند گمان چنین کنند که باغبان آن نهال را به قهر و غضب از محلتش ریشه کن نموده...»^{۴۲}

نظر بهائیان دربارهٔ خود کشی چگونه است؟

در زندگی گاه دشواری هائی پدید می آید که تحمل آن برای انسان مشکل است. لکن توجه به این نکته ضروری است که حیات اساساً تحفه ای خدادادی است و به این جهت به انسان داده شده است که از آن به عنوان ابزاری برای کسب کمالات بهره گیرد و توشه ای برای حیات جاودانی که حیات اخروی است فراهم کند. پایان دادن به زندگی قبل از مرگ طبیعی مانعی برای فراهم شدن توشه و کسب هر چه بیشتر کمالات به شمار می رود و زیانی است که انسان خود به تکامل معنوی خویش وارد می سازد. این است که تعالیم بهائی خودکشی را منع می نمایند. برخی پیش آمدها ممکن است بسیار دردناک باشند و نتوان چاره ای برای رهایی از آنها یافت، گرچه همیشه راه نجاتی برای آنها موجود است. مسؤلیت هر انسانی به عهده خودش واگذار شده است. به علاوه مشکلات را می توان با کمک کسان مورد اعتماد یا مشاوره با اهل فن حل نمود.

مقصود از زندگی

«سپاس و ستایش خداوندی را سزاوار که آفرینش را به توانائی خود از برهنگی نابودی رهایی داد و به پوشش زندگی سرافرازی بخشید. پس گوهر پاک مردم را از میان آفریدگان برگزید و او را به پوشش بزرگی آرایش فرمود. هر که زنگ خواهش از آئینه دل زدود سزاوار این پوشش یزدانی شد و خود را از برهنگی نادانی رهایی داد.»^{۴۳} انسان تنها آفریده ای است که آگاهانه قادر به شناسائی آفریدگار خویش و کسب کمالات و

این موضوع از جمله مسائل مهم ادیان به شمار می رود. در آثار شریعت بهائی به این موضوع از جهات مختلف توجه شده است. یکی از این جهات شناخت نفس خود است. کسب کمالات معنوی به جهت آماده شدن برای حیات اخروی و یا خدمت به ممنوع از دیگر مقاصد زندگی به حساب آمده اند (نگاه کنید به بخش های: «جنبه هائی از زندگی روزانه»، «طبیعت آدمی» و «بقای روح و حیات بعد از مرگ». این موضوع در آثار بنیانگذار دیانت بهائی از جمله چنین توصیف شده است:



دوست داشته باش تا یادت کنم و تو را در روح زندگی ثابت و استوار گردانم.

روح همچنین قادر به درک این واقعیت است که حیات انسان در این جهان با وجود آنکه همه گونه وسایل مادی در اختیار اوست، گذرا و ناپایدار است. حضرت بهاء الله زندگی انسان را در این جهان به سراب و نمایی بی حقیقت تشبیه می نمایند:

«... دنیا نمایی است بی حقیقت و نیستی است به صورت هستی آراسته، دل به او مبندید و از پروردگار خود مگسبید و مباحثید از غفلت کنندگان. برآستی می گویم که مثل دنیا مثل سرابی است که به صورت آب نماید و صاحبان عرش در طلبش جهد بلیغ نمایند و چون به او رسند بی بهره و بی نصیب مانند...»^{۴۵}

تعالیم دیانت بهائی به ما می آموزند که روح در سیر و سلوک روحانی بی یار و بی مدد کار نخواهد ماند. راهنمای روح در این سفر تعالیم دینی و دعا و مناجات و طلب فیض برای کسب کمالات معنوی است. پیدا است که اختیار گزینش راه با خود انسان است که مایل به سلوک در سیل کمال است یا آنکه ترجیح می دهد زندگی خود را حصر در مادیات نماید. روح انسان پس از مرگ به حیات خود ادامه می دهد. توشه روح در این سفر جاودانی کمالاتی است که در زمان حیات جسم کسب نموده است. هر چه این توشه غنی تر باشد، روح سبکیال تر و ادامه سفر راحت تر و شغف و سرور روحانی اش بیشتر خواهد بود.

ارزش های معنوی و عمل به آنها است. به اعتقاد بهائیان همین ارزش ها و عمل به آنها است که انسان بالقوه از آن برخوردار است و به زندگی او مفهوم و معنی می بخشد.

سیر و سلوک روح در یک سفر جاودانی

بیان گردید که به اعتقاد بهائیان، روح زنده، باقی و برقرار است و دائماً در سیر و سلوک، مکاشفه و کسب کمالات به سر می برد (نگاه کنید به بخش: «بقای روح و حیات بعد از مرگ»).

روح در این سلوک روحانی ابتدا با جسم ملازم است. در این مرحله عقل به تدریج رشد می کند و انسان را یاری می دهد تا به صفات اشیاء و روابطی که حاکم بر آنهاست پی برد و به درک حقایق معنوی نایل آید. روح قادر به شناسائی آفریدگار خویش است و می تواند استعدادها و مهارت های بالقوه خود را باز شناسد و صفات و ملکاتی را که خداوند در نهاد او به ودیعه گذارده است شکوفا کند. درک این حقیقت که خداوند او را به جهت محبتی که به او داشته خلق نموده و باید با همان وسیله پاسخگوی مهر و محبت پروردگار باشد، از دیگر قوای روح محسوب است. در کلمات مکنونه که از آثار عرفانی حضرت بهاء الله به شمار می رود، از جمله چنین آمده است:

«یا ابن الانسان! احببت خلقک فخلقک فاحببني کی اذکرک و فی روح الحیوة اثبتک»^{۴۴} بدین مضمون که ای پسر انسان، دوست داشتم تو را بیافرینم، پس تو را آفریدم، پس تو هم مرا

آیا انسان به دین نیازمند است؟



برخی دین را سرچشمهٔ محبت و روحانیت و برخی دیگر آن را عامل انواع تعصب، جنگ و خونریزی می‌دانند. بهائیان بر این باورند که ادیان الهی چنانچه به اصل تعالیم آنان رجوع شود همه از نیروی محرکه ای برخوردارند که قادر است تکامل افراد بشر و جوامع انسانی را موجب شود. هر گاه تعالیم ادیان سوء تعبیر شوند و به دست انسان تغییر ماهیت دهند یا از آن تعالیم سوء استفاده به عمل آید، بدیهی است که سبب درد و رنج بسیار برای ابناء بشر گردند. در کتب و آثار بهائی روی این نکته تأکید شده است که دین باید سبب الفت و محبت باشد، در غیر این صورت بی دینی بهتر است:

و راستی پردازیم. تعصب مذهبی نماند،
تعصب جنسی نماند، تعصب وطنی نماند،
با یکدیگر در نهایت الفت و محبت باشیم...
وحدت عالم انسانی ترویج نماییم، فضائل
عالم انسانی آشکار کنیم... جمیع در یک
نقطه جمع شویم و آن نقطه وحدت عالم
انسانی است...^{۴۶}

به اعتقاد بهائیان تعالیم یک دین باید با تحولات اجتماعی زمان همخوان باشد. حضرت بهاءالله، مؤسس آئین بهائی فرموده است که «رگ جهان در دست پزشک دانا است، درد را می بیند و به دانائی درمان می کند. هر روز را رازی است و هر سر را آوازی، درد امروز را درمانی و فردا

«جمیع انبیای الهی مظاهر حقیقتند...
جمیع نفوس مقدسه که به عالم آمده
اند چراغ های حقیقت بودند. حقیقت
وحدت عالم انسانی است، حقیقت محبت
بین بشر است، حقیقت اعلان عدالت
است، حقیقت هدایت الله است، حقیقت
فضائل عالم انسانی است. انبیای الهی
جمیعاً منادی حقیقت بودند و جمیع
متحد و متفق بودند... همین قسم که انبیاء
محب یکدیگرند ما نیز باید محبت یکدیگر
باشیم... اساس ادیان الهی محبت است
و الفت و یگانگی... وقت آن آمده که
جمیع با همدیگر صلح نماییم و به دوستی

که هست صعود نماید. حبّ علویت از خصائص انسان است...» ۴۷

به اعتقاد بهائیان تعالیم ادیان انسان را به شناخت و شکوفائی استعداد های روحانی خود رهنمون می شوند. هر انسانی مشتاق محبت و آرزومند خوشنودی و رضایت وجدان است. چنانچه انسان خوشبختی را تنها در تأمین و تکمیل امور ظاهری جستجو کند، مسلم است که به آن دست نخواهد یافت، چرا که خود را پایبند به اموری ناپایدار و فانی نموده و از کمالات درون و پایدار غافل مانده است. به موجب تعالیم دیانت بهائی در صورتی می توان از این وابستگی رهائی یافت که انسان رو به خالق خود آورده، در دعا و مناجات از او طلب تأیید نماید. اشتغال به امور روحانی و تجاری که از این طریق نصیب انسان می شود به او نیروئی سترگ می بخشد و او را یاری می دهد تا با آرامش خیال و توکل کامل به تلاش ادامه دهد و به مبارزه با مشکلات زندگی پردازد.

انسان در زندگی روزمره معمولاً مشتاق توفیق در امور مالی، ایجاد محیط گرم خانوادگی، کسب شهرت اجتماعی و از این گونه امور است. چنانچه تنها نیل به مقاصدی از این قبیل هسته مرکزی خواسته های انسان را تشکیل دهد، بدبختی است رضایت درون که هدف اصلی از زندگی است تأمین نخواهد شد. بی خبری ناشی از اشتغال به امور مادی خیلی زود به هشیاری می انجامد و انسان برای پیروزی بر تهی بودن دورن به جستجوی ابزاری تازه برای تأمین رضایت می پردازد. به

را درمان دیگر، امروز را نگران باشید و سخن از امروزرانید.»

آموزه های روحانی و اخلاقی همه ادیان الهی در راستای زمان یکسان بوده است. همه از محبت، مودت، انصاف، عدالت و ایمان سخن رانده اند. با این حال همه ادیان الهی مضمون فرآیند ظهور و سقوط نیز بوده اند. تاریخ شاهد جنبش های مذهبی بسیاری در جهت اصلاح و تجدیدنظر در مبادی و موازین یک دین بوده است، لکن همه این تلاش ها منجر به ایجاد شکاف، تعصب، اختلاف و کشمکش بین پیروان ادیان گردیده است. به اعتقاد بهائیان تنها پروردگار عالمیان مجاز و مختار به دخالت در فرآیند تاریخ وسیله پیامبران خود است. (نگاه کنید به بخش: «ادیان الهی»). این پیامبرانند که به حقایق جاودانی و گاه به فراموشی گراییده ادیان حیات جدید می بخشند و در عین حال با وضع تعالیم و احکام جدید که متناسب با روح زمان ظهورشان است، به اصلاح عالم می پردازند و تحول و پیشرفت جامعه انسانی را موجب می گردند.

دین طریقتی است روحانی

در کتاب مذاوصات عبدالبهاء از جمله چنین آمده است:

«...انسان همیشه توجّهش به علو است و همّتش بلند است. همیشه می خواهد که به عالمی اعظم از آن عالمی که هست برسد و به درجه مافوق درجه ای

و محدود به همان قوا است. از این رو است که برای یک انسان وضع قوانین بری از خطا و در عین حال معتبر برای همه انسان ها و همه زمان ها مقدور نخواهد بود. قوانینی که به دست انسان وضع می شوند سرچشمه گرفته از حس، خرد، تاریخ و تجربه و فرهنگ وضع کننده آن قوانین است. تعیین موازین، ارزش ها و حدود و مقرراتی که برای همه انسان ها به یکسان معتبر باشند تنها از یک مرجع متعالی ممکن است و آن نیز همانا خداوند و فرستادگانش خواهند بود (نگاه کنید به بخش: «خدا از دید بهائیان»).



اعتقاد بهائیان احساس تهی بودن درون هنگامی دست می دهد که در تأمین نیازمندیهای روح که همانا غذای روحانی است سهل انگاری شود. تغذیه روح با غذای روحانی میسر است و سرچشمه روحانیات نیز مبادی روحانی ادیان است.

حدود و احکام و مرجع وضع اوامر و نواهی

حضرت بهاء الله به ما می آموزند که تعالیم دینی صرفاً مجموعه ای از اوامر و نواهی نیست. آموزه های دینی سعادت و آزادی حقیقی انسان را موجب می شوند و نشانه ای از رحمت خداوند و عشق او به انسان به شمار می آیند. به فرموده حضرت بهاء الله:

«با ملأ الارض اعلموا انّ اوامری سرج عنایتی بین عبادی و مفاتیح رحمتی لبریتی...»^{۴۸} مضمون این بیان به فارسی چنین است که ای مردم روی زمین، بدانید که اوامر و احکام من چراغ های عنایت من هستند در بین بندگان من و مانند کلیدهای رحمت من هستند برای خلق من.

به موجب تعالیم دیانت بهائی، عمل به حدود و احکام الهی باید به خاطر عشق انجام پذیرد و نه به علت ترس از مجازات. حضرت بهاء الله در این باره چنین فرموده است: «...اعملوا حدودی حباً لجمالی...»^{۴۹} بدین مضمون که عمل کنید احکام مرا بخاطر عشق به جمال من.

موازین ادراک که با آنها انسان به درک و فهم حقایق اشیاء نایل می گردد تحت قوای طبیعی او

باب، بنیانگذار آئین بابی و مبشر به ظهور حضرت بهاءالله

از چند سالی به طول نینجامید. او و پیروانش مورد تعقیب، ظلم و ستم قرار گرفتند. سرانجام باب را اخذ و پس از تبعید و زندان در سال ۱۸۵۰م در تبریز تیرباران نمودند. پیروان باب نیز به سرنوشتی مشابه دچار شدند. هزاران نفر از ایشان را در مدتی کوتاه اخذ و تنها به علت گرویدن به آئین جدید به قتل رسانیدند. حیات، تعلیم و آثار باب و فجایی که نسبت به پیروان او اعمال می گردید توچه اروپائیان را نیز به خود جلب نمود.

باب اعلام نمود که مبشر به ظهور آئینی جدید است. آن ظهور عصر نوینی را در تاریخ بشر آغاز خواهد کرد، عصری که پیامبران پیشین به آن وعده داده اند و به نام عصر طلانی موصوف است و عنصر اصلی اش برقراری عدل و داد در جامعه انسانی خواهد بود. باب با اعلام عدم اعتبار رسوم و سنن کهنه راه را برای ظهور پیامبر جدید هموار نمود و در آثار خود از صاحب آن به نام «مَنْ يُظْهِرُهُ اللهُ»^{۵۰} (کسی که خداوند او را ظاهر خواهد کرد) یاد کرده بزودی ظاهر شده و مقامش «اقوی از جمیع اهل بیان بوده و خواهد بود»^{۵۱} و جامعه انسانی را به صلح و سلام رهنمون خواهد شد. حضرت بهاءالله در سال ۱۸۶۳م اعلام نمود که همان موعودی است که باب به آمدنش بشارت داده بود (نگاه کنید به بخش: «بهاءالله، بنیانگذار آئین بهائی»).

آئین بهائی در نیمه قرن نوزده میلادی در ایران در محیطی آکنده از فساد، تعصب، بی عدالتی و ظلم پا به عرصه وجود گذاشت. در سال ۱۸۴۴م جوانی از اهالی شیراز به نام میرزا علی محمد (۱۸۵۰ - ۱۸۱۹) مدعی تأسیس آئینی نوین گردید و نام «باب» بر خود نهاد. باب بسیاری از سنت های کهنه اسلامی را مردود اعلام نمود، زنان را از حقوق اجتماعی بیشتری برخوردار کرد، خواستار تعلیم و تربیت برای همگان شد و نقش طبقه روحانی را مورد سؤال قرار داد. او همچنین تعلیم داد که اساس همه ادیان الهی یکی است و تأکید بر استمرار و تکامل ظهورات نمود و بر بزرگی و شرافت مقام انسان گواهی داد. تعلیم پیشرفته و انقلابی باب نهضتی را به وجود آوردند که در مدتی کوتاه هزاران نفر به او گرویدند و لرزه بر اندام اجتماع آن روز ایران انداختند.

طبقه دولتمرد و روحانی هر دو به شدت به مبارزه با نهضت جدید برخاستند. دوران رسالت باب بیش



اطلاق محل اظهار امر حضرت باب در شیراز

بهاء‌الله، بنیانگذار آئین بهائی

«...جمالی را که مشاهده نمودم هرگز فراموش ننمایم، هر چند که از عهدهٔ توصیف برنیایم. آن چشمان نافذ گوئی تا اعماق روح و ضمیر را می خواند و قدرت و عظمت بر جبین مینش نمودار، از چین های عمیق پیشانی و سیما علائم سالخورده گی نمایان ولی گیسوان و محاسن مشکین که با کمال زیبایی تا نزدیک کمر افشان بود خلاف آن را نشان می داد. مپرس در حضور چه کسی ایستاده ام، چه سر تعظیم به آستان کسی فرود آورده ام که محل پرستش و محبتی است که پادشاهان حسرت می برند و سلاطین غبطه می خورند.»^{۵۲}

قبول نفرمود و به جاه و مقام و ثروت دنیا دل نبست. به عوض اوقات خود را صرف دلجوئی از دردمندان و دستگیری از ضعفا می نمود و به لقب «پدر بی نوایان» شهرت یافته بود. بهاء‌الله به طبیعت دلپستگی داشت و اغلب به سیر و گردش در باغ و صحرا می پرداخت و از زیبایی های طبیعت لذت می برد.

از همان دوران کودکی و نوجوانی فضایل اخلاقی، دانش و قوای عقلی اش مشهور خاص و عام بود. ایشان بسیار عزیز و مورد توجه بودند و معاصرین و کسانی که ناظر حرکات و سکانات حضرت بهاء‌الله بودند اذعان می نمودند که ایشان در مناظره و مباحثه با هر طبقه ای اعم از درباری یا روحانی با اعتقاد کامل به بیان مطلب می پرداختند

پروفیسور ادوارد براون انگلیسی از جمله برجسته ترین خاورشناسان قرن نوزدهم میلادی است که در سال ۱۸۹۰م در عکا به حضور حضرت بهاء‌الله مشرف گردید. وی احساسات خود را از دیدار با مؤسس آئین بهائی بیان داشته که بخشی از آن در بالا مرقوم گردید. شرح حیات بنیانگذار دیانت بهائی (۱۸۹۲-۱۸۱۷) در منابع متعدّد ضبط گردیده است.

میرزا حسینعلی که بعداً عنوان بهاء‌الله را اختیار نمود روز دوازده نوامبر ۱۸۱۷م در طهران متولد شد. ایشان پسر میرزا عباس مشهور به میرزا بزرگ وزیر نوری از اعیان و اشراف ایران بودند. در ایران عادت چنین بود که مقام وزارت را پس از فوت پدر به پسر واگذار می نمودند لکن آن حضرت

آمد و رو به درویش قزوینی که نسبت به حضرت مسیح چنین بی حرمتی کرده بود فرمود: «شما به شخص اعلیحضرت خیلی نزدیک هستید و معظّم له به شما ارادت فراوان می ورزد. با همه اینها اگر میرغضب دربار با ده نفر از مردانش به درب این خانه بیاید و بگوید که اعلیحضرت شما را احضار کرده اند آیا شما همین طور آرام خواهید ماند یا دچار تشویش می شوید؟»^۴ میرزا نظر علی قبل از آنکه جوابی بگوید لحظه ای مکث نمود و آنگاه گفت: «در واقع نگران خواهم شد.»^۵ حضرت بهاءالله فرمودند: «پس بنا بر این این درست نیست که اینگونه قاطعانه ادعا کنید.»^۵ این سخنان محکم

و با ادله کافی طرف صحبت را قانع می کردند و بسیار با شهامت بودند. از جمله در مجلسی که بهاءالله حضور داشت، میرزا نظر علی قزوینی مرشد معروف صوفیه که در نزد محمد شاه قرب و منزلت فراوان داشت راجع به مدارج عالیّه یک انسان داد سخن می داد و در مورد خودش می گفت، «اگر الان نوکر من به من بگوید که عیسی مسیح در جلوی درب خانه مرا می خواهد، انقطاع من به درجه ای است که عدم علاقه خود را به دیدار او ابراز خواهم داشت.»^۵ گروهی در آن مجلس خاموش ماندند و عده ای دیگر بر سبیل چاپلوسی ززمه های تحسین آمیز سر دادند. در این میان فقط حضرت بهاءالله بود که به سخن



مسیر سرگونی حضرت بهاءالله از طهران تا شهر عکا در فلسطین

زندان سیاه چال - طهران، تابستان ۱۸۵۲

حضرت بهاءالله در تابستان ۱۸۵۲م به مدت چهار ماه به زندانی که به «سیاه چال» معروف بود افکنده شد. این زندان که قبلاً از آن به عنوان آب انبار یک حمام استفاده می شد دخمه ای سرد، مرطوب، مطلقاً تاریک و بسیار متعفن بود که در زیر زمین قرار داشت و معمولاً جایگاه خطرناک ترین تبهکاران به شمار می رفت. در آنجا حدود یکصد و پنجاه تن از زندانیان از جمله حضرت بهاءالله را به زنجیر کشیده بودند. پای آن حضرت را در کُند قرار داده و بر گردنش مهیب ترین زنجیرها را آویخته بودند. اثر زنجیر تا آخر عمر بر گردن حضرتش نمایان بود. در اینجا بود که حضرت بهاءالله، چنانکه خود بعدها بیان نمودند، برای اول بار وحی الهی را دریافت نمود. ایشان سال ها بعد درباره لحظاتی که در شرایطی سخت پی به بعثت و مأموریت الهی خویش بردند چنین می فرمایند:

«...در شبی از شب ها در عالم رؤیا از جمیع جهات این کلمه علیا اصغاف شد: انا نصرک بک و بقلمک لا تحزن عما ورد علیک و لا تخف انک من الامنین. سوف یبعث الله کنوز



حضرت بهاءالله حاضرین را به تعجب و تحسین واداشت و از شهادت ایشان که این گونه با آن مرشد معروف صحبت داشتند و او را قانع نمودند حیران گردیدند.

آن حضرت به هیچ مدرسه ای داخل نشدند و در پای صحبت هیچ استاد یا فیلسوفی ننشستند. تنها طبق مرسوم زمان که فرزندان اعیان و اشراف در فنّ سواری و شمشیربازی آموزش می دیدند به ایشان نیز در این فنون و قرائت قرآن، فراگیری اشعار شعری بزرگ و هنر خطاطی تعلیماتی داده شد.

حضرت بهاءالله چند ماهی پس از اظهار امر باب در سال ۱۸۴۴م (نگاه کنید به بخش: «باب، بنیانگذار آئین بابی و مبشر به ظهور بهاءالله») حقایق آئین جدید را تصدیق نمود و به دیانت باب گروید و از جمله برجسته ترین پیروان و مدافعین آئین جدید گردید. ظهور باب و اعلان دیانت جدید خصوصت طبقه حاکم و روحانی آن زمان را برانگیخت تا آنجا که پیروان باب شدیداً تحت تعقیب قرار گرفتند. حضرت بهاءالله نیز به همین علت گرفتار گردید و علیرغم عزت و احترامی که در اجتماع آن روز از آن برخوردار بود به زندان افکنده شد. این دستگیری و زندان سرآغاز چهل سال تبعید، دربدری و قلعه بندی بود که از طهران (۱۸۵۲م) آغاز و به عکا در قلمرو آن زمان عثمانی (۱۸۹۲م) ختم گردید.

غارت شده بود، با آزادی آن حضرت موافقت شد و بدون هیچ دلیل و برهانی دستور تبعید ایشان و عائله از ایران صادر گردید. ایشان پس از آزادی از سیاه چال به علت ضعف شدید مزاجی آنقدر بیمار بودند که همه تصور می نمودند از آن همه درد و رنج جان سالم به در نخواهند برد. به هر حال به ایشان مهلت داده شد تا ظرف مدت یک ماه ایران را ترک گویند.

دوران بغداد (۱۸۵۳ - ۱۸۶۳)

حضرت بهاءالله و همراهان پس از سه ماه سفر در وسط زمستان و در راه های پر از برف و یخ کوهستان های مناطق غرب ایران بالاخره در آوریل ۱۸۵۳ به بغداد ورود نمودند. این سفر طولانی، سخت و شرایط جوی مافوق تحمل و غذا و پوشاک بسیار محدود بود.

الارض و هم رجال بنصرونک بک و باسمنک الّذی به احوال الله افئدة العارفين...»^{۵۷} بدین مضمون که ما تو را نصرت خواهیم نمود بوسیله خودت و به واسطه قلمت. محزون مباش از آنچه بر تو وارد آمده است و خائف مباش زیرا که تو در امن و امان خواهی بود. زود است که خداوند گنج های زمین را برخواهد انگيخت و رجالی را معوث خواهد نمود که تو را یاری خواهند کرد به اسم تو که خداوند بواسطه آن قلوب عارفین را زنده می نماید...

در آن اوقات زندانبان هر روز به زندان می آمد و نام یکی از اسیران بایی را صدا می زد و به میدان شهادت می برد. از آنجا که حضرت بهاءالله از عزّت و احترام زایدالوصفی در جامعه آن روز برخوردار بودند و نمایندگان دول خارجی نیز به علت ظلم و ستم و وحشیانه و قتل عام پیروان باب

توجه شان معطوف به نهضت جدید شده و به حمایت از آن حضرت برخاسته بودند، این بود که از محکوم نمودن و قتل ایشان صرفنظر گردید. بالاخره پس از چهار ماه سرشار از محن و بلا یا در زیر زنجیر و بعد از آنکه خانه شان ویران و



منظره ای از شهر بغداد در اواخر قرن نوزده میلادی

شهرت روزافزون حضرت بهاء‌الله بزودی دولتمردان و روحانیون متعصب ایران و عثمانی را به شدت نگران نمود تا آنجا که آن را تهدیدی برای قدرت و نفوذ خود دانستند و امیدوار بودند که با تبعید حضرتش به نقاطی دورتر از مرزهای ایران آئین جوان را به کلی نابود و از صفحه روزگار محو سازند.

بالاخره ساعت فراق فرارسید و بنا به دستور دولت عثمانی مقرر گردید که آن حضرت و همراهان از بغداد نیز تبعید گردند. حضرت بهاء‌الله کمی پیش از حرکت از بغداد در باغی در حومه آن شهر مأموریت الهی خویش را که ده سال پیش در زندان سیاه چال به آن حضرت وحی شده بود علناً به پیروان خویش اعلان نمود. به این ترتیب نقاب

آن حضرت یک سال پس از ورود به بغداد، همانند پیامبران پیشین که مدتی مهاجرت اختیار می نمودند، آن شهر را ترک کردند و به مدت دو سال در غارهایی که در ارتفاعات سلیمانیه در کردستان عراق قرار داشت گوشه عزلت اختیار فرمودند و به راز و نیاز مشغول و به بیان خود آن حضرت «به خود مشغول... و از ماسوی غافل» بودند.

پس از بازگشت به بغداد، گرچه به ظاهر در تبعید به سر می بردند، لکن درجه علم و عظمت مقام حضرتش آنچنان توجه همگان را به خود جلب نمود که بیت ایشان همواره محل رجوع طبقات مختلف اعم از غنی و فقیر، عالم و جاهل، مسلمان و مسیحی، زردشتی و کلیمی بود.

دعوی حضرت بهاء‌الله

حضرت بهاء‌الله در آوریل ۱۸۶۳م اعلان نمود که مظهر ظهور نوینی است و ظهورات الهی پیوسته استمرار و تکامل خواهند یافت و ختمیتی برای آنها تصور نتوان نمود. آن حضرت موعود کتب و حامل پیام الهی برای این زمان است که با ظهورش نه تنها بشارات حضرت باب، بلکه وعود انبیاء و رسل قبل کلاً تحقق یافته است. حضرت بهاء‌الله به اعتقاد بهائیان نزد ملت روح رجعت مسیح در «جلال اب سماوی»، در اصطلاح قرآن کریم «نبأ عظیم»، در نظر شیعه اسلام «رجعت حسینی»، نزد اهل سنت و جماعت نزول «روح الله» و نزد بودائیان «بودای پنجم»^{۵۸} محسوب می شود. خداوند تبارک و تعالی در آینده نیز در فواصلی معین پیامبرانی را با تعالیمی متناسب با زمان ظهور برای هدایت خلق اعزام خواهد داشت (نگاه کنید به بخش: «ادایان الهی»).

وحدانیت و فردانیت ذات باری می پردازند و اینکه معرفت به ذات او بر مخلوق امکان پذیر نبوده و انبیای الهی تعالیم خود را از آن یکتا منبع فیض دریافت می نمایند. حضرتش در این کتاب به تأویل و عود و بشارت انجیل و قرآن می پردازند و معانی آن و عود را یک یک شرح می دهند. به علاوه اطاعت چشم بسته را تقبیح و شرایط جستجوی شخصی و مستقل حقیقت را بیان می دارند.

• «کلمات مکنونه» مجموعه ای است از نصایح عرفانی و اخلاقی حضرت بهاءالله به دو زبان فارسی و عربی. این مجموعه کلاً شامل یکصد و پنجاه و چند فقره نصایح است که به بیان خود آن حضرت بر انبیای قبل نیز وحی شده است: «هذا ما نزل من جبروت العزة بلسان القدرة والقوة علی

النبيين من قبل و انا اخذنا جواهره و اقمصناه قميص الاختصار فضلاً علی الاحباء...» بدین مضمون که این [کلماتی] است آنچه که نازل شده از جبروت عزت به لسان قدرت و قوت بر پیامبران پیش از این، و ما بر گرفتیم از آنها چکیده و جوهر آنها را و بر آنها جامه اختصار پوشانیدیم و این فضل و موهبتی است از برای دوستان [حق]...

• «هفت وادی» بزرگترین اثر عرفانی بهاءالله محسوب است. آن حضرت در این اثر به بیان هفت وادی یا منزل می پردازند که سالک در سیر و سلوک روحانی باید بییامد تا به مقصود خود یعنی معرفت حضرت باری که همانا معرفت فرستادگان اوست دست یابد.

از چهره برداشته شد و وعود کتب مقدسه تحقق یافت و «من یتظهره الله» که باب به ظهورش وعده داده بود ظاهر گردید. حضرت بهاءالله در پیامی به ناصرالدین شاه قاجار که نزد بهائیان به «لوح سلطان ایران» موصوف است مأموریت الهی و نحوه دریافت وحی حضرتش را چنین توصیف فرموده اند:

«...أنتی كنت كاحد من العباد و راقداً علی المهاد مرت علی نسائم السبحان و علمنی علم ما كان لیس هذا من عندی بل من لدن عزیز علیم و امرنی بالنداء بین الارض و السماء...»^{۵۹}

مضمون این بیان به فارسی چنین است که من مانند یکی از بندگان بودم و در بستر خود استراحت می نمودم که نسیم های خوش پروردگار بر من وزید و همه دانش ها را به من آموخت. آنچه که می گویم از من نیست بلکه از سوی خداوند عزیز و دانا است و او مرا فرمان داد که آوایم را در زمین و آسمان بلند نمایم...

در طول سال های اقامت در بغداد آثار متعددی از قلم حضرت بهاءالله نازل گردید که سه اثر به شرح زیر از مهم ترین آنها است:

• «کتاب ایقان» از جمله مهم ترین آثار حضرت بهاءالله محسوب است که در زمان اقامت در بغداد نازل شده است. آن حضرت در این کتاب به اثبات

اسلامبول و ادرنه (۱۸۶۳ - ۱۸۶۸)

حضرت بهاء الله از بغداد ابتدا به اسلامبول و سپس به ادرنه تبعید گردیدند. آن حضرت از ادرنه و سپس از عکا پیام هائی چند به سلاطین و رؤسای با نفوذ زمان خود ارسال داشتند. حضرتش در این پیامها که نزد بهائیان به «الواح ملوک» معروف است ایشان را مخاطب ساخته، دعوی خود را در کمال صراحت ابلاغ و آنان را از ظلم بر رعایا تحذیر فرمود و وضع نامساعد جهان و رعایای شان را به ایشان متذکر گردید. گیرنده این خطابات عبارت

فقراتی چند از کلمات مکنونه:

«ای رفیق عرشی! بد مشنو و بد مبین و خود را ذلیل مکن و عویل برمیار، یعنی بد مگو تا نشنوی و عیب مردم را بزرگ مدان تا عیب تو بزرگ ننماید و ذلت نفسی مپسند تا ذلت تو چهره نگشاید. پس با دل پاک و قلب طاهر و صدر مقدس و خاطر منزّه در ایام عمر خود که اقل از آنی محسوب است فارغ باش تا به فراغت از این جسد فانی به فردوس معانی راجع شوی و در ملکوت باقی مرقّیابی.»^{۶۰}

«ای مهاجران! لسان مخصوص ذکر من است، به غیبت میباید و اگر نفس ناری غلبه نماید به ذکر عیوب خود مشغول شوید نه به غیبت خلق من زیرا که هر کدام از شما به نفس خود ابصر و اعر فید از نفوس عباد من.»^{۶۱}

«ای فرزند کنیز من! لازال هدایت به اقوال بوده و این زمان به افعال گشته، یعنی باید جمیع افعال قدسی از هیکل انسانی ظاهر شود چه که در اقوال کلّ شریکند و لکن افعال پاک و مقدس مخصوص دوستان ما است. پس به جان سعی نمائید تا به افعال از جمیع ناس ممتاز شوید. کذلک نصحناکم فی لوح قدس منیر.»^{۶۲}

بلکه بیماری او روز به روز شدت یافته زیرا تحت درمان پزشکان غیر ماهر قرار گرفته، پزشکیانی که از خواهش های نفسانی خود پیروی نموده و ایشانند از نادانان و سرگشتگان.

حضرت بهاءالله به صاحبان قدرت هشدار داد که خداوند تبارک و تعالی قدرت را به ایشان عطا فرموده است تا وسیله ای برای خدمت به رعایا و رعایت حال مستمندان و استقرار صلح و آرامش و برقراری عدالت اجتماعی در جامعه انسانی باشد. آن حضرت در جای دیگری از لوح خطاب به ملکه ویکتوریا چنین مرقوم داشت:

«...إن سعی أحد من هؤلاء في صحته لم يكن مقصوده إلا بأن يتنفع به إسماً كان أو رسماً. لذا لا يقدر على برئه إلا على قدر مقدور...»^{۶۴} یعنی هرگاه یکی از ایشان سعی نمود تا به درمان بیماری پردازد، مقصود او چیزی نبود جز اینکه از این اقدام نفعی برای خود او، اسماً یا رسماً، حاصل شود. این است که نتوانست آن را صحت بخشد مگر به اندازه ای که مقدور او بوده است.

بودند از: ناپلئون سوم امپراتور فرانسه، ویکتوریا ملکه بریتانیا، تزار الکساندر دوم، امپراتور روسیه، ویلهلم اول امپراتور آلمان، فرانسوا ژوزف، امپراتور اتریش، سلطان عبدالعزیز پادشاه عثمانی، ناصرالدین شاه قاجار سلطان ایران، پاپ پی نهم رئیس کلیسای کاتولیک و ملوک آمریکا و رؤسای جمهور در آن ممالک. در خطاب به ملکه ویکتوریا از جمله چنین آمده است:

«...فانظروا العالم كه يهيكل إنسان إنّه خلق صحيحاً كاملاً فاعترته الأمراض بالأسباب المختلفة المتغيرة و ما طابت نفسه في يوم بل اشتد مرضه بما وقع تحت تصرف أطباء غير حاذقه الذين ركبوا مطيبة الهوى و كانوا من الهائمين...»^{۶۵}

مضمون این بیان به فارسی چنین است که عالم را به مثابه هیكل انسان ملاحظه نمایند. اگر چه در اول سالم و کامل خلق شده و لکن به اسباب و آلات مختلفه متغایره به امراض شدید مبتلا گشته و روزی نبوده که احساس خوشی و راحتی نماید،



ویلهلم اول
امپراتور آلمان



پاپ پی نهم



تزار الکساندر دوم،
امپراتور روسیه



عبدالعزیز،
سلطان عثمانی

**الأعلى قدر تحفظون به ممالككم و
بلدانكم.... إن قام أحد منكم على الآخر
قوموا عليه إن هذا إلا عدل مبين...»^{۶۵}**

مضمون این بیان به فارسی چنین است که ای گروه
امرا و پادشاهان... میان خودتان صلح برقرار کنید،
در آن صورت محتاج به سپاه فراوان و کثرت
مهمات نیستید مگر به اندازه‌ای که با آن ممالک و
شهرهای خود را حفظ کنید... هرگاه احدی از شما
بر دیگری برخیزد، جمعاً علیه او برخیزید و بدانید
که این اقدام شما عدالت صرف است...

حضرت بهاءالله علاوه بر تعقیب و تبعید وسیله
حکومت و روحانیون و تحمّل ضربات و صدماتی
که متتابعاً بر حضرتش وارد می آمد از داخل نیز
با طغیان و عهد شکنی برادر ناتنی خود میرزا
یحیی ملقب به ازل که در سال ۱۸۴۹ علی الظاهر
از طرف حضرت باب به عنوان مرجع موقت
اهل بیان معین و موصوف گشته^{۶۶} و حضرت
باب وی را انداز نموده بود که مبادا از ایمان به

بنیانگذار آئین بهائی در پیام های خود به صاحبان
قدرت دورنمای یک جامعه جهانی را که اساس
آن بر وحدت در کثرت نهاده شده است ترسیم
فرمود. نگرش به جهان به عنوان منظومه ای واحد
و ایجاد یک جامعه واحد و متحد جهانی و استقرار
وحدت عالم انسانی در زمانی به عالم بشریت ابلاغ
گردید که هنوز وجدان جهانگرایی و جهان وطنی
بیدار نشده بود و ملت پرستی، برتری گرایی و
استعمار از بدیهیات و وسیله ای برای تأمین منافع
ملی و جزء اصول اعتقادی شهروندان آن ممالک
به شمار می رفت. حضرت بهاءالله در آن زمان
از کنج زندان صاحبان قدرت راندا نمود و از ایشان
خواست تا ترتیباتی فراهم آورند که منجر به صلح
جهانی گردد. ولی به ندای آن حضرت ترتیب اثر
داده نشد. حضرتش در مورد عناصر یک امیت
جمعی که ضامن برقراری صلح در جامعه بشری
باشد از جمله چنین نگاشت:

**«یا معشر الامراء... أن اصلحوا ذات بینکم
أدلاً تحتاجون بکثرة العساكر و مهماتهم**



ناپولئون سوم،
امپراطور فرانسه



ویکتوریا، ملکه انگلستان



فرانسوا ژوزف،
امپراطور اتریش



ناصرالدین
شاه قاجار

«من يُظْهِرُ هَالِكًا»، موعود بیان غافل شود، مواجهه کردید. هر چه دعوی حضرت بهاء الله مبنی بر اینکه او همان «من يُظْهِرُ هَالِكًا» موعود حضرت باب است علنی تر می شد و بر تعداد پیروانش افزوده می گشت، به همان اندازه نیز حسادت و معاندت میرزا یحیی فزونی می یافت. بالاخره عصیان و طغیان و عناد او با بهاء الله در شهر اردن به اوج خود رسید. جاه طلبی میرزا یحیی وی را بر آن داشت تا خیال

برخی از انذارات حضرت بهاء الله به صاحبان قدرت آن زمان

به ملکه و یکتور یا:

«يَا أَيَّتُهَا الْمَلِكَةُ فِي النَّدْرَةِ أَنْ اسْتَمِعِي نِدَاءَ رَبِّكَ مَالِكِ الْبَرِيَّةِ... أَنَّهُ قَدْ آتَى فِي الْعَالَمِ بِمَجْدِهِ الْأَعْظَمِ وَ كَمَّلَ مَا ذُكِرَ فِي الْإِنْجِيلِ... قَدْ بَلَّغْنَا أَنْتَكَ مَنَعَتِ بَيْعِ الْغُلَمَانِ وَالْإِمَاءِ هَذَا مَا حَكَمَ بِهِ اللَّهُ فِي هَذَا الظُّهُورِ الْبَدِيعِ، قَدْ كَتَبَ اللَّهُ لَكَ جَزَاءَ ذَلِكَ أَنَّهُ مُوفِي أَجُورِ الْمُحْسِنِينَ...»^{۶۸}

بدین مضمون که ای ملکه در لندن، گوش کن به ندای پروردگار تو که مالک آفریدگان است... به درستی که او [مظهر ظهور] در عالم ظاهر شده با عظیم ترین عزت و جلال و تکمیل نمود [وعود] مذکور در انجیل را... ما شنیدیم که تو خرید و فروش غلامان اعم از زن و مرد را ممنوع نموده ای. این همان امری است که خداوند در این ظهور بدیع به آن حکم کرده است. به درستی که خداوند [به خاطر این اقدام] پاداش تو را خواهد داد. خداوند اجر نیکو کاران و کسانی را که عمل نیک انجام می دهند خواهد داد.

به ویلهلم اول، امپراطور آلمان:

«... يَا سَاطِئِ نَهْرِ الْبَرِّينِ قَدْرًا يُنَاكَ مَغْطَاةً بِالذَّمَاءِ بِمَا سَلَّ عَلَيْكَ سَيْوْفُ الْجَزْءِ آءٍ وَلَكِ مَرَّةٌ أُخْرَى وَ نَسْمَعُ حَنِينَ الْبَرِّينِ وَ لَوْ أَنَّهَا الْيَوْمَ عَلَى عَرْزِ مَبِينٍ...»^{۶۹}

احراز مقام و موقعیت بهاءالله را در سر بیرواند و و برخی از اصحابش را طرح نمود. این بود که از شهرت و اعتبار آن حضرت برخوردار گردد. لذا در مخیله خود خیالات شیطانی پیروانید تا آنجا که نقشه قتل بهاءالله و اعضای خانواده او و ایشان را مسموم نمود^{۶۷} به نحوی که به علت

مضمون این بیان به فارسی چنین است که ای سواحل رودخانه رین، ما دیدیم ترا که پوشیده شده بودی با خون زیرا به روی تو کشیده شد شمشیرهای جزا و مرتبه ای دیگر هم واقع خواهد شد و مانا لة برلین را می شنویم ولو این که امروز در عزت به سر برد.

به پاپ پی نهم رئیس کلیسای کاتولیک:

«ان یا پاپا ان اخرق الاحجاب قد اتی ربّ الارباب فی ظلل السحاب... ان اذکر اذ اتی الروح افتی علیه من کان اعلم علماء عصره فی مصره و آمن به من یصطاد الحوت فأعتبروا یا اولی الالباب...»^{۷۰}

و بالاخره این بیان که ای پاپ، پرده ها را پاره کن، به درستی که آمد خدای خدایان [پروردگار عالمیان] در سایه ابرها... به یاد آور وقتی که روح [حضرت مسیح] ظاهر شد، چگونه دانشمندترین علماء آن عصر در شهر خود او بر علیه او فتوی داد و تنها یک نفر که صید ماهی می کرد به او ایمان آورد. عبرت بگیرید ای مردمان صاحب عقل و خرد...

حضرت بهاءالله به ملوک و سلاطین ارض و دانایان امم در مجموع در لزوم یگانگی و در سبب و علت اولیة سکون و راحت امم و عمار عالم چنین می فرمایند:

آن سمّ کسالت شدید عارض بهاء الله گردید و آن حضرت را تا آخر عمر به ارتعاش دست مبتلا نمود. اثر سمّ و ارتعاش دست از آن پس از دست نوشته های حضرت بهاء الله بخوبی آشکار است.

چندی بعد دولت عثمانی میرزا یحیی را به جزیره قبرس تبعید نمود. با این تبعید دعوی مرجعیت و خیال ریاست موهوم او نیز به تدریج زائل گردید.

«ای دانایان امم از بیگانگی چشم بردارید و به یگانگی ناظر باشید و به اسبابی که سبب راحت و آسایش عموم اهل عالم است تمسک جوئید. این یک شبر عالم یک وطن و یک مقام است. از افتخار که سبب اختلاف است بگذرید و به آنچه علت اتفاق است توجه نمائید. نزد اهل بهاء افتخار به علم و عمل و اخلاق و دانش است نه به وطن و مقام. ای اهل زمین قدر این کلمه آسمانی را بدانید، چه که به منزله کشتی است از برای دریای دانش و به منزله آفتاب است از برای جهان بینائی.»^{۷۱}

«لابد بر این است مجمع بزرگی در ارض برپا شود و ملوک و سلاطین در آن مجمع مفروضه در صلح اکبر نمایند و آن این است که دول عظیمه برای آسایش عالم به صلح محکم متشبث شوند. و اگر ملکی بر ملکی برخیزد جمیع متفقاً بر منع قیام نمایند. در این صورت عالم محتاج مهمات حربیه و صفوف عسکریه نبوده و نیست الا علی قدر یحفظون به ممالکهم و بلدانهم. این است سبب آسایش دولت و رعیت و مملکت. انشاءالله ملوک و سلاطین که مرایای اسم عزیز الهی اند به این مقام فائز شوند و عالم را از سطوت ظلم محفوظ دارند.»^{۷۲}

عکا (۱۸۶۸ - ۱۸۹۲)



نمای خارجی زندان حضرت بهاء الله در قلعه نظامی عکا

حضرت بهاء الله سرانجام در سال ۱۸۶۸ به عکا که در آن زمان در قلمرو عثمانی قرار داشت تبعید گردید و به قلعه نظامی آن شهر که به قشله عسکریه معروف بود و بزرگترین زندان حکومت عثمانی به شمار می رفت و محبس و منفای قاتلین و سارقین و مقصّرین سیاسی بود منتقل شد. شهر عکا در آن وقت بسیار مرطوب و دارای کوچه های تنگ و تاریک و در کثافت محیط به قدری معروف بود که «در افواه ناس شیوع داشت که اگر پرورنده ای از آسمان عکا عبور کند بلادرنگ هلاک و بر زمین ساقط خواهد شد.»^{۷۳}

پس از چندی به تدریج شرایط سخت زندان تخفیف یافت و برای مسؤولین امور یقین حاصل شد که اتهامات وارده به حضرت بهاء الله و همراهان بی اساس است. این است که به مرور توجه اهالی به گروه کوچک تبعیدشدگان معطوف گردید و بر میزان محبت و احترامشان نسبت به ایشان افزوده شد.

از جمله کسانی که خلوص و ارادتی نسبت به حضرت بهاء الله و فرزند ارشد ایشان، حضرت عبدالبهاء، پیدا نمود و نهایت احترام را مرعی می داشت همانا متصرف جدید عکا به نام احمد بیگ توفیق بود. وی برخی از آثار آئین جدید را مطالعه نمود و در موارد اداره امور حکومتی با حضرت عبدالبهاء به مشاوره می پرداخت و از رأی آن حضرت بهره می گرفت. یک روز از حضرت بهاء الله استدعا نمود تا خدمتی به او ارجاع گردد. حضرتش ضمن امتناع از رجوع خدمت به او فرمود که چنانچه مایل باشد می تواند مجرای آبی

در اینجا مرحله جدیدی از زندگی سراسر پر از مصائب و بلاهای حضرت بهاء الله آغاز گردید. آن حضرت به هنگام ورود به عکا از جانب مردم کنجکاو و بی عاطفه آن سرزمین که برای مشاهده «خدای اعجاز» آمده بودند طعن و شتم قرار گرفتند و ایشان را دشمن نظم و کسی که مسبب اشاعه کفر و اعمال ناشایست است و دیگران را از طریق مستقیم منحرف می نماید متهم نمودند. پس از ورود به عکا آن حضرت را با حدود هشتاد نفر از همراهان شامل اهل بیت و دیگر پیروان اعم از زن و مرد، کوچک و بزرگ به قلعه نظامی راهنمایی و در غرفه های مخروبه آن محل زندانی نمودند. در همان اوایل ورود به قلعه اکثر آن مظلومین مریض و ملازم بستر گردیدند و حتی سه نفر از آنان در بدو ورود به درود حیات گفتند.

کرد و مانند دوران‌دیشان و با تدبیران با پشتیبانی خداوند جاوید و آفریننده جهانیان بر دبار خواهیم بود و خداوند را در همه حال سپاسگزارم. سرانجام در سال ۱۸۷۷ در شرایط زندان تخفیف کلی حاصل شد و آزادی و خروج از شهر بنا به میل و اراده خود حضرت بهاء‌الله واگذار گردید. این است که آن حضرت پس از یک توقّف دو ساله در منطقه ای به نام مزرعه در نزدیکی شهر عکا به منزلی بیلاقی در خارج از آن شهر موصوف به بهجی نقل مکان نمود. حضرتش در همین منزل در سال ۱۸۹۲ به عوالم الهی صعود فرمود.

علیرغم شرایط سخت زندان در قلعه نظامی و پس از آن در شهر عکا، این دوران از حیات حضرت بهاء‌الله سرشار از برکات بود. آثار متعددی از قلم آن حضرت نازل گردید که از جمله مهمترین آنها می توان از پیام های حضرتش به رؤسا و زمامداران ممالک عمده آن زمان و آثاری که متضمّن حدود و احکام و مبادی روحانی و اداری امر جدید بود و به تشریح و تبیین اصول و تعالیم آئین بهائی اختصاص یافته، نام برد. و اما مهمترین



منظره داخل سلول زندان

را که سالها متروک مانده مرمت و احیاء نماید تا اهالی بتوانند از آب پاک استفاده نمایند. این است که احمد بیگ توفیق بر آن شد تا هرچه زودتر به این میل بهاء‌الله جامه عمل بپوشاند. در اثر این اقدام بهداشت اهالی تا میزان قابل ملاحظه ای تأمین گردید و هوای عکا نیز لطافت و طراوت یافت. طی این دوران محبت حضرت بهاء‌الله در قلوب اهالی نفوذ نمود و بر میزان احترام و تکریمی که ایشان و حکومت به آن حضرت مرعی می داشتند افزوده گشت. مأمورین حکومت، اعیان و اشراف، شیوخ و اهل فضل و ادب تمایلشان را به جهت استفاضه از محضر حضرت بهاء‌الله اظهار می داشتند و هدایت و رأی صائب آن حضرت را در امور خود طالب بودند. حتی دشمنان قدیم به تدریج شیفته و مجذوب گردیدند و دشمنی شان به محبت و ارادت مبدل گردید. حضرت بهاء‌الله در «لوح سلطان ایران» خطاب به ناصرالدین شاه قاجار از جمله چنین می فرمایند:

«تالله لو یهکنی اللغب و یهلکنی السغب و یجعل فراشی من الصخرة الصماء و مؤانسی و حوش العراء لا اجزع و اصبر کما صبر اولوا الحزم و اصحاب العزم بحول الله مالک القدم و خالق الامم، واشکرالله علی کل الاحوال.»^{۷۴}

مضمون این بیان به فارسی چنین است که سوگند به خدا که اگر خستگی مرا از پا در آورد و گرسنگی مرا تباه سازد و بستم از سنگ سخت و همدمم درندگان بیابان باشند هرگز ناله نخواهم



مقام حضرت بهاءالله در نزدیکی شهر عکا در کشور اسرائیل که نزد بهائیان به روضه مبارکه موصوف است

آثار فارسی و عربی حضرت بهاءالله

آثار متعددی به دو زبان فارسی و عربی از قلم حضرت بهاءالله نازل شده است. سبک این آثار بسیار شیوا و جلیل است و از فصاحت و بلاغت و قدرت بیان و نفوذ کلام فوق العاده برخوردار است. آن حضرت در این آثار به اظهار نظر پیرامون تقریباً همه مسائلی که به زندگی انسان مربوط می شود می پردازند و موضوعاتی از قبیل الهیات، مسائل شخصی و اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را مورد بحث و بررسی قرار می دهند. آثار قلمی حضرت بهاءالله به حدود یکصد جلد بالغ می شود که اصل تقریباً همه آنها موجود است و در محفظه‌ای مخصوص نگهداری می شود.

برخی از کسانی که به هنگام نزول وحی و کتابت آیات حضور داشته اند، چگونگی نزول وحی و ثبت آیات را برای آیندگان مرقوم داشته اند. سید اسدالله [قمی] یکی از آن کسان است. وی مشاهدات خود را در مورد سرعت نزول وحی و کتابت آیات توسط [میرزا آقاخان] کاتب وحی

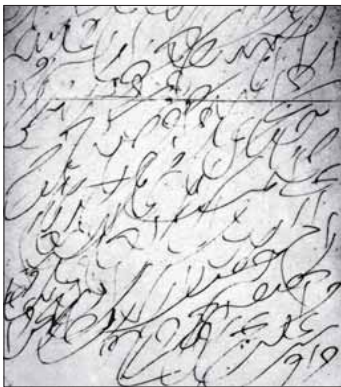
اثر این دوران همانا «**کتاب اقدس**» است که حاوی حدود و احکام آئین جدید برای پیروان آن حضرت و جامعه بهائی در مجموع است. حضرت بهاءالله در این کتاب تشکیلات نظم اداری بهائی را که باید در آینده اداره جامعه جهانی بهائی را عهده دار شوند ترسیم نمود و پیش بینی های لازم را به جهت تعیین جانشین به عمل آورد^{۷۵} (نگاه کنید به بخش: «عبدالبهاء، فرزند حضرت بهاءالله»). آن حضرت در این کتاب همچنین اساس مدنیّت نوینی را که حضرتش مأمور به بنیان گذاری آن گشته پایه گذاری فرمود.

تعالیم دیانت بهائی حاوی همه شئون حیات فردی و اجتماعی جامعه بشری است. لکن محور تعالیم حضرت بهاءالله را اصل بنیادین «**وحدت عالم انسانی**» و طرق نیل به آن تشکیل می دهد. حیات سرتاسر پراز مصائب و آلام مؤسس این آئین مشابه دوران زندگی دیگر پیامبران الهی است. حضرت بهاءالله خود علت تحمّل این مصائب را با این کلمات توجیه و توصیف فرموده است:

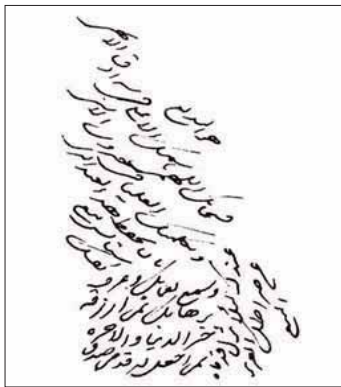
«...مقصود این مظلوم از حمل شدائد و بلاها و انزال آیات و اظهار بیّنات اخمدار نار ضغینه و بغضاء بوده که شاید آفاق افندۀ اهل عالم به نور اتفاق منور گردد و به آسایش حقیقی فائز...»^{۷۶}

فی المثل «**کتاب ایقان**» که از جمله آثار مهم حضرت بهاءالله محسوب است و حجم آن به حدود دویست صفحه بالغ می شود در مدت دو شبانه روز نازل گردیده است. آثار نازله یا به خط خود حضرت بهاءالله مرقوم گردیده و یا آنکه به کتاب وحی دیکته شده است. به هر حال همه آن آثار پس از کتابت به تأیید آن حضرت رسیده و به مهر مخصوص مهور گردیده است. امروزه همه آثار قلمی حضرت بهاءالله در محفظه آثار در مرکز اداری جامعه جهانی بهائی در شهر حیفا در کشور اسرائیل نگهداری می شود. برخی از این آثار تا به حال به بیش از هشتصد زبان دنیا ترجمه شده است.

با این کلمات توصیف نموده است: «**وقتی که** [میرزا آقا جان] شروع می نمود به نوشتن تنزیل آیات، به درجه ای ایشان سریع القلم بودند که صفحه که تمام می شد هنوز هوالله اول صفحه خشک نشده بود. مثل این بود که یک مشت مو را در میان مرکب بزنی و در روی کاغذ بکشی، هیچ [یک از] حروفش [را] احدی نمی توانست بخواند مگر خودش، خودش هم گاهی نمی توانست بخواند، می آورد حضور مبارک لوح را تکرار می نمود و حسب الامر، میرزا آقا جان به خط خودش نوشته به اطراف ارسال می گشت.»^{۷۷}



نمونه خط کتابت وحی به هنگام نزول آیات



یکی از الواح حضرت بهاءالله به خط آن حضرت

عبدالبهاء، فرزند حضرت بهاء‌الله



حضرت بهاء‌الله به موجب وصیتنامه کتبی که به «کتاب عهدی» ملقب و موصوف است حضرت عبدالبهاء فرزند ارشد خود را به عنوان وصی خویش که باید اداره امور جامعه جهانی بهائی را عهده دار شود تعیین فرمود. به موجب همین وصیتنامه اختیار تبیین آیات یعنی توضیح و تشریح معانی آثار نزولی صریحاً به آن حضرت تفویض گردید. تعیین وصی و تفویض اختیار سبب شد که از همان ابتدا از دو دستگی و فرقه بندی در آئین جدید جلوگیری به عمل آید و یکپارچگی و وحدت جامعه جدیدالتأسیس بهائی از هر حیث تضمین گردد. تعیین مرکز عهده به موجب وصیتنامه کتبی و گرفتن چنین عهد محکم و متینی از پیروان یک آئین به نحوی که در دیانت بهائی پیش بینی و اعمال گردیده در هیچ عهد و عصری سابقه نداشته و در تاریخ ادیان الهی بی نظیر و منحصر به فرد است.

وقتی که حضرت بهاء‌الله و اهل بیت و برخی از اصحاب در زمستان سال ۱۸۵۲م از ایران به عراق تبعید گردیدند، حضرت عبدالبهاء طفلی هشت ساله بود. وی از همان دوران کودکی و نوجوانی و در طول تمام دوران تبعید در شداید و بلایا که ملازم نفی بلد و طرد پدر و اهل بیت از وطن مألوف بود همواره سهم و شریک و یار و مددکار پدر بزرگوار خویش بود. بسیار کسان مایل به ملاقات با حضرت بهاء‌الله بودند و نظر آن حضرت

را در زمینه های مختلف خواستار می شدند. آن حضرت در موارد عدیده فرزند خود عبدالبهاء را به عنوان وکیل و نماینده خویش تعیین می فرمود. این بود که حضرتش به نمایندگی از جانب پدر طالبین ملاقات را به حضور می پذیرفت و در نهایت محبت با ایشان رفتار می نمود و به پرسش های آنان پاسخ می داد. بنا به گزارشاتی که برخی از همراهان به جا گذارده اند کسانی که به ملاقات و مصاحبت حضرت عبدالبهاء نایل می شدند تحت تأثیر و نفوذ شخصیت ممتاز آن حضرت قرار می گرفتند. اهالی عکانهایت احترام را برای حضرت عبدالبهاء قابل بودند و در حیرت که چگونه حضرتش بی درنگ به کمک بی نوایان

آمریکا، کانادا، آلمان، مجارستان و اطریش بازدید به عمل آورد. حضرت عبدالبهاء در سال ۱۹۲۱م در سن هفتاد و هفت سالگی به عوالم الهی صعود نمود.

حضرت عبدالبهاء مَثَلِ اعلاى دىانت بهائى به شمار مى روند. ایشان از نقطه نظر خضوع، خشوع، انقطاع، عشق و خدمت به هم‌نوع سر‌مشق بهائیان جهانند. حیات و خدمات حضرت عبدالبهاء الهام بخش بسیاری از مردم است.



حضرت عبدالبهاء با اطفال بهائی در سال ۱۹۱۲م در آمریکا

و ملاقات بیماران می‌شتافت و پدری مهربان برای فقرا و بی‌کسان آن شهر بود. حضرت عبدالبهاء نزد خاصّ و عام به «آقا» مشهور و معروف بودند و این لقبی بود که پدر بزرگوار منحصرأ به ایشان اهدا نموده بود و خود نیز فرزند برومند خویش را به همین لقب خطاب می‌فرمود.

وقتی که حضرت بهاء‌الله در سال ۱۸۹۲م به عوالم الهی صعود فرمود، حضرت عبدالبهاء هنوز رسماً زندانی حکومت عثمانی بود. لکن محدودیت‌های ناشی از زندگی در میان برج و باروی شهر عکاً مانع از آن نبود که آن حضرت از طریق مکتب‌ها با جوامع رو به گسترش بهائی در شرق و غرب به رهبری آن جوامع پردازد. آن حضرت در این سنوات از طریق مکاتبات عدیده به هدایت بهائیان و تعلیم و تربیت و تشویق و ترغیب ایشان به پیروی از احکام و تعالیم پدر بزرگوار می‌پرداخت و جامعه بهائی را رهبری می‌نمود. بالاخره با فراهم شدن تسهیلات در شرایط زندان تدریجاً زائرین و مهمانانی چند موفق به مسافرت به سرزمین مقدّس گردیدند که از فیض حضور و تعلیمات آن حضرت بهره‌مند می‌شدند.

بالاخره در اثر انقلاب جوانان ترک در سال ۱۹۰۸م و ابلاغ عفو عمومی، حضرت عبدالبهاء نیز از زندان آزاد گردید. این بود که در بین سال‌های ۱۹۱۱ تا ۱۹۱۳ اقدام به دو سفر به سرزمین‌های غرب نمود. آن حضرت در این سفرها از کشورهای بریتانیای کبیر، فرانسه، ممالک متّحده

رهبری جامعه جهانی بهائی پس از صعود حضرت عبدالبهاء



حضرت شوقی افندی
ولی امر آئین بهائی

حضرت عبدالبهاء در وصیت نامه خویش برای احراز مقام ولایت امر تعیین فرموده بود، حاصل نگردید، لذا حضرت شوقی ربّانی اقدام به تعیین ولی امر پس از خود فرمود.
بهائیان عالم پس از صعود حضرت شوقی ربّانی و تا انتخاب بیت العدل اعظم در سال ۱۹۶۳ با

کتاب و آثار دیانت بهائی

آثار مستند دیانت بهائی منحصر به کتب، رسالات، مکاتیب، توقیعات و پیام های مراجع زیر است:

- حضرت باب
- حضرت بهاء الله
- حضرت عبدالبهاء
- حضرت شوقی ربّانی
- بیت العدل اعظم

ولایت امر و بیت العدل اعظم

حضرت عبدالبهاء به موجب تعالیم پدر بزرگوار، خطوط اصلی نظم اداری جامعه جهانی بهائی را که ضامن هدایت و پیشبرد مقاصد آن جامعه است در وصیت نامه خویش ترسیم فرمود و دو مؤسسه «ولایت امر» و «بیت العدل اعظم» را به عنوان بالاترین مراجع آن جامعه و مؤسسات و تشکیلات آن تعیین و وظایف هر یک را به تفکیک مشخص فرمود. آن حضرت نوه ارشد خود شوقی ربّانی را به عنوان وصی و «ولی امر الله» تعیین و حقّ تبیین آیات، یعنی توضیح و تشریح معانی صحیح آیات نزولی را منحصرأ به حضرتش تفویض نمود. همچنین شرایطی را که باید وصی او دارا باشد تا بتواند به نوبه خود به عنوان ولی امر جامعه جهانی بهائی تعیین گردد، معلوم فرمود. حضرت عبدالبهاء به علاوه در وصیت نامه خویش نحوه انتخاب بیت العدل اعظم را که مقدر است بنا به اراده شارع آئین بهائی در آینده ایام عهده دار اداره امور جامعه جهانی بهائی گردد، ترسیم فرمود. طی سنوات ولایت امر از سال ۱۹۲۱ تا ۱۹۵۷ نظم اداری جامعه بهائی پایه گذاری گردید و دیانت بهائی پیشرفتی چشمگیر در سطح جهانی حاصل نمود و شرایط لازم برای انتخاب بیت العدل اعظم فراهم گردید. حضرت شوقی ربّانی در طول دوره ولایت امر علاوه بر مکاتبات عدیده با جوامع بهائی به منظور هدایت و الهام بخشیدن به فرد بهائیان و تأسیسات نظم

زمان، سوای آنچه توسط خود بنیانگذار شریعت بهائی وضع گردیده و پاسخ به سؤالات و حلّ و رفع مشکلات و ارائه طریق کلاسه عهده‌بیت العدل اعظم واگذار شده است. چون اختیار تبیین آیات نزولی شارع آئین بهائی، یعنی تفسیر و تشریح معانی دقیقه آنها از جمله وظایف حضرت شوقی ربّانی، ولی امر بهائی، به شمار می رفت، لذا خارج از حدود وظایف بیت العدل اعظم خواهد بود. (نگاه کنید به بخش: «ساختار نظم اداری در تشکیلات بهائی»)



مقرّیبت العدل اعظم، آرشیو بین المللی و دیگر ساختمان های تشکیلات اداری آئین بهائی در دامنه کوه کرمل در شهر حیفا



مدفن حضرت باب در دامنه کوه کرمل در شهر حیفا که نزد بهائیان به «مقام اعلی» موصوف است

اشتیاق تام به اکمال و اتمام نقشه های ترسیمی توسط آن حضرت اقدام نمودند. بیت العدل اعظم که از سال ۱۹۶۳ به بعد مسؤولیت رهبری و اداره جامعه جهانی بهائی را به عهده دارد و بالاترین مرجع اداری بهائیان عالم به شمار می رود، مرکب از ۹ نفر عضو است که هر پنج سال یکبار از طرف اعضاء محافل روحانی ملی تمامی کشورهای جهان انتخاب می شود. این مرجع مسؤول و محرک اصلی اجرای حدود و احکام و نظامات دیانت بهائی در بین بهائیان عالم است. همچنین اختیار وضع و فسخ قوانین متناسب با

مراکز روحانی و اداری جامعهٔ بهائی در اراضی مقدسه

مناطق را اماکن مقدسهٔ بهائیان تشکیل می دهند. در چهارچوب برنامه ای که برای بازدید بهائیان از این اماکن تدوین می گردد، همه ساله هزاران زائر به این اراضی مسافرت می نمایند و از نقاط مزبور بازدید و زیارت به عمل می آورند.

باغات اطراف مراکز اداری جامعهٔ جهانی بهائی در دامنهٔ کوه کرمل از جمله زیباترین مناطق کشور اسرائیل به شمار می روند و همه ساله هزاران نفر مسافر و جهانگرد را به خود جلب می نمایند. این باغات در واقع در شمار جاذب ترین نقاط جهان گردی شهر حیفا به حساب می آیند.



مدفن حضرت بهاء الله بنیانگذار آئین بهائی در حومه شهر عکا در کشور اسرائیل که نزد بهائیان جهان به روضه مبارکه موصوف است

حضرت بهاء الله خود به شخصه در زمان حیات خویش به اهمیت و امتیاز منحصر به فرد شهرهای حیفا و عکا در اراضی مقدسه و نقشی که این دو شهر در آئین بهائی برای ایجاد مراکز روحانی و اداری این آئین ایفا می نمایند اشاره نموده اند. این است که به تدریج ساختمان هایی به جهت استقرار مهمترین مراکز اداری آئین بهائی در میان باغات و چمنزارهای سبز و خرم در دامنهٔ کوه کرمل و در حول و حوش ساختمان بیت العدل اعظم ایجاد گردیدند. مدفن حضرت باب که نزد بهائیان به «مقام اعلی» موصوف است و مرکز روحانی و الهام بخش اقدامات و تصمیمات مراکز اداری بهائی به شمار می رود نیز در دامنهٔ همان کوه استقرار یافته است. مدفن حضرت بهاء الله یا بنا به توصیف بهائیان، «روضه مبارکه» در نزدیکی شهر عکا قرار دارد. علاوه بر مقامات فوق، اماکن دیگری نیز در این دو شهر وجود دارند که از لحاظ تاریخی نزد بهائیان از اهمیت بسزائی برخوردارند. همهٔ این

دعا

قلب خود احساس نماید و به وصال مطلوب نایل آید. انسان در حین دعا به هویت خود واقف گردد و به غنای روح خویش پردازد و در عمق وجود خود احساس سرور روحانی نماید. حصول چنین حالت روحانی نیروی محرکه و الهام بخش انسان در تمام شؤون زندگی خواهد بود. انسان در حین دعا از خدای یگانه طلب باری برای رفع مشکلات کند و طریق صواب را خواستار شود. خداوند واقف اسرار و آگاه بر منویات قلوب است



آثار و آموزه های حضرت بهاءالله، حضرت باب و حضرت عبدالبهاء از جمله شامل تعداد زیادی ادعیه و مناجات است که به مناسبت های مختلف از جانب بهائیان مورد استفاده قرار می گیرد. مناجات ها را می توان منفرداً یا در جمع تلاوت نمود. هر فرد بهائی مختار است هر هنگام که مناسب داند یا در هر مکانی که ایجاب نماید و حالتی روحانی دست دهد به تلاوت مناجات پردازد. در میان آثاری که برای راز و نیاز با خدای یگانه تخصیص یافته اند، نماز روزانه از اهمیت ویژه ای برخوردار است. این نماز با آداب مخصوصی همراه است که به هنگام ادای آن از طرف نمازگذار برگزار می شود.

به اعتقاد بهائیان دعا و مناجات وسیله ای مؤثر برای مکالمه و راز و نیاز با پروردگار عالمیان است. انسان با آگاهی کامل به لزوم آن رو به آفریدگار خود می نماید و به تلاوت آن می پردازد. دعا و تضرع و ابتهال به خدای یگانه قوی ترین نیروی محرکه برای رشد و تکامل روح انسانی است. دعا موجب می شود که انسان عشق به خدای یگانه را در قلب خود احساس نماید و به حفظ و تقویت آن مبادرت ورزد. شخص عاشق همواره در طلب معشوق کوشد و وصال او را خواهد و راز و نیاز با او را جویا گردد. کتب و آثار دیانت بهائی به ما می آموزند که انسان هرگاه به خدای یگانه عشق ورزد، آن عشق را در حین دعا در



و آفریده خود را دوست دارد و صواب و صلاح او را بیش از خودش تشخیص دهد. این است که انسان در حین دعا رو به خدای خود کند و طلب تأیید و توفیق در اعمال نماید. حضرت بهاء‌الله به ما اطمینان می‌دهند که هرگاه انسان با نیت پاک رو به حضرت باری نماید و تمنای حصول طلب کند، آن طلب چنانچه به خیر و صلاح او باشد و حکمت حضرتش ایجاب نماید لاجرم به حیطة حصول در آید.

حالت درون

بهائیان بر این باورند که زبان دعا و مناجات زبان روح و قلب انسان است، بدین معنی که دعا بیش از فقط زمزمه کلمات و ادای برخی آداب است. مهم کیفیت درون و حالت توجه، تضرع و ابتهاال است. به فرموده حضرت عبدالبهاء:

«باید جهد کنیم تا به مقامی رسیم که منقطعاً عن کل الاشياء و من فی العالم به خداوند وحده توجه نماییم. در این مقام سالک را همت لازم تا به آن مقام فائز شود. باید کوشش نماید و جهد کند. حصول این رتبه به عدم تعلق و اعتنا به امور جسمانی و شدت تمسک و اهتمام به امور روحانیه است، هر قدر از یکی بیشتر دوری کنیم به دیگری بیشتر نزدیک شویم.»^{۷۸}

هوالله

ای پروردگار، مرا بیدار کن هشیار نما، از غیر خود بیزار کن و به محبت جمالت گرفتار نما. نفعه روح القدس بخش و ندای ملکوت ابهی به گوش رسان. قوت روحانی عطا کن و سراج رحمانی در زجاج قلب برافروز. از هر بندی آزاد کن و از هر تعلق نجات ده تا جز رضای تو نطلبم و به غیر از روی تو نجویم و دون راه تو نپویم. نفوس غافله را هشیار کنیم و ارواح خفته را بیدار نماییم. تشنگان را آب حیات بخشیم و مریضان را شفای الهی دهیم. هر چند حقیرم ذلیلیم فقیرم اما پشت و پناهم توئی و معین و ظهیر هم توئی. تأییدی عنایب فرما که کل حیران گردند. خدایا توئی مقتدر و توانا و بخشنده و دهنده و بینا.

حضرت عبدالبهاء^{۷۹}

مناجات و مطالعهٔ کتب و آثار مقدسه

مناجات

«اغتموا فی بحر بیانی لعل تطلعون بما فیہ من لالی الحکمة و الاسرار.»^{۸۰}
 بدین مضمون که در دریای بیان من فرو روید، شاید به آنچه از مرواریدهای حکمت و اسرار و رموز الهی که در این دریا مستور است مطلع شوید.



خواندن دعا و مناجات در آئین بهائی متضمن آداب یا حرکات خاصی نیست. گرچه بهائیان در زندگی روزانه به خواندن دعا و مناجات در اوقات مناسب و به طور منظم تشویق شده اند لکن چگونگی آن به اختیار خود شخص واگذار شده است.

منظور از دعا ایجاد حالت توجّه در شخص و تأمل و تفکر در کلمات است. شخص دعاگذار خود را فارغ و آزاد از افکار و احساساتی که به این جهان تعلق دارند مشاهده کند و توجّه خود را به امور روحانی معطوف دارد و در چنین حالتی با زبان روح با خدای یگانه به راز و نیاز پردازد. دعا و مناجات از جمله استعدادهای روح انسانی به شمار می روند. انسان به هنگام دعا به حالتی روحانی دست می یابد. در این حالت قلب او ملهم به الهامات الهی می گردد و معرفت او را در قلب خود احساس می نماید. نیل به حالتی روحانی که در آن راز و نیاز با ایزد متعال میسر گردد و منجر به توجّه در حین مناجات گردد، ممکن است به علل گوناگون و در مواقع مختلف به انسان دست دهد. بهائیان به موجب تعلیم دینی خود مخصوصاً به مطالعه، تأمل و تفکر در الواح و آثار مقدسهٔ خود تشویق شده اند تا از این طریق به درک بیشتر معانی مودعهٔ مکتوبه در آن آثار نائل آیند و آنها را در زندگی روزمره به کار بندند. حضرت بهاء الله می فرماید:

بهائیان هر روز ۹۵ بار ذکر «الله ابهی» را تکرار می نمایند و این بدان جهت تا «با این عمل به طریقی ساده به حالتی روحانی دست یابند.»^{۸۱}

در کتاب «بهاء الله و عصر جدید» به نقل از حضرت عبدالبهاء چنین مذکور است:

«ما باید به لسان ملکوتی صحبت بداریم یعنی به لسان روح، زیرا یک لسان روح و قلب وجود دارد که با لسان عادی ما فرق بی منتهی دارد و فرق میان این دو مانند فرقی است که بین زبان ما است و زبان حیوان که فقط بانگ و غریو است. اما لسانی که انسان با حقّ همراز و به راز و نیاز دمساز می گردد زبان روح است و هر وقت ما در حین مناجات از قید عالم ناسوت آزاد شده توجّه به حقّ کنیم گوئی در آن حین ندای الهی را در قلب می شنویم، بدون الفاظ صحبت می کنیم، مخیره می نمائیم، گفتگو با خدا می کنیم و جواب می شنویم... جمیع ما چون به چنین حالت روحانی واصل گردیم ندای الهی را استماع کنیم.»^{۸۲}



مطالعه روزانه در آثار مقدّسه

حضرت بهاءالله به پیروان خود علاوه بر دعا و مناجات، اهمّیت مطالعه مرتّب آیات مقدّسه را نیز تأکید فرموده اند. مطالعه و تعمّق در معانی آیات در هر صبح و شب به برقراری و تحکیم ارتباط بین انسان و قوای مکنون در کلمات الهی می انجامد. حتّی تلاوت فقط یک آیه از آیات نیز چنانکه به طور منظمّ انجام گیرد هدف مزبور را تأمین می نماید. مهمّ این است که آیات در حالت توجّه و در نهایت خضوع و خشوع^{۸۳} تلاوت گردد و در معانی نهفته در آنها تفکر و تأمل به عمل آید و «تفکر ساعة خیر من عبادة سبعین سنة»^{۸۴} بدین مضمون که تنها یک ساعت تفکر و تأمل بهتر از هفتاد سنه عبادت است، تحقّق یابد.

پرورش آداب و اخلاق



پیامبران الهی همیشه اندرزهایی به جهت پرورش آداب و اصلاح اخلاق و رفتار در نوع انسان وضع نموده اند. ارزش های اخلاقی ادیان بسیار شبیه به هم اند.

حضرت بهاءالله، مؤسس آئین بهائی نیز در آثار خود تأکید بسیار روی اهمیت ارزش های اخلاقی نموده و تعلیمی به جهت پرورش اخلاق و رفتار در اشخاص وضع نموده است. اهمیت اخلاق و حسن رفتار از این بیان پیداست، آنجا که می فرمایند:

«...واجعلوا اشراقکم افضل من عشیکم و عَدَمِ احسن من امسکم...»^{۸۵} بدین مضمون که صبحتان را برتر از شامگاهتان و فردایتان را بهتر از دیروزتان قرار بدهید...

کسب کمالات معنوی روندی است که هیچگاه پایانی بر آن تصور نتوان نمود. محاسبهٔ روزانهٔ گفتارها و کردارها بهترین ابزار برای ارزیابی روند مزبور است. هر آن کس که پی در پی در جهت تقویت نقاط مثبت و پیروزی بر نقاط ضعف خود گام بردارد، هم آن کس به رشد و پرورش کمالات معنوی خود سرعت بخشیده است، اگر چه که خود در ابتدا آگاه بر آن رشد نگردد. هر نوع تلاشی که در زمینهٔ کسب و پرورش فضایل اخلاقی به عمل آید، در دراز مدت، علیرغم رکود یا گاه رجوع به عقب، سرانجام به کسب و تثبیت کمالات در وجود انسان می انجامد. کسب

فقط یکی از صفات و ملکات اخلاقی موجب رشد و تثبیت صفات دیگر در مجموع می شود. مثلاً هرگاه انسان به پرورش صفت دوستی در خود پردازد، دیگر صفات مشابه یعنی همیاری، همدلی، همدردی و ملاحظهٔ حال دیگر کسان را هم تقویت نموده است.

از جمله چالش های فرآیند یاد شده یکی هم تعادل و تناسب بین فضایل اخلاقی و عادات نیک در انسان است. اسراف در بکار گرفتن خلقی نیکو ممکن است چنانکه متعادل و متناسب با دیگر محاسن اخلاقی نباشد، به عادت نیکو هیبه مبدل گردد.

در اینجا به چند نمونه از فضایل اخلاقی که به آنها در آثار دیانت بهائی اهمیت بسیار داده شده است اشاره می شود:

صداقت و امانت

و نفرت رود، مسلماً بر آنها فائق آید.^{۸۹} ادب و صداقت لازم و ملزوم یکدیگرند و یکی بدون دیگری مؤثر نخواهد افتاد.

عشق به همنوع

طبق بیان حضرت بهاءالله «علت آفرینش ممکنات حبّ بوده...»^{۹۰} این است که محبت الله یعنی عشق به خداوند از جمله مهمترین اعتقادات بهائیان به شمار می رود. معنا و مفهوم عشق به خداوند، عشق به همنوع اعم از بیگانه و خویش است، یعنی آنکه انسان همه چیز و همه کس را به خاطر عشق به خداوند دوست بدارد و عشق به آفریدگان را بازتابی از عشق به آفریدگار داند. دیگر آنکه عشق به همنوع نباید محدود به اصل و نسب، معتقدات مذهبی یا دیگر ویژگی های قومی، نژادی یا خلقی گردد بلکه آن عشق باید مشمول همهٔ ابناء بشر شود. به فرمودهٔ حضرت عبداله:

صداقت و امانت دو صفت بنیادین اند که صفات و ملکات دیگر مثل خلوص نیت و محبت راستین، انصاف و عدالت بر آنها بنا می شوند. از همین رو است که حضرت بهاءالله در خطاب به نوع انسان چنین می فرماید: «زینوار و سکم بالکلیل الامانة و الوفاء... و السنکم بالصدق الخالص»^{۸۶} مضمون این بیان به فارسی چنین است که سرهای خود را به تاج امانت و وفا... و زبان هایتان را به راستی خالص زینت دهید.

حصول ارزش های اخلاقی از این قبیل مسلماً به ایجاد اعتماد و اطمینان در بافت یک جامعه منجر می شود و در نهایت به خوشبختی و نشاط آن جامعه می انجامد. کافی است در ذهن خود به این اندیشه حیات بخشیم که تا چه حد جامعه ای خوشبخت و با نشاط خواهد بود که در آن صفاتی مثل امانت و صداقت حاکم بر اقوال و اعمال آحاد آن جامعه باشد.

رعایت ادب

حضرت بهاءالله می فرماید:

«زینوا نفوسکم بالصدق و الأدب»^{۸۷} بدین مضمون که وجود خودتان را به راستی و ادب زینت دهید.

بنیانگذار آئین بهائی در آثار خود به «ادب» اهمیت بسیار داده و بر آن «سید اخلاق»^{۸۸} نام نهاده است. چنانچه انسان با صفاتی چون ادب و محبت که صادقانه باشند و از دل بر آیند به پیکار بیگانگی



منع از غیبت

غیبت امروزه رواج بسیار دارد و بخشی از مکالمات روزمره را تشکیل می دهد. منظور از غیبت عیب جوئی و به کار بردن کلمات و جملاتی بی پایه و بی مایه در مورد شخص غایب است. غیبت به ظاهر دلالت بر علاقه و همدردی با شخص غایب می نماید، لکن کمتر کسانی که به اثرات سوء آن واقفند و آن را گناهی عظیم شمرند. گناه کسانی، بی هیچ علت، مورد بی مهری و امتناع کسان دیگر قرار می گیرند، بی آنکه به سبب آن بی برند. عیب جوئی، خرده گیری، خوار نمودن دیگران، برشمردن خطای اشخاص و بالاخره قضاوت و پیش داوری در مورد کسان، همه و همه ریشه در صفت زشت غیبت نفوس دارد. به فرمودهٔ حضرت بهاءالله:

«به راستی می گویم لسان از برای ذکر خیر است او را به گفتار زشت میالائید.»^{۹۲}

غیبت دارای تأثیر و تأثر متقابل است، یعنی نه فقط تأثیر سوء بر شخص غیبت شونده دارد بلکه غیبت کننده نیز از اثرات سوء آن بی نصیب نخواهد ماند. این پندار که عیب جوئی و خرده گیری از شخص غایب از دلخوری غیبت کننده خواهد کاست و به او نوعی آرامش خیال و تسکین خاطر خواهد بخشید، پنداری باطل است. به فرمودهٔ حضرت بهاءالله «... غیبت سراج منیر قلب را

«...تا توانید در هر محفلی شمع محبت برافروزید و هر دلی را به نهایت رأفت ممنون و مسرور نمایید. بیگانگان را مانند خویش بنوازید و اغیار را به مثابهٔ یار وفادار مهربان گردید. اگر نفسی جنگ جوید، شما آشتی طلبید و اگر کسی ضربتی بر جگر گاه زند، شما مرهم بر زخم او بنهید، شمامت کند محبت نمایند، ملامت کند ستایش فرمائید، سم قاتل دهد شاهد فائق بخشید، به هلاکت اندازد شفای ابدی دهید، درد گردد درمان بشوید، خار شود گل و ریحان گردید. شاید به سبب این رفتار و گفتار این جهان ظلمانی نورانی گردد و این عالم خاکی آسمانی شود و این زندان شیطانی ایوان رحمانی گردد، جنگ و جدال برافتد و محبت و وفا در قطب عالم خیمه برافرازد. این است وصایا و نصایح الهی و خلاصهٔ تعالیم دور بهائی.»^{۹۱}



از جمله مهمترین صفات حمیده یکی این است که انسان نظر به محاسن دیگران نماید و نه به نقایص آنان، زیرا هر یک از ما خود دارای عیوب متعدّدیم و باید توجّه به خطاهای خود نمائیم و از عیب جوئی و توجّه به خطاهای دیگران پرهیز کنیم. حضرت بهاءالله به ما می آموزد که انسان بالقوه مظهر جمیع صفات و اسماء الهی است. چنانچه انسان نظر به صفات بالقوه در خود نماید، عشق به همنوع را در خود یابد و دیده خطاپوش جوید و به خاطر محبت به پروردگار به خوبی ها نگرَد.

نیل به این هدف با تأکید بر محاسن و چشم پوشی از نقاط ضعف دیگران جامعه عمل پوشد. چنانچه عشق به همنوع به لحاظ وجود برخی صفات نکوهیده در ایشان مشکل جلوه نماید، عشق به آفریدگار و آفریدگان دیده خطاپوش آفریند و



خاموش نماید و حیات دل را بمیراند...» ۹۳ در کلمات مکتونه از آثار عرفانی حضرت بهاءالله از جمله چنین آمده است: **«یا ابن الانسان، لا تنفس بخطاء احد ما دمت خاطئاً و ان تفعل بغير ذلك ملعون انت و انا شاهد بدلك»**، ۹۴ بدین مضمون که ای پسر انسان، تا هنگامی که خود خطاکاری خطای احدی را بر زبان میار و اگر جز این کنی ملعون خواهی بود و من بر این امر گواهی می دهم. ناگفته پیداست که دم نزدن از خطای احدی بدان معنا نیست که بر مشکلات سرپوش نهاده شود و یا هر کردار زشت یا روش ناصوابی تحمل گردد، بلکه باید با عزمی راسخ و دیدگاهی سازنده به مشاوره و حل مشکلات پرداخت و طریق صواب را یافت و از خود پسنندی، ناسزاگوئی، عیب جوئی و به طور خلاصه غیبت احتراز نمود.

دیده خطاپوش

حضرت عبدالهء، مثل اعلای آئین بهائی، در یکی از مکاتیب خود پیرامون این صفت حمیده، که باید نظر به محاسن افراد نمائیم و نه به نقایص آنان، چنین مرقوم داشته اند:

«...هر نفسی را باید نظر به آنچه در او ممدوح است نمود. در این حالت انسان با جمیع بشر الفت تواند، اما اگر به نقائص نفوس انسان نظر کند کار بسیار مشکل است...» ۹۵

من این است که شما را خوشبخت بینم، خندان بینم، چهره تان را نورانی و پر از نشاط مشاهده کنم تا دیگران نیز به سبب شما خوشنود و خوشبخت گردند.»^{۹۷}

تواضع و فروتنی

تواضع از دیدگاه بهائیان از جمله شرایط عمده برای کسب کمالات به شمار می رود. انسان مظهر ظهور و محل تجلی صفات و کمالات الهی است و برای شکوفایی آن کمالات نیاز مند کمک از جانب ایزد متعال است. این است که جمیع ادیان پیروان خود را به خضوع و خشوع در پیشگاه الهی تعلیم می دهند. حس غرور و تکبر مانع از درک مقصد خداوند از خلق انسان و فهم معانی موعده در آثار مقدسه می گردد.

تواضع بدان معنی است که انسان خود را برتر از دیگران نداند و بر دیگری فخر نفروشد بلکه جهان بین باشد، نه خودبین و در برخورد با هموعان بلندنظری را پیشهٔ خود سازد و به تجارب و نظرگاه های دیگران احترام گذارد و در صورت امکان آن نظرگاه ها را پذیرا شود. از هر کس می توان در زندگی چیزی فرا گرفت و از آن برای رشد و تکامل درون بهره گرفت. شخص متواضع می تواند آسان تر بر نقاط ضعف خود فایز آید و از عیب جوئی و خرده گیری و محکوم نمودن دیگران احتراز کند و بالاخره تواضع انسان را از این پندار که تنها او میزان سنجش همه چیز است محفوظ می دارد.

به پرهیز از عیب جوئی انجامد. اگر چنین شود، همدلی و هم آهنگی ایجاد شود، همزیستی و همبستگی معمول گردد و جامعه انسانی به وحدت و یگانگی رسد.

سرور و نشاط

این بیان حضرت عبدالبهاء ما را به اهمیت سرور و نشاط در زندگی متذکر می دارد:

«همیشه مایهٔ سرور قلوب گردید زیرا بهترین انسان کسی است که قلوب را به دست آرد و خاطری نیازارد و بدترین نفوس نفسی است که قلوب را مکدر نماید و سبب حزن مردمان شود. همیشه بکوشید که نفوس را سرور نمایند و قلوب را شادمان کنید...»^{۹۸}

در آثار بهائی اموری از قبیل کف نفس، انزوا، ریاضت، شکسته نفسی و احساس حقارت شدیداً منع شده است. در مقابل روی زندگی پرنشاط، تفریح و لذت بردن از زیبایی های حیات در حد اعتدال تأکید فراوان گردیده است.

حضرت عبدالبهاء در مکاتیب و خطابات خود مکرز به سرور و نشاط در زندگی اشاره نموده و لزوم خوشنودی و خوشبختی را تأکید فرموده اند. مثلاً این جمله را بارها تکرار می نمودند که «آرزوی

«امروز روزی است که بحر رحمت ظاهر است و آفتاب عنایت مُشرق و سحاب جود مرتفع. باید نفوس پژمرده را به نسائم محبت و مودت و میاه مر حمت تازه و خرم نمود. احبای الهی در هر مجمع و محفلی که جمع شوند باید به قسمی خضوع و خشوع از هر یک در تسبیح و تقدیس الهی ظاهر شود که ذرات تراب آن محل شهادت دهند به خلوص آن جمع، و جذبه بیانات روحانیه آن انفس زکّیه ذرات آن تراب را احد نماید نه آنکه تراب به لسان حال ذکر نماید، انا افضل منکم، چه که در حمل مشقات فلاحین صابرم و به کلّ ذی روح اعطای فیض قیاض، که در من ودیعه گذارده شده، نموده و می نمایم. مع همه این مقامات عالیّه و ظهورات لاتحصی که جمیع مایحتاج وجود از من ظاهر است به احدی فخر ننموده و نمی نمایم و به کمال خضوع در زیر قدم کلّ ساکنم...»^{۹۷ا}

حضرت بهاءالله



اهمیت مشورت در آئین بهائی



مشورت در محفل روحانی

تبادل نظر و اتخاذ تصمیم

حضرت بهاء الله می فرماید:

«آسمان حکمت الهی به دو نیر روشن و منیر، مشورت و شفقت و خیمهٔ نظم عالم به دو ستون قائم و برپا، مجازات و مکافات»^{۹۸}

که به حرفه و شغل مربوط می شود استفاده نمود. اساس اداره و انتظام تشکیلات جوامع بهائی بر مشورت استوار است.

هدف از مشورت

هدف از مشورت یافتن طریق صواب است، یعنی تلاش شود تا ضمن حصول وحدت در بین مشورت کنندگان بهترین راه حل برای موضوعی که برای آن به مشاوره نشسته اند یافت شود. اساس مشورت در آئین بهائی بر خلوص نیت و آزادی مشورت کنندگان در بیان عقیده نهاده شده است. به بیان حضرت عبدالهء «بارقة حقیقت شعاع ساطع از تصادم افکار است»^{۱۰۰}

محور اصلی امر مشاوره در دیانت بهائی عبارت از این است که شخص در نهایت آزادی به بیان عقیده پردازد و ابدأ اصرار در رأی ننماید و ناظر به تمایلات خویش نگردد بلکه توجه خود را مطلقاً به موضوع مورد بحث و یافتن راه حل مناسب معطوف دارد، زیرا تا بحث در مسائل نگردد، راه

منظور از مشورت در آئین بهائی تبادل نظر در محیطی است که مهمترین ویژگی آن رعایت ارزش های اخلاقی و صفات معنوی بین مشورت کنندگان می باشد. چنانکه مشورت در محیطی آکنده از وحدت، تفاهم و احترام متقابل صورت گیرد نتیجهٔ آن اتخاذ تصمیماتی سازنده و قابل اجرا خواهد بود.

حضرت بهاء الله، مؤسس آئین بهائی، توجه ما را به لزوم مشورت سازنده به جهت اداره و تنظیم امور از جمله به این بیان معطوف داشته اند:

«مشورت بر آگاهی بیفزاید و ظن و گمان را به یقین تبدیل نماید. اوست سراج نورانی در عالم ظلمانی، راه نماید و هدایت کند. از برای هر امری مقام کمال و بلوغ بوده و خواهد بود. بلوغ و ظهور خرد به مشورت ظاهر»^{۹۹}

مشورت از دیدگاه بهائیان در جمیع سطوح زندگی لازم و قابل اجرا است. از این وسیله می توان برای رفع مشکلات فردی، خانوادگی یا در مواردی

حصول اتفاق آراء در امر مشاوره منجر شود نیاز به خواست و طلب صمیمانهٔ اصحاب شور برای نیل به راه حل مناسب خواهد داشت. اصالت نتایج حاصل از یک مشاوره خود حکایت از آن نماید که تا چه اندازه مشورت کنندگان به درک رموز و مبانی یک مشاوره مفید و مؤثر پی برده و آن را به کار بسته اند.

حل مناسب معلوم نشود. یافتن راه حل مناسب موکول به توجه به نظرات همهٔ اصحاب شور و تعمق در کلیهٔ آراء است. شرط دیگر آن که مشورت در محیطی آکنده از الفت و محبت صورت گیرد و اعتماد کامل بین مشورت کنندگان برقرار شود و دستورالعمل و نظاماتی که به جهت مشاوره مفید و مؤثر قرار داده شده است رعایت گردد.

مشورت مفید و مؤثر را می توان آموخت

مشاوره در آئین بهائی نیاز به اکتساب بینشی جدید و انس با طرز فکر و برخوردی نوین با امر مشورت دارد. تظاهر به صلح و سلام و مصالحه هیچ یک مقبول نبوده، بلکه هدف از مشاوره باید تنها معطوف به یافتن حقیقت گردد. روندی که به



مشورت در محیط خانواده

برخی از جنبه های مشورت در آئین بهائی

- ایجاد فضائی روحانی از طریق خواندن دعا و مناجات و طلب تأیید از درگاه حضرت پروردگار
- بیان عقیده و رأی در نهایت آزادی
- جستجوی حقیقت و یافتن راه حل مناسب و احتراز از پافشاری در آراء شخصی
- قائل شدن تفاوت بین پیشنهاد و عضو ارائه کنندهٔ آن (عدم رنجش از آراء مخالف)
- روش اعضاء شور باید مبتنی بر فضائل اخلاقی باشد مثل تواضع، فروتنی، احترام به عقاید دیگران و صبر و حوصله در مواردی که یافتن راه حل مناسب به سهولت ممکن نگردد
- بیان آراء «در نهایت خلوص و وقار و سکون و آداب»^{۱۰۱} و رعایت دقت و اعتدال در بیان مطالب
- همهٔ مشورت کنندگان باید از صمیم قلب به این اصل معتقد باشند که مهمترین شرط مشاورهٔ ثمربخش همانا رعایت اصل وحدت و یگانگی بین ایشان است.

زندگی زناشویی و تشکیل خانواده

نیل به اتحاد ابدی در جمیع عوالم الهی مستلزم تلاش مداوم زن و شوهر است. از جمله شرایط یک زندگی خوشبخت، وفاداری، از خودگذشتگی، بردباری، فداکاری، محبت صادقانه و سعی بر برقراری روابط صمیمانه از جانب طرفین است. دیگر آنکه یکدیگر را آن طور که هستند دوست بدارند و مدد کار یکدیگر باشند و به هم در کسب



خانواده کوچکترین واحد یک اجتماع به شمار می رود. در همین واحد است که می توان چگونگی همزیستی در جامعه را آموخت و آن آموزه ها را به مرحلهٔ اجرا و عمل در آورد. زندگی زناشویی بر اساس تعالیم دیانت بهائی پایه و اساس حیات خانواده را تشکیل می دهد و طبق بیان حضرت بهاءالله «**خداوند متعال سنت نکاح را تأسیس فرموده و آن را حصن نجاج و فلاح مقرر داشته است.**»^{۱۰۲} زن و مرد در زندگی زناشویی از طریق تشکیل خانواده در محیطی امن به کسب کمالات و فضائل اخلاقی خواهند پرداخت.

عقد بهائی

طبق بیان حضرت عبدالهء:

«**عقد بهائی از تباط بین طرفین است و تعلق خاطر بین جهتین ولی باید نهایت دقت بنمایند و بر اخلاق همدیگر واقف شوند و عهد وثیق ارتباط ابدی حاصل شود و مقصد الفت و رفاقت و وحدت و حیات سرمدی باشد... عقد حقیقی بهائیان این است که باید بین طرفین روحاً جسماً التیام تام حاصل گردد تا در جمیع عوالم الهی اتحاد ابدی داشته باشند و حیات روحانی یکدیگر را ترقی دهند.** این است عقد بهائی»^{۱۰۳}

کمالات معنوی و فضائل اخلاقی یاری دهند. رشد و نمو محبت و صمیمیت هنگامی میسر است که زن و شوهر هر دو سعی بر شناخت و قبول استعدادها و بالقوه و ارزش های معنوی یکدیگر نمایند. احترام متقابل، خوش بینی و توجه به محاسن همسر و آنچه در او مدح و سحر است از جمله شرایط یک زندگی زناشویی خوشبخت به شمار می رود. زندگی زناشویی زمینه مناسبی برای تمرین بسیاری از قراردادهائی است که در اجتماع به کار گرفته می شوند. برابری حقوق زن و مرد از آن جمله است. زن و مرد باید مثل دو دوست

جهت تحکیم رشته های پیوند، آن زندگی را از جدائی و نفاق محافظت خواهد نمود.

لزوم تبادل نظر و مشاوره در مسائل خانوادگی

تبادل نظر بین دو همسر یا بین والدین و اطفال از اهمیت بسیار برخوردار است. مشاوره نیاز به زمان و مکان مناسب دارد. چگونگی مشاوره و تبادل نظر پربرار را می توان آموخت و به آن کمال بخشید. بهائیان برای مشاوره خانوادگی اهمیت بسیار قائلند. هر یک از اعضاء خانواده باید بتواند در محیطی پر از مهر و محبت، آزادانه، احساسات، نگرانی ها، سرور و تمایلات قلبی خود را بیان دارد. بهائیان در آثار دینی خود به مشاوره مرتب و منظم پیرامون همه مسائل خانوادگی تشویق شده اند. مقاصد جمعی در اثر تبادل نظر، بهتر قرین موفقیت خواهد گردید. در ضمن مشورت در امور خانوادگی از بروز اختلاف جلوگیری می کند و حل مشکلات را آسان می نماید (نگاه کنید به بخش «مشورت در

صمیمی باشند و «توجه شان معطوف به رفاه یکدیگر»^{۱۴} باشد. عشق به همزوج و عمل کردن به آن از دیگر مواردی است که به زندگی زناشویی و رابطه بین زن و شوهر استحکام می بخشد. چنانکه همسران متفقاً در جهت نیل به هدفی واحد کوشا گردند یا آنکه هر دو به اتفاق کمر خدمت به همزوج بندند، این نیز به تقویت پیوندشان کمک خواهد نمود. در آثار بهائی روی برقراری روابط جنسی بین زن و شوهر تأکید گردیده و از آن به عنوان «حق طبیعی هر انسانی»^{۱۵} یاد شده است. ضمناً فرونشاندن تمایلات جنسی منع و به هر انسانی اعم از زن یا مرد توصیه شده است که قوای جنسی خود را تحت کنترل قرار دهند. دوری از روابط جنسی خارج از زندگی زناشویی از جمله اصول بنیادی برای تحکیم مبانی زندگی مشترک شمرده می شود.

بهائیان بر این باورند که گزینش همسر باید از روی عشق و علاقه قلبی صورت گیرد و راهنمای طرفین در زندگی زناشویی و مقصد ایشان کسب فضائل اخلاقی و کمالات معنوی باشد. هدف از زندگی مشترک تحکیم رشته های الفت و مودت بین زن و شوهر است. اگر چنین شود و اخلاق شان نیز متناسب یکدیگر گردد آنگاه پایه های استوار خوشبختی در چنین زندگی مشترک نهاده شده است. زن و شوهر باید آگاهانه خود را ملزم و مصمم به تحکیم رشته های پیوند بین خود نمایند. در هر زندگی زناشویی ممکن است گاه مشکلاتی پدید آید. این است که تعهد به ادامه تلاش در



آئین بهائی^۱، بیت العدل اعظم، بالاترین مرجع جامعهٔ جهانی بهائی، در یکی از پیام های خود در این باره از جمله چنین مرقوم داشته است:

«مشاورهٔ خانوادگی چنانکه افراد فامیل بصیرت آن را یافته باشند که مکالمه و تبادل نظر باید آزادانه و در محیطی باز صورت گیرد و از روح اعتدال و تناسب برخوردار باشد، در این صورت آن مشاوره داری شفافبخش بسیاری از اختلافات خانوادگی خواهد بود.»^{۱۰۶}

بخشی از بیانات حضرت عبدالبهاء خطاب به یکی از جوانان و پندهای آن حضرت در مورد انتخاب همسر و زندگی زناشویی:

«...قوی ترین حلقه ای که قلوب زن و شوهر را به یکدیگر متحد می نماید صداقت و وفاداری است. هر دو باید صداقت و وفاداری را به منتهی درجه نسبت به هم مجری دارند و نگذارند ذره ای رشک و حسادت در بین آنان نفوذ کند. زیرا این حسادت چون سمی است که ریشهٔ محبت را فاسد می نماید... باید افکارشان عالی و آملشان نورانی و قلوبشان روحانی و ارواحشان مطلع شمس حقیقت باشد. نباید به جهت اتفاقات و تصادفات فانی این زندگی تغییر پذیر نسبت به هم بدبین شوند و خلق تنگی نمایند. قلوبشان باید وسیع و مُشرح و به وسعت جهان الهی باشد. هر وقت اختلاف نظری بین ایشان تولید شود باید منتهی درجه سعی نمایند که آن را بین خود حل نمایند و نگذارند خبر آن به خارج سرایت کند زیرا مردم مستعد هستند که ذرهٔ صغیر را جیل کبیر نمایند. و نیز هر گاه به علت پیش آمدی رنجشی از یکدیگر حاصل نمودند نباید آن را در دل نگاه دارند بلکه بالطبع باید آن را برای یکدیگر شرح و توضیح دهند و کوشش کنند هر چه زودتر این نفاق و کدورت برطرف شود. باید یگانگی و یاری را بر حسادت و ریا ترجیح دهند و مانند دو آئینهٔ صافی باشند تا انوار ستارگان محبت و جمال را در یکدیگر منعکس سازند. شما باید تصورات و افکار عالی و آسمانی خود را به یکدیگر بگویند. هیچ امری مخفی در بین خود نداشته باشید. خانهٔ خود را محل راحتی و صفا نمایید و مهمان نواز باشید و در منزل خود را به روی آشنا و بیگانه باز گذارید. هر تازه واردی را با روشی متبسم استقبال کنید و خوش آمد گوئید و طوری با ایشان رفتار نمایید که احساس کنند

ازدواج بهائی

می پردازد. داماد خواهد گفت: «**أَنَا كُلِّ اللَّهُ راضون**» و عروس خواهد گفت: «**أَنَا كُلِّ اللَّهُ راضیات**»^{۱۰۷} با ادای همین دو آیه که اعتراف عروس و داماد به رضایت و توکلشان به اراده الهی است، عقد فی مابین صورت پذیرفته است. چنانچه

مراسم ازدواج در آئین بهائی بسیار ساده برگزار می شود. عروس و داماد در برابر دو نفر شاهد که از طرف محفل روحانی محل تعیین شده اند هر یک جداگانه به ادای آیه مخصوص ازدواج

در خانه من هستند... خلاصه شما دو نفر طوری زندگی نمایند که خانه شما جلوه‌ای از ملکوت ابدی شود تا هر کس قدم گذارد روح صفا و نزهت را احساس نماید و بی اختیار فریاد بر آرد که اینجا خانه محبت است، اینجا کاخ محبت است، اینجا آشیانه محبت است و شما دو نفر چون دو طیر خوشخوان باید بر روی بلندترین شاخه های شجر حیات بنشینید و فضا را مملو از نعمات عشق و سرور کنید. تا آنجا که می توانید سعی نمایید اساس محبت خود را در روح و وجدان خویش مستقر سازید و نگذارید که این اساس متزلزل گردد. وقتی که خداوند به شما اطفال شیرین و نازنین عطا می کند خود را وقف تربیت و تعلیم ایشان نمایید تا گل های جاودانی گلزار الهی و بلبلان خوش الحان بهشت آسمانی گردند و خادمان عالم انسانی و ائمه شجر زندگانی شوند. در زندگی چنان مشی و سلوک نمایند که دیگران آن را نمونه و سرمشق گیرند و با یکدیگر بگویند که بین چگونه ایشان چون دو کبوتر با عشق و اتحاد و توافق کامل در یک آشیانه مقر یافته اند، گوئی که خداوند حقیقت وجودشان را از ازل برای دوست داشتن سرشته است... نسبت به یکدیگر چون عاشقان الهی و حبیبان معنوی باشید، حیات خود را در بهشت محبت بگذرانید و آشیانه خود را بر روی شاخه های پر برکت شجر محبت بنا کنید. در فضای با صفای محبت پرواز کنید و در بحر بی کران محبت شنا کنید، در گلزار جاودان محبت مشی کنید و در ظل اشعه تابان شمس محبت حرکت کنید. در طریق محبت ثابت و مستقیم باشید، مشام خود را با نوحه جان بخشی از هار محبت معطر کنید، گوش های خود را به آهنگ روح نواز محبت آشنا کنید، از شراب محبت بنوشید و سرمست شوید. بگذارید آمال و افکار شما چون دسته ای از گل های محبت و سخنان شما چون دُر جی از لآلی بحر محبت باشد.»^{۱۰۸}

دوستان و آشنایان و بالاخره از راه مراجعه به اهل فن و متخصصین امور زناشویی به رفع اختلاف پردازند. همانند همهٔ مشکلاتی که ممکن است در یک جامعهٔ بهائی پدید آید، در این مورد نیز زن و شوهر می توانند از محفل روحانی محل، که از جمله وظایفش رسیدگی به این گونه امور است، یا از کمیته های مخصوصی که برخی از محافل روحانی برای رفع مشکلات زناشویی تشکیل داده اند، کمک طلبند و از آنان بخواهند تا به مشورت نشینند و در صورت امکان رفع اختلاف نمایند. چنانچه بحران ادامه یابد و هر یک از طرفین یا هر دو به شدت «از یکدیگر بیزار شوند»^{۱۱۰} و امید واسطت و آشتی به یأس مبدل گردد، آنگاه می توانند منفرداً یا متفقاً از محفل روحانی تقاضای ثبت تاریخ طلاق نمایند. در این صورت محفل روحانی با طرفین دعوی به مشاوره نشینند و چنانچه یقین حاصل کند که قادر به رفع اختلاف و حل مشکلات فی مابین نیست، اقدام به ثبت تاریخ به جهت آغاز سال انتظار که نزد بهائیان به «سال تربص» مشهور است خواهد نمود. هدف از سال تربص و جدا زیستن این است که زوج و زوجه تشویق به هر نوع تلاش برای رفع اختلاف و آشتی گردند. بدیهی است که محفل روحانی طی سال مزبور نیز آماده برای هر نوع کمک برای رفع مشکلات زناشویی خواهد بود. چنانچه همهٔ تلاش ها با شکست مواجه گردد، آنگاه از نقطه نظر نظامات بهائی طلاق ثبت دفاتر و قطعی اعلام خواهد گردید.

عروس و داماد مایل باشند که در برنامه ای که برای مراسم ازدواج تهیه شده مناجات یا فقراتی چند از آثار مقدسه بهائی خوانده شود یا آنکه قطعات موسیقی مناسب حال نواخته شود، بدیهی است که آن نیز اجرا خواهد شد. در مواردی که یکی از طرفین پیرو آئینی دیگر باشد و عروس یا داماد مایل به اجرای تشریفات عقد مرسوم در آئین خود باشند، به لحاظ رعایت احترام به تشریفات مرسوم در هر دو آئین، هر دو عقد در یک روز انجام خواهد گرفت. ازدواج در آئین بهائی علاوه بر رضایت طرفین مشروط به رضایت



والدین - چنانچه در قید حیات باشند - نیز هست. این اقدام سبب اتحاد و اتفاق بین دو خانواده خواهد شد و پیوند جدید را تقویت خواهد نمود.

طلاق

طلاق در آئین بهائی مجاز شناخته شده است لکن باید آن را «آخرین چارهٔ رهایی از مشکلات به شمار آورد و تا آنجا که ممکن است از وقوع آن جلوگیری کرد»^{۱۰۹} در میان هر زن و شوهری ممکن است اختلاف پدید آید و مشکلاتی فراهم شود. مهم آن است که زوج و زوجه هر دو تلاش در یافتن راه حل نمایند و در محیط خانواده از طریق مشاوره یا با کمک



هوانه

ای خدا، طفل معصومم، در پناه خود حفظ نما،
عنايتی کن، رحمتی بفرما، تربیت نما، به نعمت
ببرور، قابليتی بخش تا ملکوتی گردم، ربانی
شوم، روحانی شوم، نورانی گردم. توئی
مقتدر و توانا و مهربان.

حضرت عبدالهپاء

خانواده و اطفال

گرچه تشکیل خانواده از نظر بهانیان امری مهم به شمار
می رود، لکن از واجبات شمرده نشده است. در این
مورد از قلم حضرت بهاءالله چنین نازل گردیده: «...
تزوجوا ليقوم بعدکم احد مقامکم...»^{۱۱۱} بر
والدین فرض شده است که نهایت اهتمام در تعلیم
و تربیت اطفال خود بنمایند.



تربیت اطفال

این بیان از حضرت عبدالبهاء است که:

«تعلیم و پرورش کودکان اعظم مناقب عالم انسان و جاذب الطاف و عنایت حضرت رحمن» ۱۱۲ است.

در تعالیم بهائی به اطفال و مقام و منزلت ایشان اهمّیت بسیار داده شده است. وجود مناجات های مخصوص اطفال خود گواه این اهمّیت است. مقام و منزلت کودکان در آثار بهائی با بزرگسالان برابر است. چنانکه والدین از روحیه ای مبتنی بر محبّت، احترام و رعایت حال دیگران برخوردار باشند، همان روحیه نمونه و سرمشق اطفال بوده، اساس تربیت و پرورش فکری ایشان را تشکیل خواهد داد. حضرت عبدالبهاء در این مورد که بلوغ انسان به عقل است نه به سن چنین می فرمایند:

«کم من طفل صغیر و هو بالغ رشید و کم من کهل جاهل و سفیه فالرشد و البلوغ بالعتل و التّهی و لیس بالسنّ و امتداد الحیات» ۱۱۴ مضمون این بیان به فارسی چنین است که چه بسا طفلی که صغیر است و لکن بالغ و رشد یافته و چه بسا مردی که مسن و آزموده است لکن جاهل و نادان. پس رشد یافتن و بالغ شدن به عقل و خرد است، نه به سنّ و طول دوران حیات.

مسؤولیت والدین

اطفال در آثار بهائی به نهال های تازه توصیف شده اند که وسیله والدین پرورش و نمو یابند. چنانچه طفل به «صداقت، خیر خواهی و درستیکاری تربیت شود، مانند شاخ سبز مستقیم برود، تر و تازه شود و شکوفه به بار آرد». و اگر از تربیت محروم ماند، «آن نهال کج به بار

هر انسان از همان بدایت عمر دارای شخصیتی ویژه خویش و در نوع خود منحصر به فرد است و در او صفاتی ممتاز به ودیعه گذارده شده است. حضرت بهاء الله نوع انسان را چنین توصیف فرموده اند:

«انسان را به مثابه معدن که دارای احجار کریمه است مشاهده نما. به تربیت جواهر آن به عرصه شهود آید و عالم انسانی از آن منتفع گردد.» ۱۱۳

هدف از تربیت اطفال در آئین بهائی چنین توجیه شده است که داده های ارثی و قوای فطری کودکان کشف شوند تا از آن داده ها و قوا در توسعه و پیش برد کمالات معنوی و پرورش اخلاقی ایشان استفاده به عمل آید.



والدین چون به تربیت اطفال پردازند، خود رشد و نمو یابند و به مرحله کمال رسند. تربیت پیش از هر چیز از راه ایفای نقش سرمشق میسر گردد، یعنی طرز رفتار و سلوک بزرگسالان و نحوه برخورد ایشان با اطفال است که به تربیت آنان انجامد و قوای مکنونه در وجودشان را شکوفا کند و ایشان را وسیع النظر و عضوی مفید برای جامعه به بار آرد.

نقش اجتماع

اجتماع نیز به نوبه خود مسؤول تربیت اطفال است. جوامع بهائی این مسؤولیت را به عهده گرفته اند و با تشکیل کلاس های مخصوص اطفال نقش مهمی را در تربیت معنوی اطفال ایفا می نمایند. سعی بر این است تا فضای مناسبی به وجود آید تا در آن فضا کودکان خود را عضوی مفید و با ارزش در جامعه احساس نمایند. به بیان بیت العدل اعظم، بالاترین مرجع دیانت بهائی: «محبت همه جانبه به اطفال، نحوه رفتاری که با آنان داریم، کیفیت توجهی که به آنها مبذول می کنیم، طرز سلوک و رفتار بزرگسالان نسبت به کودکان، همه عبارت از جنبه های حیاتی طرز توجه و تلقی مورد لزوم است.»^{۱۱۷}



آید.» ۱۱۵ والدین از دیدگاه بهائیان مجاز به شانه خالی کردن از مسؤولیت تربیت اطفال خود نیستند بلکه باید با تمام قوا در انجام این مهم اهتمام ورزند. پدر و مادر به میزان مساوی مسؤول تربیت فرزندانند. مهم این است که والدین نقش سرمشق را در تربیت فرزندان خویش به عهده گیرند. در یکی از پیام های بیت العدل اعظم در این باره از جمله چنین آمده است:

«صرفنظر از میزان تحصیلات، پدر و مادر در موقعیت حساسی برای تربیت و شکل دادن به رشد روحانی اطفال خود قرار دارند و هرگز نباید توانائی خود را برای تربیت اخلاقی اطفالشان نارسا انکارند. زیرا محیطی که در اثر عشق به خداوند، کوشش برای اجرای احکام، روحیه خدمت به امر الهی، عدم تعصب خشک و آزادی از تأثیرات مخرب غیبت کردن در خانواده به وجود می آورند تأثیر قطعی در پرورش اطفال دارد. هر پدر و مادر... مسؤولیت آن را دارد که به گونه ای سلوک نماید که خود به خود اطاعت از والدین را ایجاد نماید.»^{۱۱۶}



جنبه های مختلف تعلیم و تربیت در آثار بهائی

در کتب و آثار بهائی به سه جنبهٔ مختلف تعلیم و تربیت برخورد می‌کنیم که عبارتند از:

اول - تربیت بدنی: تأکید بر تغذیهٔ صحیح، تمرین، ورزش و استراحت،

دوم - پرورش فکری: توجه به فرهنگ، تاریخ، هنر و فراگیری علوم و آگاهی هر چه بیشتر از دانستی های مفید،

سوم - تربیت روحانی: پرورش ارزش های معنوی و فضائل اخلاقی، عشق به خداوند و آفریدگان او و داشتن اخلاق و رفتاری نیکو.



نخواهد رفت. آنچه از دیدگاه بهائیان اهمیت فوق العاده دارد همانا پرورش صفات حمیده در کودکان است. چنانکه به رشد معنوی اطفال اهمیت بیشتری داده شود، آنان را قادر خواهد ساخت تا استعدادها و مهارت های خود را در جهت رفاه هممنوع بکار بندند و نقش مفیدی در شکوفائی جامعه ایفا نمایند.

حضرت عبدالبهاء در مورد اینکه پرورش اخلاق و تعلیم آداب به کودکان از اهمیت بیشتری برخوردار است تا تحصیل علوم و دستیابی به یافته ها و شناخته ها، چنین فرموده اند: «**تربیت و آداب، اعظم از تحصیل علوم است. طفل طیب طاهر و خوش یت و خوش اخلاق ولو جاهل باشد بهتر از طفل بی ادب، کثیف بد اخلاق ولو در جمیع فنون ماهر گردد زیرا اطفال خوش رفتار نافع است ولو جاهل و طفل بد اخلاق فاسد و مضر است ولو عالم...**»^{۱۱۸} تا آنجا که می فرمایند: «**ولی اگر علم و ادب هر دو بیاموزد نور علی نور گردد.**»^{۱۱۹}

لزوم تحبیب، تشویق و پرورش حس مسؤولیت و انضباط در اطفال

بایهٔ تعلیم و تربیت در آئین بهائی بر محبت نهاده شده است. پیشبرد محبت و تحکیم رشته های مودت در اطفال مشروط به محبت بدون قید و شرط والدین و ایجاد محیطی مأنوس و سرشار از الفت و صمیمیت و اعتماد و اطمینان در خانواده است. حضرت عبدالبهاء بویژه روی تشویق اطفال تأکید بسیار نموده اند، از جمله اینکه «... **مادر اگر از طفل حرکت**

برخی از دیگر ویژگی های تعلیم و تربیت در آئین بهائی

پرورش ارزش های معنوی و فضائل اخلاقی در اطفال

پیشبرد هوش و ذکاوت کودکان و آموختن علوم و فنون به آنان اگر چه از اهمیت بسیار برخوردار است، لکن یگانه هدف از تعلیم و تربیت به شمار

خواهد بخشید. هر گاه فضایل اخلاقی و رفتار خوش جزء روحیه و هویت طفل شود و از بدیهیات طبیعت او به شمار آید، دیگر بی جهت نیازی به صرف قوا برای رفتاری خوش و مطلوب در آینده نخواهد بود و رفتار نامطلوب به خودی خود مجالی برای ظهور و بروز نخواهد یافت.

والدین باید رشد و تکامل نور چشمان شان را گام به گام و با نهایت دقت زیر نظر گیرند و به آنها در موارد برخورد با موانع و مشکلات و تلاش خود اطفال برای دفع و رفع موانع اعتماد کنند. کودکان بیش از هر چیز از نتیجه اعمال خود خواهند آموخت. اگر والدین به قابلیت اطفالشان اعتماد کنند که استعداد رشد و تکامل را دارا هستند، همین اعتماد و اطمینان موجب خواهد شد که اطفال به قبول مسؤلیت تن در دهند و مستقلاً به اتخاذ تصمیم پردازند.



وابطهٔ اطفال با خدا

کتاب و آثار بهائی والدین را تشویق می نمایند تا به اطفال خود وجود پروردگار و صفات او را تفهیم نمایند. اطفال قادرند از همان سنین کودکی به این حقیقت پی برند که خداوند آنان را دوست دارد و عشق خداوند را باید از صمیم قلب و با عشق متقابل

ممدوحی بیند ستایش کند و تحسین نماید و تطیب خاطر طفل کند و اگر ادنی حرکت بی فایده صدور باید، طفل را نصیحت کند و عتاب نماید و به وسائط معقوله حتی زجر سانی جزئی اگر لازم باشد مجری دارد ولی ضرب و شتم ابداً جایز نیست زیرا بکلی اخلاق اطفال از ضرب و شتم مذموم گردد.^{۱۲۰} از جمله چالش های امر تعلیم و تربیت در آئین بهائی استحکام رشته های موّدت در اطفال و در عین حال تشویق و ترغیب آنان به حفظ نظم و انضباط در زندگی روزمره است. اینکه اطفال به امور و عاداتی خو گیرند که به رشد و تکامل بدنی، روحانی، ذهنی و اجتماعی ایشان بیانجامد، از مهمترین موازین تعلیم و تربیت در آئین بهائی به شمار می رود. اگر اطفال در سنین کودکی به حسن اخلاق و کسب فضائل تربیت شوند و به عادات نیکو خو گیرند، بدیهی است که نفع فضائل اخلاقی و عادات پسندیده عاید خود آنان خواهد گردید.

والدین باید شهامت آن را داشته باشند که گاه در صورت لزوم به خواسته های طفل پاسخ منفی دهند و تسلیم کج خلقی و بهانه گیری کودک نشوند. دیگر اینکه اطفال باید به نظم و ترتیب خو گیرند و رعایت حقوق دیگر اعضاء خانواده را بنمایند. مهم آن است که کودکان رفتاری را در پیش گیرند و عادت به روشی نمایند که برای تشکیل و تکمیل شخصیت شان در آینده مفید باشد. آداب و رفتار خوش به ویژه اگر در سنین کودکی و نوجوانی آموخته شوند و اطفال به آن عادت نمایند قطعاً به روند مزبور تسریع



انسان قادر شود در اثر تربیت روحانی و با پیروی از تعالیم پیامبران الهی، که از ایشان در آثار بهائی بنام آفتاب حقیقت نام برده می شود، «**جواهر معانی از معدن انسانی**» را در وجود خود کشف کند و «**جمع ناس در ظل تربیت آن آفتاب حقیقت تربیت گردند تا به این مقام و رتبه که در حقایق ایشان مستودع است مشرف و فائز شوند...**»^{۱۲۱} هرگاه انسان به معرفت حضرت پروردگار که آفریدگار اوست نایل آید و به زندگی خود مفهوم و معنا بخشد در این صورت از احکام و تعالیم الهی به جهت عشق به خالق پیروی نماید و هدف خود را در زندگی خدمت به هموع داند.

کشف استعداد و پرورش آن در اطفال
در کتب و آثار بهائی به تحصیل علوم و فنون اهمیت بسیار داده شده است. اطفال و نوجوانان را باید تشویق نمود تا متناسب با استعداد و تمایلیشان به تحصیل رشته ای از علوم پردازند. بدیهی است که حقّ تقدّم باید به آموختن رشته ای از هنرها (نگاه کنید به بخش: «نقش هنر در جوامع بهائی»)، حرف، صنایع یا علوم داده شود که مفید به حال خود دانش آموز و جامعه انسانی هر دو باشد. به فرمودهٔ حضرت بهاءالله:

«...و از علوم و فنون آنچه سبب منفعت و ترقی و ارتفاع مقام انسان است، اطفال به آن مشغول گردند تا راحهٔ فساد از عالم قطع شود...»^{۱۲۲}

پاسخگو گردند. باید به اطفال آموخت که این عشق سبب ایجاد توکل و اطمینان نسبت به خالق تعال و استحکام حسن اُمّیت و اطمینان در قلوب آنان است و اینکه در تمام مراحل زندگی می توانند امیدوار و متکی به الطاف و عنایات حضرت پروردگار باشند. برای ایجاد چنین احساسی در قلوب اطفال لازم است که والدین با عزیزان خود بطور مرتّب به دعا و مناجات نشینند و به مطالعه آثار مقدّسه دینی پردازند. والدین باید به نوباگان خود معانی دقیقه نرفته در آن آثار را تفهیم نمایند زیرا تنها در این صورت است که اطفال خواهند توانست خود به نفسه با خداوند تعال ارتباط قلبی برقرار سازند و به آن رابطه قوّت بخشند و از تقلید و تبعیّت چشم بسته دوری جویند و تدریجاً و مستقلاً به جستجوی حقیقت پردازند.

تربیت روحانی زمینهٔ مساعدی را در اطفال به وجود می آورد و آنان را با مهارت های لازم مجهز می سازد تا بتوانند پس از رسیدن به سن بلوغ مسؤولیت تکامل حیات روحانی خویش را خود به عهده گیرند (نگاه کنید به بخش: «راه هدف است»). هدف از روند مزبور این است که

اهمیت اشتغال به کار



از جمله تعالیم دیانت بهائی این است که همه افراد جامعه اعم از فقیر یا غنی باید به کسب حرفه‌ای پردازند و به امری از امور اشتغال ورزند. مهم طرز فکر و برخورد با مسأله کار است و نوع کار از اهمیت کمتری برخوردار است. به فرموده حضرت عبدالبهاء:

طبق بیان حضرت شوقی ربّانی، ولی امر آئین بهائی، کار «به نفسه دارای قدر و منزلتی مخصوص است... علی الخصوص وقتی با نیت خدمت همراه باشد، به موجب تعالیم حضرت بهاءالله، نوعی عبادت محسوب است.» دیگر آنکه کار دارای اهمیتی روحانی است و وسیله ای برای رشد استعدادهای معنوی در شخص و تقرب به درگاه الهی به شمار می رود. به همین جهت باید فقیر و غنی هر دو به شغل و حرفه ای اشتغال ورزند، چه آنکه دستمزدی برای آن کار دریافت شود یا آنکه آن کار جنبه افتخاری داشته باشد. هرگاه از این زاویه به کار نگریسته شود، مدیریت یک کارگاه تولیدی یا اداره فی المثل امور منزل هر دو می تواند از ارزش و اعتبار والائی برخوردار باشد.

تفاوت در کسب درآمد و ثروت در کتب و آثار بهائی مورد تصدیق و تأیید قرار گرفته است. در عین حال روی این نکته نیز تأکید شده است که افراط در جمع ثروت از طرف عده ای انگشت شمار در شرایطی که توده مردم در فقر به سر می برند بسیار ناپسند بوده و باید از آن جلوگیری به عمل

«...کسی که با کمال مهارت و از روی وجدان یک ورق کاغذ می سازد و برای اتقان آن تمام نیرویش را بکار می برد مثل این است که عبادت خدا می کند. خلاصه هرگونه کوشش و تلاشی که از طرف انسان با تمام قلب اجرا شود عبادت محسوب است به شرط اینکه منبعث از نوایای عالیه و به قصد خدمت به نوع انسانی باشد. عبادت آن است که به خدمت عالم انسانی پردازی و احتیاجات مردم را بر آری، همین خدمت عبادت است...»^{۱۳۳}

به موجب تعالیم حضرت بهاءالله، اهمیت کار برای انسان بیش از فقط کسب معاش برای گذران خود و خانواده است، اگرچه که کار به جهت چنین مقصدی نیز بسیار مهم و ضروری به نظر می رسد.

این تعالیم باید در کلیهٔ نظام های سالم اقتصادی راه یابد و با آن نظام ها قرین و عجین شود تا علاوه بر دیگر تلاش ها و چاره اندیشی ها به تعدیل ثروت و برقراری عدالت اجتماعی در جوامع بشری منجر گردد.

مسئولیت کمک به محتاجین و کسان بی بضاعت به عهدهٔ هر فرد از افراد جامعه نهاده شده است. اقدام به خدمات عام المنفعه و تأمین رفاه همنوع از جمله اموری است که از قدیم الایام در احکام و تعالیم همهٔ ادیان الهی منظور شده است. نیل به این هدف مستلزم آن است که فرد و اجتماع هر دو با بهره گیری از وسایل مفید و متناسب، اعم از مادی یا آموزشی، به یاری بی کسان بشتابند. حضرت بهاءالله طرق و سازمان هائی را پیش بینی فرموده است که بوسیلهٔ آنها بشود علل بی عدالتی و فقر مفرط را از میان برداشت.

آید. در آثار دیانت بهائی از مواسات به عنوان یکی از طرق تعدیل ثروت نام برده شده است. منظور از مواسات تقسیم اختیاری ثروت و سهم کردن کسان کم درآمد و فقیر در آن است. از دیگر وسایل تعدیل ثروت وضع مالیات های تصاعدی است. همچنین باید از فقر مفرط جلوگیری به عمل آید و نیازمندی های اولیهٔ انسان ها از طریق پرداخت دستمزد متناسب با هزینه های زندگی و کارآموزی در حرفهٔ مربوطه تأمین و تضمین گردد. بعلاوه **«اگر نفسی عاجز باشد یا به فقر شدید افتد و چاره ای نتواند، اغنیاء و وکلاء باید چیزی مبلغی در هر ماهی از برای او معین کنند تا با او گذران کنند...»** ۱۲۴

کسانی که زمام ادارهٔ جامعه را در دست دارند و اهل ثروت و مکتب مسؤل پرداخت مقرری و تأمین نیازمندی های اولیهٔ افراد بی بضاعت خواهند بود.

رفاه مادی

حضرت بهاءالله به ما تعلیم می دهد که انسان باید در رفاه زیست نماید. آن حضرت ریاضت، درویش مسلکی و گوشه نشینی را منع فرموده است. ثروت و غنای مادی ناپایدار است، حیف است که انسان خود را اسیر آن نماید. مادیات انسان را هرگز به خوشبختی واقعی نرسانند. ملک و مال تا آنجا مفید و قابل استفاده است که موجب جدائی بین انسان و آفریدگار او نشود. به فرمودهٔ حضرت بهاءالله: **«إِنَّ الَّذِي لِن يَمْنَعُهُ شَيْءٌ عَنِ اللَّهِ لَا بَأْسَ عَلَيْهِ لَوْ يَزِينُ نَفْسَهُ بِحُللِ الْأَرْضِ وَ زِينَتِهَا وَ مَا خَلَقَ فِيهَا.»** ۱۲۵، بدین مضمون که اگر چیزی مانع از توجه کسی به خداوند نشود، باکی نیست اگر آن شخص خود را به پوشش های گرانها و همهٔ زینت های جهان بیارید.

صیام، ایامی برای تفکر و دعا و تجدید قوای روحانی

قوت و طراوت بخشد. بنا براین حقیقت و مقصد صیام اصولاً امری است روحانی.»^{۱۲۶} اگرچه در آثار بهائی روی منافع صیام برای حفظ تندرستی جسمانی نیز تأکید شده است ولیکن صیام بهائی را نباید تنها با امساک از تناول غذا و آشامیدنی به جهت نیل به تندرستی اشتباه گرفت. ترتیب گرفتن روزه نزد بهائیان بدین صورت است که از طلوع تا غروب آفتاب از خوردن و آشامیدن خودداری می شود. بدیهی است که صبحانه و عصرانه باید هر دو از جهت مواد غذایی کافی و متناسب، تأمین نیازمندی های بدن را بنمایند.

ماه صیام برای بهائیان خصوصاً از آن جهت حائز اهمیت است که اهل فامیل یا دوستان و نزدیکان فرصت آن را می یابند تا گرد هم آیند و مشترکاً به دعا و مناجات پردازند. بسیاری کسانی که به مدد ایام صیام و گرفتن روزه بعضی عادات ناپسند مثل شرب دخان یا تغذیه نامتناسب را کنار می گذارند. برخی نیز از این فرصت استفاده می نمایند و با تفکر و تأمل در وجود خود آگاهانه به چالش می پردازند.

به موجب تعالیم بهائی کسانی که به علت ابتلا به بیماری به ضعف جسمانی مبتلا شده اند از گرفتن روزه معافند. همچنین اطفال و نوجوانان زیر پانزده سال تمام، سالخوردهگان بالای هفتاد، زنان باردار یا شیرده و بانوانی که دوران قاعدگی را طی می نمایند و کسانی که به مشاغل جسمانی سخت اشتغال دارند و افراد مسافر از گرفتن روزه معاف گردیده اند.

بهائیان در سال یکبار به مدت ۱۹ روز در ماه اسفند، برابر با دوم تا بیستم مارس، یعنی در آخرین ماه تقویم شان که هوانسبتاً معتدل است به گرفتن روزه می پردازند (نگاه کنید به بخش های: «تقویم بهائیان» و «اعیاد و ایام محرمه»). روز تحویل سال (معمولاً اول فروردین یا ۲۱ مارس) به عنوان پایان ایام صیام و عید نوروز باستانی هر دو جشن گرفته می شود. سال نو بهائیان در تمام نقاط جهان با روز اول بهار که اولین روز سال شمسی است آغاز می گردد.



در آثار بهائی روی این نکته تأکید شده است که صیام تنها امساک از غذای جسمانی نیست بلکه یک رمز و تذکر است، بدین معنی که «ایام صیام... اساساً دوره ای است برای تفکر و دعا و تجدید قوای روحانی، دوره ای که شخص مؤمن باید بکوشد تا صفای باطن که لازمه حیات معنوی است در او حاصل شود و نیروهای روحانی را که در ذاتش نهفته است

تندرستی

سالم زیستن

در کتب و تعلیم بهائیان روی اهمیت سلامتی، چه از جهت جسمانی، روانی یا روحی، تأکید بسیار گردیده است. حصول صحت و سلامت از جهات نامبرده به رشد فردی و مشارکت سازنده در پیشبرد مقاصد اجتماعی کمک می نماید. آثار بهائی حاوی دستورات متعددی برای تغذیهٔ بخردانه و متعادل، حرکت و فعالیت بدنی، استراحت، نظافت و طهارت می باشند. در عین حال روی سلامت روان، فی المثل از طریق برگزاری نماز و روزه و خواندن دعا و مناجات تأکید بسیار شده است.

از جمله تعلیم حضرت بهاءالله اجتناب از استعمال هر نوع مشروبات الکلی و مواد مخدر است. به فرمودهٔ آن حضرت: «لیس للعافل ان یشرب ما یدهب به العقل»^{۱۲۷}، بدین مضمون که جایز نیست بر شخص عاقل که از آن چیزی که خرد او را زائل سازد بیاشامد. مقصود از این بیان نه تنها اجتناب از استعمال گزاف مشروبات الکلی و مواد مخدر است که مصرف مفرط آنها به اموری مثل تمایل به اعمال جبر، تصادفات رانندگی و اعتیاد مزمن منجر می شود، بلکه مقصود انصراف کامل و بدون قید و شرط از استعمال مسکرات است تا از بروز همهٔ آن مشکلاتی که سبب اصلی آنها مصرف هر نوع از مسکرات و مواد مخدر است جلوگیری به عمل آید. بدیهی است مصرف مشروبات الکلی چنانچه به تجویز پزشک ضروری تشخیص داده شود، از قاعده فوق مستثنی خواهد بود.

درمان بیماری

به اعتقاد بهائیان، درد و رنج و بیماری اموری اجتناب ناپذیرند و جزئی از وجود آدمی و ملازم انسان در طول حیات به شمار می روند. فرد بیمار باید به پزشک حاذق، یعنی کسانی که تحصیل علوم پزشکی نموده و متخصص در تشخیص و درمان بیماری باشند، رجوع نماید. حضرت بهاءالله رجوع به پزشک حاذق را در مورد بروز بیماری تأکید فرموده اند به این عبارت که «اذا مرضتم ارجعوا الی الحدّاق من الاطباء»^{۱۲۸} مضمون این بیان به فارسی چنین است که هر وقت مریض شدید، به حاذق ترین و ماهرترین اطباء رجوع کنید. در آثار بهائی توصیه ویژه ای برای معالجه در جهت یا مکتب خاصی از رشته های پزشکی به عمل نیامده است. از آنجا که بیماری ممکن است دارای علل جسمانی، روانی یا روحی باشد، لازم است که روش های مختلفی نیز برای درمان بیماری به کار گرفته شوند. درمان با انواع دارو باید با اتکاء به آخرین شناخت ها و تازه ترین پژوهش ها در علم پزشکی صورت گیرد. به پزشک بهائی توصیه شده است که پیش از شروع به درمان از خداوند متعال برای بیمار خود طلب شفا نماید و برای بهبودی او دعا کند. به اعتقاد بهائیان طلب شفا بواسطه خواندن دعا و مناجات منافی درمان با دارو و دیگر ابزار پزشکی نبوده، بلکه باید آن را به عنوان عنصری مکمل و در عین حال لازم به شمار آورد.

راه هدف است

در انسان سبب می شود، به تشدید رابطه انسان با آفریننده یکتا کمک می کند و او را قادر به فهم و درک هر چه بیشتر منظور و هدف از زندگی می نماید. بنا به آثار دیانت بهائی اتخاذ چنین طریقی در زندگی به رضایت درون و شغف و سرور آدمی منجر می شود.

کشف استعدادها و تقویت قوای معنوی

بنا به اعتقاد بهائیان کشف استعدادهای معنوی و تقویت قوای درونی از دو طریق که مکمل یکدیگرند امکان پذیر است. طریق اول همانا غذای روحانی است که باید به میزان کافی از آن بهره گرفت. همانگونه که جسم انسان برای ادامه حیات نیاز به غذای مادی دارد، به همان ترتیب نیز روح انسان روزانه برای شکوفائی محتاج به غذای روحانی است.

طریق دوم عبارت از کار و فعالیت است. فی المثل اگر نفسی غذای کافی میل کند و انرژی حاصله از مواد غذایی را صرف حرکت و فعالیت ننماید، بدیهی است که بیمار خواهد شد. به همین ترتیب

هیچ انسانی کامل نیست، لکن در هر انسانی استعداد هائی بالقوه و منحصر به فرد به ودیعه گذارده شده است. به اعتقاد بهائیان اینکه انسان اکنون در کدام مرحله از تکامل است از اهمیت کمتری برخوردار است. مهم آن است که آدمی بطور مداوم و جدی در شکوفائی استعدادهای نهفته خود کوشد و مستمراً در راه تکامل خویش گام بردارد.

بهائی بودن یعنی فرآیندی ممتد در جهت تقلیب و تحوّل درون

هیچ فرد بهائی، صرف نظر از طول زمان عضویت در جامعه بهائی، نمی تواند مدعی تحقّق همه احکام و تعلیم این دیانت در وجود خود شود (نگاه کنید به بخش: «عضویت در جامعه بهائی»). ایمان و اعتقاد به آئین بهائی به معنی تصمیم آگاهانه برای فرآیندی است که هدفش تغییر و تحوّل درون است. این فرآیند، تقویت قوای روحانی را



اراده و عزم راسخ

حضرت بهاءالله می فرماید:

«آفرینندهٔ یکتا مردم را یسکان آفریده و او را بر همهٔ آفریدگان بزرگی داده پس بلندی و پستی و ویشی و کمی بسته به کوشش اوست، هر که بیشتر کوشد بیشتر رود.» ۱۳۰

رشد استعدادها و تکامل قوای درونی بستگی به اراده و عزم راسخ خود شخص دارد. به فرمودهٔ حضرت بهاءالله: **«...و لکن یظهر کل ذلک بإرادات أنفسکم كما أنتم فی أعمالکم تشهدون.»** ۱۳۱

مضمون این بیان به فارسی چنین است که و لکن همهٔ اینها [یعنی همهٔ این استعدادها و قوای درونی و خدادادی] به میل و ارادهٔ خود شما به ظهور می رسد، کما اینکه اعمال شما بر این حقیقت گواهی می دهند.

توکل به تأییدات الهیه

منبع تأمین نیروی لازم برای کسب کمالات معنوی و ارزش های اخلاقی و توسعه و پیشرفت در شؤون زندگی همانا ایمان و اعتقاد و توکل به تأییدات الهیه است. هرگاه انسان توجه خود را متمرکز در قوای غیبی و تأییدات الهی و جمال و کمال جهان آفرینش نماید و به تأییدات الهی متکی و امیدوار باشد و متذکر به این حقیقت که

نیز انرژی حاصله از غذای روحانی که از طریق خواندن دعا و مناجات و غور و تأمل در آثار مقدسه کسب می شود، باید به مصرف عمل و اقدام برسد تا تعادل لازم در انسان به وجود آید. به فرمودهٔ حضرت بهاءالله: **«رأس الایمان، هو التقلیل فی القول والتکثیر فی العمل.»** ۱۲۹

مضمون این بیان آنکه جوهر و چکیدهٔ ایمان عبارت از کاستن از گفتار و افزودن به کردار است. منظور این است که انسان در حرف زدن به قلیل اکتفا ننماید و بالعکس تا سرحد امکان بر عمل و اقدام بیفزاید.

حضرت بهاءالله از فرد فرد پیروان خود می خواهد تا در زندگی روزمره و در بین اعضاء خانواده، بین دوستان، در محل کار و یا در اجتماع بطور کلی به حسن سلوک و رفتار ممتاز و مشتهر گردند. هرگاه طریق روحانی با گام های عملی پیموده شود، فرصت های مناسبی برای تقلیب درون بوجود خواهد آمد. مثلاً می توان در محل کار به تمرین رفاقت، همکاری و همیاری پرداخت یا در زندگی زناشویی از خودخواهی و خودپسندی اجتناب نمود و در رفاه و خوشبختی همسر کوشید.





او تنها بخش کوچکی از آن جهان است، آنگاه از ضعف خود در برابر جهان خلقت مأیوس نشود و راحت تر به عدم توانایی خود در قبال زیبایی و عظمت دنیای آفرینش اقرار و اعتراف نماید. در عین حال انگیزهٔ انسان برای فائق آمدن بر موانع و دشواری‌ها افزایش یابد و سعی بیشتری در شکوفائی قابلیت‌های خود به عمل آورد. به فرمودهٔ حضرت بهاءالله:

«لَا تَطْمَئِنُّوا بِقَدْرِ تَكْمَلِكُمْ وَعَسَا كَرِيمٌ وَخَرَانِكُمْ؛ فَاطْمَئِنُّوا بِاللَّهِ بَارِكُمْ ثُمَّ اسْتَنْصِرُوا بِهِ فِي أُمُورِكُمْ وَ مَا النَّصْرُ إِلَّا مِنَ عِنْدِهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ بِجُنُودِ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ.» ۱۳۳

مضمون این بیان به فارسی چنین است که از قدرتتان و سربازانتان و موجودی خزاننتان مطمئن نباشید، بلکه مطمئن باشید از خداوند که آفریدگار شما است و در امورتان از او یاری طلبید، چه که پیروزی فقط از جانب پروردگار است، با سپاهیان آسمان و زمین، به هر کس که بخواهد کمک می‌کند.

مسائل و مشکلات، ابزاری برای رشد قوای درون

حضرت بهاءالله به ما می‌آموزد که مواجه شدن با مسائل و مشکلات به ابزاری جهت تکامل قوای درون مبدل خواهد شد. چنانچه انسان در زمان

گرفتاری سعی در یافتن راه حل برای رفع مشکل نماید، این تلاش خود به ترک برخی عادات مضره منجر خواهد شد و به اصلاح بعضی نکات ضعف در وجود آدمی خواهد انجامید. شناخت این حقیقت که در هر نوع رنجی فرصتی نهفته است انسان را در فرآیند آموزشی یاری می‌دهد تا بتواند با بهره‌گیری از آن فرصت آسان‌تر و آگاهانه‌تر به رفع مشکل پرداخت و بر درد و رنج فائق آید. به بیان حضرت شوقی ربانی، ولی امر دیانت بهائی:

«نظر ما باید همیشه معطوف به آینده باشد و کوشش کنیم آنچه را که در گذشته از آن غفلت نموده ایم در آینده به جبران آن پردازیم. عدم توفیق در امور، مواجه شدن با امتحانات یا گرفتاری‌ها، اگر به درستی از آنها درس عبرت بگیریم، به ابزاری برای تصفیهٔ روح و وسیله‌ای برای تقویت سرشت ما مبدل خواهند شد.» ۱۳۳

ساختار نظم اداری در تشکیلات بهائی

حکم مشاور تشکیلات انتخابی و افراد جامعه انجام وظیفه می نمایند. بیت العدل اعظم که مقرر آن در شهر حيفا در کشور اسرائیل است بالاترین مرجع تشکیلات اداری جامعه بهائی است.

الف - محافل روحانی

در هر جامعه بهائی همه ساله ۹ نفر از افراد آن جامعه به طریق دموکراتیک به منظور تشکیل هیأتی بنام «محفل روحانی» انتخاب می شوند. محفل روحانی مسؤول اداره امور جامعه منتخب خود است. بدیهی است که درجه و مقام اجتماعی اعضای محفل روحانی با دیگر افراد آن جامعه یکسان بوده و افراد منتخب هیچگونه مزیتی بر منتخبین خود نخواهند داشت. مسؤولیت اداره جوامع محلی به عهده محافل روحانی محلی و جوامع ملی به عهده محافل روحانی ملی که آن نیز به طریق یاد شده از طرف بهائیان یک کشور انتخاب می شود و اگذار شده است. بیت العدل اعظم هر پنج سال یکبار از طرف اعضای محافل روحانی ملی انتخاب می شود. هم اکنون تعداد بیش از ۱۸۰ محفل روحانی ملی در سرتاسر گیتی به فعالیت اشتغال دارند. محافل روحانی، اعم از محلی یا ملی، در امور مربوط به جامعه خود مشورت نموده، اتخاذ تصمیم می نمایند. هر چند که برای اخذ تصمیم برتری بر اتفاق آراء است و لکن اکثریت ساده نیز کفایت می نماید (نگاه کنید به بخش: «مشورت در آئین

شالوده ساختار نظم اداری تشکیلات بهائی را، که الگویی بکلی بدیع برای اداره جامعه است، خود حضرت بهاء الله به شخصه پی ریزی فرمود. تشکیلات بهائی فاقد طبقه روحانی حرفه ای است و در آن کسی را برای احراز قدرت فردی راهی نیست. نظم اداری جامعه بهائی بر دو ستون استوار است که با تشریک مساعی یکدیگر اداره تشکیلات بهائی را به عهده دارند. یکی از این دو ستون هیأت هائی هستند به نام «محفل روحانی» که اعضای آنها همه ساله به طریق دموکراتیک از طرف افراد جامعه که به سن بیست و یک سال تمام رسیده اند، انتخاب می شوند. محافل روحانی در سطوح محلی و ملی مسؤول اداره امور جامعه بهائی می باشند. ستون دیگر عبارت از هیأت هائی انتصابی است متشکل از افرادی مبرز و شایسته که به نام «مشاور» در سطوح قاره ای و بین المللی و در



بهائی»). بین محافل روحانی و اعضای جامعه بهائی از طریق جلسات که بطور منظم تشکیل می شود مداوماً مشاوره و تبادل نظر به عمل می آید (نگاه کنید به بخش: «ضیافت ۱۹ روزه»).

هیأت های انتخابی در جامعه بهائی عبارتند از:

بیت العدل اعظم
محافل روحانی ملی
محافل روحانی محلی

ب - مؤسسه مشاورین

این مؤسسه که هیأتی انتصابی است در حکم مشاور تشکیلات انتخابی، یعنی محافل روحانی، انجام وظیفه می نماید و مکمل این تشکیلات به شمار می رود. مشاورین در سطوح قاره ای و بین المللی از طرف بیت العدل اعظم که بالاترین مرجع تشکیلات اداری جامعه جهانی بهائی است به این سمت منصوب می شوند و به نوبه خود در سطح منطقه ای اقدام به انتصاب هیأت های به نام «معاونین» می نمایند که ایشان نیز افرادی را به نام «مساعد» برای خدمت در سطوح محلی انتخاب می کنند. مدت خدمت مشاورین، معاونین و مساعدين محدود به زمانی معین است. مسؤولیت حفظ و صیانت جامعه و گسترش تعلیم آئین بهائی به عهده هیأت های مشاورین و محافل روحانی هر دو نهاده شده است. در حالی که بیت العدل اعظم و محافل روحانی محلی و ملی تشکیلاتی هستند که در امور مختلفه مشاوره نموده و به عنوان هیأت

های مقننه و مجریه در جامعه بهائی به خدمت می پردازند، مؤسسه مشاورین و معاونین شان فاقد چنین اختیاراتی هستند. ایشان موظفند منفرداً با محافل روحانی، جوامع بهائی و فرد فرد بهائیان به مشاوره نشسته و آنان را تشویق نمایند و به آنان کمک کنند تا به افزایش سطح دانش و پیشبرد معنویات در حیات فردی و اجتماعی خود پردازند. ایشان همچنین «... موظفند افراد متشکل در یک جامعه بهائی را تشویق نمایند و با اتخاذ تدابیر لازم پیش برد ابتکارات شخصی، تنوع اقدامات و آزادی عمل افراد جامعه را موجب شوند.»^{۱۳۴}



انتخابات بهائی

انتخابات بهائی را باید یک وظیفه روحانی به شمار آورد. هر فرد بهائی که به سن ۲۱ سال تمام رسیده

باشد، می تواند انتخاب کند و انتخاب شود. در انتخابات بهائی کاندید کردن یا تبلیغات انتخاباتی مرسوم نیست. هدف از عضویت در تشکیلات بهائی احراز مقام به جهت اعمال قدرت نبوده، بلکه هدف عبارت از این است که فرد منتخب در کمال خضوع و خشوع به خدمت خداوند و عباد او پردازد. از همین لحاظ است که باید «نفوس مؤمنه، مخلصه، مجربه، مقدره، مستعدده که قابل عضویتند»^{۱۳۵} را انتخاب نمود.

است به اظهار نظر خواهند پرداخت. ناگفته پیداست که اعضاء شور مؤلفند تنها به جهت یافتن حقیقت به اظهار نظر و ارائه رأی پردازند و از اصرار و پافشاری روی عقیده خود احتراز نمایند. در عین حال بایستی از هر جهت رعایت ادب، صبر و اعتدال را بنمایند (نگاه کنید به بخش: «نحوه مشاوره در تشکیلات بهائی»). در خاتمه و پس از شور کافی تصمیم لازم اتخاذ خواهد شد.

حضرت عبدالبهاء در وظایف اصحاب شور چنین فرموده اند:

«اعضاء [محلل روحانی] باید به نحوی به مشاوره پردازند که هیچ گونه انگیزه ای برای ایجاد کدورت یا نفاق بین آنها بوجود نیاید. نیل به چنین مقصدی هنگامی میسر است که هر یک از اعضاء بتواند در نهایت آزادی نظر خود را ابراز دارد و به اقامه دلیل پردازد. چنانچه نظرات یک عضو با مخالفت عضو دیگر مواجه شود، این مخالفت به رنجش عضو ارائه دهنده نظر یا پیشنهاد نیانجامد. بدیهی است حصول نتیجه مطلوب هنگامی میسر است که درباره موضوع مورد مشاوره تا حد کافی تبادل نظر به عمل آمده باشد زیرا تنها در این صورت است که نتیجه مطلوب حاصل شود و طریق صواب خود را بنمایاند.»^{۱۳۶}

برای اینکه تصمیم اتخاذ شده به نحوی مؤثر به مرحله اجرا درآید باید آن تصمیم برای همه اعضاء الزام آور تلقی شود و از حمایت همه

هر فرد بهائی موظف است در طول سال، فی المثل با شرکت در جلسات و یا ضیافت نوزده روزه (نگاه کنید به بخش: «ضیافت نوزده روزه») خود به شخصه و بدون اینکه تحت تأثیر رأی دیگری قرار گرفته باشد، به مطالعه پردازد و فردی را که واجد شرایط فوق باشد در نظر گیرد. برنامه ای که برای اجرای مراسم انتخابات بهائی تدوین می شود همیشه با تلاوت دعا و مناجات آغاز می گردد. دادن رأی به طریق مخفی صورت می گیرد. انتخابات بهائی تا آن اندازه سری است که اعضای یک خانواده هم از اینکه کدام عضو به چه فردی رأی داده است مطلع نخواهند شد.

نحوه مشاوره در تشکیلات بهائی

نحوه کار در محافل روحانی و دیگر تشکیلات بهائی بر اساس مشاوره طبق روشی که در نظامات بهائی مرسوم است مبتنی است. هدف از این نوع مشاوره یافتن بهترین راه حل برای مسائل و موضوعات مورد بحث است.

شور در یک تشکیل بهائی ابتدا با تلاوت مناجات به جهت ایجاد فضائی روحانی و طلب تأیید از درگاه ایزد متعال آغاز می گردد. پس از آن به شکافتن مسأله یا موضوع مورد نظر پرداخته می شود و برای روشن شدن حقیقت تعریف جامعی از چگونگی موضوع به عمل می آید. چون مسأله مورد بحث برای همه مشورت کنندگان شکافته شد، آنگاه همه اعضاء آزدانه و بطور جامع و با انکاء به آنچه در منابع و آثار بهائی راجع به موضوع مورد شور مذکور و مندرج



محفل روحانی ملی سوئیس در سال ۲۰۰۳م

اعضاء برخوردار گردد و مطابق آن عمل شود. مهم رعایت اصل اتحاد و اتفاق در بین مشورت کنندگان است. چنانچه معلوم شود که تصمیمی به غلط اتخاذ شده است، با اتحاد و اتفاق سریعتر به اصلاح و تجدید نظر در آن قادر توانند شد.

برخی از ویژگی های نظم اداری در تشکیلات بهائی

- اداره امور یک جامعه بهائی، یعنی اختیار اخذ تصمیم در جمع مسائل مشترک آن جامعه، به اختیار محافل روحانی و نه افراد واگذار شده است که از طریق مشاوره به اتخاذ تصمیم مبادرت می ورزند. وظیفه مشاورین و معاونین مساعدت به محافل روحانی و فرد بهائیان و تشویق ایشان و دادن توصیه های لازم جهت برگزیدن طریق صواب در امور جامعه است،
- جامعه بهائی فاقد کشیش یا روحانی حرفه ای و یا مشاغلی شبیه به آن است،
- بهائیان از تبیین آیات نازله حضرت بهاء الله و تحمیل فهم و درک خود به دیگران منع شده اند. هر فرد بهائی موظف است خود به شخصه به مطالعه کتب و آثار دینی پردازد و به معانی مودعه در آن آثار پی برد. تبادل نظر پیرامون برداشت های شخصی به منظور پیشبرد دانش فردی بسیار پسندیده است،
- ابتکارات مستقل فردی یا دسته جمعی، همچنین ایجاد تنوع در امور اجتماعی، فرهنگی و هنری که به خلق و نوآوری انجامد از جمله ویژگی های یک جامعه بهائی به شمار می رود که از آنها تشویق و حمایت به عمل می آید،
- بیت العدل اعظم علاوه بر رهبری و اداره جامعه جهانی بهائی، می تواند در مورد مسائلی که در آثار بهائی هنوز دستور یا حکم خاصی برای آن پیش بینی نشده است، بر اساس تعالیم بهائی به وضع قوانینی مبادرت ورزد. بدیهی است که تغییر یا فسخ آن قوانین نیز از اختیارات بیت العدل اعظم محسوب است. اختیار وضع قوانین متناسب با نیازمندی های زمان و اکنش متناسب جامعه بهائی را با تحولات و نیازمندی های زمان ممکن می سازد،
- خطوط اصلی نظم اداری تشکیلات بهائی را، برخلاف روال مرسوم در ادیان سلف، خود بنیانگذار این آئین به شخصه وضع و مقرر فرموده است. از این جهت است که بهائیان تشکیلات اداری آئینشان را نه تنها سیستمی خردمندانه می دانند، بلکه آن را نظامی با منشأ الهی برای تأمین رفاه و سعادت جامعه بشری به شمار می آورند.

انواع فعالیت های یک جامعه محلی بهائی

جلسات برای همگان، اعم از بهائی و غیر بهائی، آزاد است. گاه جلسات دعا بطور خصوصی و تنها برای اعضاء فامیل، دوستان و آشنایان برگزار می شود و گاه از اماکن یا سالن های عمومی برای این منظور استفاده به عمل می آید تا افراد بیشتری بتوانند در آن جلسات شرکت نمایند. هدف از برگزاری جلسات دعا و مناجات، که در آن ادعیه و آیات مقدسه از دیگر ادیان الهی نیز تلاوت می شود و بعضاً از نوای موسیقی هم استفاده به عمل می آید، پیشبرد رشد روحانی فرد و اجتماع است.



کلاس های مخصوص کودکان و نوجوانان

تربیت اطفال و نوجوانان در جوامع بهائی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در کلاس هایی که به همین منظور تشکیل می شود، به کودکان ارزش های اخلاقی، تاریخ و تعالیم ادیان بزرگ تعلیم داده می شود. اطفال و سرپرست آنان متفقاً مواد درسی را انتخاب می نمایند. توجه سرپرست به ویژه معطوف بر این نکته است که اطفال برداشتی مستقل

آئین بهائی دارای بیروانی در بیش از ۲۰۰۰ قوم و نژاد مختلف در متجاوز از ۱۹۰ کشور جهان است. نوع فعالیت جوامع محلی بهائی از همین لحاظ بسیار متنوع است. مثلاً چگونگی فعالیت های یک جامعه بهائی در یک دهکده کوچک در کشور مالزی را نمی توان با آنچه در جوامع بزرگتر بهائی مثل شیکاگو، مسکو یا کلکته می گذرد با هم مقایسه نمود. هر جامعه دارای نیاز مندی ها و چالش های مخصوص به خود است و هر کدام در تلاش است تا در فرآیند آموزشی به نکات ضعف و توانائی های خود پی برد و فرا گیرد که چگونه می توان طریق تکامل را پیمود. در حقیقت هر جامعه بهائی روند تکاملی خاص خود را می پیماید. با این حال وجه مشترک همه جوامع بهائی در این است که تعالیم آئین شان را در زندگی روزمره به کار بندند و برخی فعالیت های بنیادی را که به حیات اجتماعی شان مربوط می شود به مرحله اجرا و عمل در آورند. برگزاری جلساتی به نام ضیافت که به طور مرتب هر نوزده روز یکبار تشکیل می شود، اساس همه فعالیت های اجتماعی جوامع بهائی را تشکیل می دهد. (نگاه کنید به بخش: «ضيافات نوزده روزه»).

جلسات دعا و مناجات

بسیاری از جوامع بهائی به تشکیل جلسات دعا و مناجات مبادرت می ورزند. شرکت در این



در حکم قوه محرکه ای برای افزایش اشتیاق افراد به جهت رشد و الهام بخش ایشان در زندگی روزمره به شمار آورد. شرکت کنندگان دوره های آموزشی بهائی این فرصت را می یابند که استعدادهای بالقوه خود را توسعه بخشند و موضوعات مختلفی را بطور دسته جمعی بر اساس آثار دیانت بهائی مورد بحث و مذاقه قرار دهند. در اینجا نیز اجرای رشته های مختلف هنری به غنای برنامه آموزشی خواهد افزود.

پروژه های اجتماعی

به مجرد اینکه یک جامعه بهائی از منابع انسانی کافی برخوردار گردید، دست به اجرای پروژه های اجتماعی از قبیل خدمات عام المنفعه، تأسیس کودکانستان، مدرسه یا حتی دانشگاه خواهد زد. برخی از جوامع بهائی ایستگاه های رادیویی تأسیس نموده اند. در این ایستگاه ها برنامه های خبری و آموزنده و آنچه به دانش و بینش شنونده بیفزاید پخش می شود. برخی از جوامع بهائی نیز در فعالیت هایی که جنبه تفاهم بین ملل دارند مشارکت می نمایند (نگاه کنید به بخش: «توسعه اجتماعی و اقتصادی»).

از آنچه فرامی گیرند حاصل نمایند، خوش اخلاق و خوش رفتار بار آیند، صدیق، مهربان، عادل و مددکار یکدیگر باشند. اجرای رشته های مختلف هنری مثل آواز، نمایشنامه، رقص یا داستان های تاریخی به غنای برنامه درسی می افزاید. تلاوت دعا و مناجات بخش دیگری از برنامه کلاس های کودکان و نوجوانان را تشکیل می دهد. نوجوانان سنین ۱۲ تا ۱۵ نیازهای مخصوص به خود را دارند. در چنین سنین حساسی بسیار مهم است که به رشد اجتماعی، فکری، معنوی و اخلاقی نوجوانان توجه ویژه معطوف شود. این است که دوره هایی مخصوص نوجوانان برای تأمین همین منظور تشکیل می شود. شرکت در کلاس ها و دوره های نامبرده برای اطفال و نوجوانان از هر دین یا عقیدتی آزاد است. گاه همزمان با تشکیل این کلاس ها، برای بزرگسالان نیز جلساتی ترتیب داده می شود و خطابه هایی فی المثل درباره تعلیم و تربیت کودکان عرضه می گردد.

دوره های آموزشی

شرکت در دوره های آموزشی بهائی نیز برای همگان آزاد است. برگزاری این دوره ها را باید

ضیافت نوزده روزه

نمایند و وحدت جامعه را استحکام بخشند. در بخش اداری، محفل روحانی محلّ ابتدا گزارش اقدامات، فعالیت ها و برنامه های خود را به اطلاع بهائیان حاضر در جلسه می رساند. آنگاه حاضرین به شور در مورد آن اقدامات و برنامه ها می پردازند و نظرات و پیشنهادات خود را بر اساس نظامی که نزد بهائیان در مورد وظایف مشورت کنندگان مرسوم و متداول است ارائه می نمایند (نگاه کنید به بخش های: «ساختار نظم اداری در تشکیلات بهائی» و «مشورت در تشکیلات بهائی»). از جمله ویژگی های مشورت در تشکیلات بهائی یکی این است که همه، حتی کودکان، نوجوانان و جوانان نیز به شرکت در جریان شور تشویق می شوند تا آزادانه نظرات و پیشنهادات خود را ارائه نمایند و حتی از انتقاد سازنده و مثبت درباره آنچه در آن جامعه می گذرد دریغ نورزند. از همین طریق است که در همه سطوح حیات جامعه امکان پیشرفت و نوآوری فراهم می گردد. نظرات و پیشنهاداتی که در ضیافت نوزده روزه یک محلّ ارائه و به شور گذشته می شوند خود نموداری از حیات جامعه بهائی آن محلّ بوده و چه بسا که از طریق محفل روحانی محلی به تشکیلات ملی و حتی بین المللی بهائی تقدیم می گردند که احتمالاً به مورد اجرا و عمل در خواهند آمد. بدین ترتیب اثر متقابل سهم فرد و توان جامعه عملاً روشن می گردد و وحدت و یکپارچگی جامعه بهائی حفظ و تقویت می شود.

ضیافت نوزده روزه هسته مرکزی حیات اجتماعی بهائیان را تشکیل می دهد. این ضیافت هر ماه بهائی (هر نوزده روز) یکبار جشن گرفته می شود (نگاه کنید به بخش های: «تقویم بهائیان» و «اعیاد و ایام محرمه»). برنامه ضیافت نوزده روزه از سه بخش تشکیل می شود که عبارتند از:

- بخش روحانی: خواندن دعا و مناجات و تلاوت آثار مقدّسه،
- بخش اداری: شور در امور مختلف جامعه بهائی،
- بخش اجتماعی: قسمت میهمانی، وجد و سرور

ضیافت نوزده روزه، الگویی برای حیات اجتماعی

به اعتقاد بهائیان ضیافت نوزده روزه الگویی برای حیات اجتماعی انسان بشمار می رود، چه که در آن همه جنبه های حیات انسانی را می توان یافت: دعا و مناجات، مشورت، مصاحبت و معاشرت با یکدیگر در کمال صلح و صفا، اینها همه عناصری هستند که یکجا در خدمت عقل، قلب و روح انسانی قرار می گیرند. ضیافت نوزده روزه که به «عرصه تمرین دموکراسی» تعبیر شده و میدانی برای تبادل افکار و مشاوره بین اعضاء جامعه بهائی با محفل روحانی مسؤول به شمار می رود، بطور مرتّب به شرکت کنندگان این امکان را می دهد که بیشتر به روحیه هم آشنا شوند، به تشدید مراتب دوستی و محبّت اقدام

ضیافت نوزده روزه، سرچشمه وجد و سرور

طبق بیان حضرت عبدالبهاء:

«ضیافت نوزده روزه سرچشمه وجد و سرور است و انس اساس اتحاد و آفاق، کلید محبت و الفت است و موجد توسعه و انتشار وحدت در عالم انسان.» ۱۳۷

محتوای بخش های سه گانه ضیافت نوزده روزه را جوامع مختلف بهائی بنا به سلیقه خود و متناسب با تنوعی که در اعضاء آن جامعه وجود دارد شکل می دهند. مثلاً در بخش اجتماعی که همانا بخش میهمانی، وجد و سرور باشد، بسته به پیشینه فرهنگی بهائیان عضو آن جامعه و چگونگی روحیه و طبع آنان به میهمانداری و صرف شیرینی و خواندن اشعار و اجرای رقص وسیله کودکان پرداخته می شود یا اینکه ضمن معاشرت و آشنائی با یکدیگر تنها به صرف چای اکتفا می گردد. ضیافت نوزده روزه باید سرچشمه میهمان نوازی، محبت و الفت، وجد و سرور باشد. تصاویر زیر بخش های سه گانه ضیافت نوزده روزه را نشان می دهند.



نقش هنر در جوامع بهائی



حضرت بهاء‌الله موسیقی را به «مِرْقَاة»^{۱۳۹} که به معنی نردبان و پلکان است تشبیه می‌فرمایند که انسان با کمک آن روح را ارتقاء بخشد و بر درجات روحانی خویش افزایش یابد. در آثار بهائی درباره موسیقی از جمله چنین مذکور است:

«موسیقی غذای روح است. قوۀ موسیقی و ملاحظت آن سبب ترقی روح در وجود انسانی گردد. موسیقی در قلب اطفال تأثیر گذارد. قلب اطفال پاک است و نوای موسیقی آن قلوب را به حرکت آورد. استعدادهای نهفته در قلوب اطفال با شنیدن نوای موسیقی شکل گیرد و به عرصۀ شهود آید.»^{۱۴۰}

بخش عمده ای از برنامه اجتماعات بهائیان را عرضه انواع هنرها به عنوان مهمترین وسیله بیان احساسات انسانی، اعم از اینکه بصورت انفرادی یا جمعی عرضه شوند، تشکیل می‌دهد. بهائیان برای موسیقی، ادبیات ورشته‌های مختلف هنری مثل نقاشی، رقص و تأثر ارزش زیادی قائل اند. هنر بنا به اعتقاد ایشان سرچشمۀ نشاط، وحدت، صمیمیت و سرور است. به فرمودۀ حضرت عبدالبهاء:

«موسیقی از جمله مهمترین هنرها محسوب است و تأثیر شدید بر روح انسانی گذارد.»^{۱۳۸}



چگونگی تأمین منابع مالی در جوامع بهائی

ضیافات نوزده روزه (نگاه کنید به بخش: «ضیافات نوزده روزه») از میزان تبرّعات و مخارج جامعه خود مطلع می شوند.

در آئین بهائی سوای امر تبرّع به شرحی که مذکور افتاد، حکم دیگری بنام «حقوق الله» از جانب حضرت بهاء الله وضع شده است. وجوه حاصله از حقوق الله برای توسعه و تکامل جوامع بهائی و نیز برای تأمین رفاه جامعه انسانی به مصرف می رسد. میزان حقوق الله عبارت از نوزده درصد از پس انداز خالص که پس از وضع کلیه مخارج ضروری زندگی و تأدیه بدهی ها حاصل می شود، تعیین گردیده است. حضرت بهاء الله فرموده اند که هیچ کس حقّ مطالبه حقوق الله را نخواهد داشت؛ هر فرد بهائی خود مسؤول محاسبه و ادای حقوق خویش است که با میل و رغبت و با روحیه ای سرشار از وجد و سرور به پرداخت آن اقدام نماید. ادای حقوق الله در نظر بهائیان جالب تأییدات و جاذب برکات الهیه است. پرداخت حقوق الله معرفّ طرز فکر و برداشت روحانی یک فرد بهائی از یک اقدام مادی است و عملی است با منشأ روحانی که از حسّ مسؤولیت، ابتکار و عشق او به همنوع ناشی می شود. اجرای حکم حقوق الله این امکان را پدید می آورد که وجوه حاصله از این منبع برای استفاده عادلانه تر همه انسان ها به مصرف برسد و منابع مالی از کشورهای غنی به ممالک فقیر سرازیر گردد و به تدریج راه گشای تعدیل معیشت و تأمین عدالت اجتماعی در جوامع بشری گردد.

جوامع بهائی نیازمندی های مالی خود را از طریق تبرّعات اعضا، که بطور آزاد و دلخواه صورت می گیرد، تأمین می نمایند. هر نوع «اجبار، ولو اندک و غیر مستقیم»^{۱۴۱} مخالف معنی و مفهوم تبرّع است. میزان کمک مالی و اینکه شخص مایل به ادای آن است بستگی تام به اراده و تصمیم خود شخص دارد. هر نوع کمک مالی «ولو بسیار اندک»^{۱۴۲} مطبوع و مقبول است. مهمّ طرز فکر و نحوه برداشت شخص از امر تبرّع است و نه میزان آن و اینکه کمک از روی نهایت اخلاص و ارادت، سخاوتمندانه و توأم با فداکاری صورت گیرد. کاربرد تبرّعات از جهت اینکه صرف تأمین نیازهای مالی جامعه بهائی و فعالیت های متنوع آن می شود از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

جوامع بهائی برای استقلال مالی خود اهمیت زیادی قائلند. بعلاوه کمک های مالی تنها از بهائیان قبول می شود. اداره امور مالی جوامع بهائی به عهده تشکیلات انتخابی بهائی واگذار شده است. این تشکیلات منابع در اختیار خود را برای تأمین مقاصد چون اجرای پروژه های اجتماعی و اقتصادی و توسعه آنها، همچنین برگزاری احتفالات و اجتماعات، تعمیر و نگاهداری اماکن تاریخی و مخارج اداری خود تشکیلات بهائی به مصرف می رسانند (نگاه کنید به بخش های: «ساختار نظم اداری در تشکیلات بهائی» و «توسعه اجتماعی و اقتصادی»).

اعضای جوامع محلی بهائی بطور مرتّب و از طریق

مشارق اذکار بهائی

وحدت اساس ادیان و وحدت و جامعیت عالم انسانی. در قسمت فوقانی گنبد نقش اسم اعظم «یا بهاء الاهی»



بنای مشرق الاذکار قاره اروپا در شهر هوفهایم در کشور آلمان

مشارق اذکار در آئین بهائی اماکنی برای دعا و مناجات، تأمل و تفکر بشمار می روند. این معابد به جهت عبادت و ستایش و نیایش خداوند یکتا بنا می گردند. درهای مشارق اذکار، صرفنظر از دین، مذهب، جهان بینی، ملیت یا اصل و نسب بازدید کننده، به روی همگان باز است.

بنای مشارق اذکار مدور و دارای ۹ سمت و ۹ در ورودی و یک گنبد است. این درها که به همه جهات باز می شوند همراه با گنبد روی بنا نمادی از این دو تعلیم از تعالیم آئین بهائی است که عبارتند از:



بنای مشرق الاذکار آمریکای مرکزی در شهر پاناما



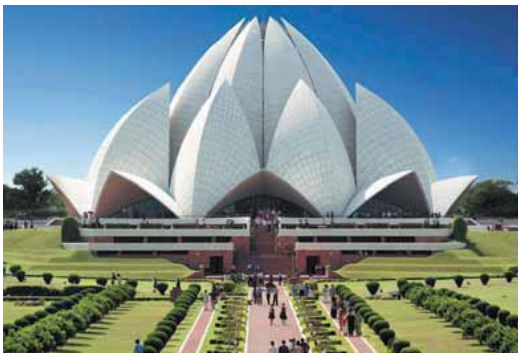
بنای مشرق الاذکار استرالیا در شهر سیدنی



مشرق الاذکار آفریقا در شهر کامپالا در کشور یوگاندا



مشرق الاذکار آسیا در ساموای غربی

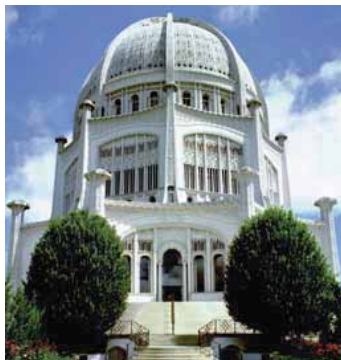


مشرق الاذکار شبه قاره هند در دهلی نو

نمودار یکتائی حقّ باری
 تعالی است. نمای دیواره
 داخلی مشارق اذکار
 بهائی بسیار ساده و فاقد
 هر نوع تجمّل است تا
 فضائی روحانی برای
 تمرکز حواس و تفکر و
 تأمل ایجاد شود. ۱۴۳
 در این معابد ادعیه و
 آیات از کتب و آثار
 مقدسه همه ادیان الهی با

هم اکنون در هر یک از قارات عالم حد اقل یک
 معبد بهائی بنا گردیده است. در آینده در کلیه نقاط
 عالم معابد بهائی تأسیس خواهد شد. در اطراف
 این معابد که در مرکز فضائی سبز مزین به انواع
 گلها و ریاحین بنا می شوند ساختمان های فرعی
 متعددی ایجاد خواهند شد که «به فعالیت های
اجتماعی، بشردوستی، تربیتی و علمی
اختصاص خواهند داشت.» ۱۴۴ در کتب و آثار
 بهائی چنین پیش بینی شده است که مشرق الاذکار
 و متعلقات آن چه از جهت مکانی و چه از نقطه نظر
 روحانی نقش هسته مرکزی جامعه ای را ایفا خواهند
 نمود که هدف از آن عشق و خدمت به هم نوع به
 لحاظ عشق به خدای یگانه است.

لحن خوش خواننده می شود. تبیین یا تفسیر آیات و
 موعظه به هر نوع و شکل و اتخاذ آدابی خاص برای
 عبادت ممنوع است.



بنای مشرق الاذکار ویلمت - شیکاگو در آمریکای شمالی

تقویم بهائیان

غیره می باشد. ۱۴۶ روز اول فروردین، بیست و یکم ماه مارس، که اول بهار و وقت رسیدن خورشید به برج حمل و روز اول سال نو شمسی است جشن نوروز برپا می شود. هفته مشتمل بر هفت روز است. روز از غروب آفتاب آغاز و تا غروب روز بعد ادامه می یابد.

عیاد و ایام محرّمه

تعداد ۹ روز از روزهای سال را ایام مقدّسه تشکیل می دهند. در این ۹ روز اشتغال به کار حرام اعلام شده است: «...باید کل به سرور و شادمانی پردازند و اجتماع کنند و محافل عمومی بپارایند و حکم یک انجمن حاصل کنند...» ۱۴۷ و به امور خیریه و عام المنفعه پردازند.

تاریخ نشان می دهد که هر یک از ادیان الهی مصدر نیروی فعاله و محرّک ای برای تغییرات بنیادی در جامعه انسانی بوده اند. فی المثل می توان ریشه تقویم های معمول نزد ملل مختلف را اغلب در تعالیم مذهبی آنان جستجو نمود. از جمله آغاز تاریخ در تقویم عبری نزد یهودیان مبتنی بر مندرجات سفر پیدایش در انجیل عهد عتیق، یعنی (۳۷۶۱ سال) پیش از میلاد مسیح، در تقویم گریگوری، میلاد حضرت مسیح و در تقویم معمول نزد مسلمین، هجرت حضرت رسول اکرم (ص) از مکه به مدینه (در سال ۶۲۲م) تعیین گردیده است.

آئین بهائی نیز دارای تقویم مخصوص به خود است. آغاز تقویم در تاریخ این دیانت سال ۱۸۴۴ میلادی، یعنی سالی است که حضرت باب، مبشّر به ظهور حضرت بهاء الله، اظهار امر نمود (نگاه کنید به بخش: «باب، بنیانگذار آئین بابی و مبشّر به ظهور بهاء الله»). تقویم بهائی مبتنی بر سال شمسی است. هر سال عبارت از نوزده ماه و هر ماه نوزده روز (جمعاً ۳۶۱ روز) تعیین گردیده است. برای تکمیل روزهای سال به ۳۶۵ روز بین ماه های هیجدهم و نوزدهم تعداد چهار و در سالهای کیسه پنج روز اضافه می شود. روزهای مزبور نزد بهائیان به «ایام هاء» موسوم است. ایام هاء «به ضیافت یاران و دادن هدیه ها و دستگیری فقرا و عبادت مرضی و غیره صرف می گردد.» ۱۴۵ به عبارت دیگر این ایام «مخصوص مهمان نوازی و اعطاء هدایا و

عیاد و ایام محرّمه بهائی عبارتند از:

نوروز (روز اول فصل بهار): ۲۱ مارس

عید رضوان (اظهار امر حضرت بهاء الله):

۲۱ و ۲۹ آوریل و دوم ماه مه (۱۸۶۳)

اظهار امر حضرت باب: ۲۳ ماه مه (۱۸۴۴)

صعود حضرت بهاء الله: ۲۹ ماه مه (۱۸۹۲)

شهادت حضرت باب: ۹ ژوئیه (۱۸۵۰)

مولود حضرت باب: ۲۰ اکتبر (۱۸۱۹)

مولود حضرت بهاء الله: ۱۲ نوامبر (۱۸۱۷)

نحوه گسترش دیانت بهائی در عالم

این است که شخص متقاضی حضرت بهاءالله را به عنوان پیامبر مبعوث برای این زمان تصدیق نماید. در این صورت آن شخص را می توان بهائی نامید. بدیهی است که در این مرحله از زمان نه ممکن است و نه اینکه می توان توقع داشت که شخص تازه تصدیق به همه تعالیم دیانت بهائی در زندگی روزمره خود عمل نماید (نگاه کنید به بخش: «راه هدف است»). واکنش ایمان به حضرت بهاءالله عبارت از تلاش مستمر و جدی در کسب و عمل به تعالیم این دیانت خواهد بود.

روش ثبت نام و عضویت در جامعه بهائی ممکن است در کشورهای مختلف متفاوت باشد. معمولاً

در بسیاری از کشورها تسجیل و عضویت شخص تازه تصدیق در جامعه بهائی کتباً به وی ابلاغ می گردد. عضو جدید از آن پس بطور جدی در همه بخش های حیات جامعه بهائی مشارکت خواهد نمود (نگاه کنید به بخش: «انواع فعالیت های یک جامعه محلی بهائی»).

از آنجا که دین امری شخصی است و ایمان و اعتقاد هر کسی به خودش مربوط است لذا بهائیان از امر به معروف و تحمیل عقاید خود به دیگران دوری می جویند. آنها تنها به معرفی دیانت خود اکتفا می نمایند تا دیگران با تعالیم این دیانت آشنا گردند و دعوی مؤسس آئین بهائی را مورد سنجش قرار دهند. هر کس این دعوی را بپذیرد، همان کس بهائی است و عضو این جامعه به حساب می آید

عضویت در جامعه بهائی

تشرّف به آئین بهائی، یعنی تصدیق و تسجیل، تابع رسم و آداب خاصی نیست. شرط اصلی عبارت از



جامعه بین المللی بهائی و روابط آن با سازمان ملل متحد

و تشکیلات تابعه سازمان ملل متحد به کار پرداخت.

در سال ۱۹۷۰ جامعه بهائی در شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد (ECOSOC) به مقام عضو مشاور ارتقاء یافت و در سال ۱۹۷۴ رسماً عضو وابسته برنامه حفاظت محیط زیست ملل متحد (UNEP) و در سال ۱۹۷۶ عضو مشاور صندوق کمک به کودکان «یونیسف» (UNICEF) گردید. جامعه جهانی بهائی همچنین در مقام مشاور با سازمان جهانی بهداشت (WHO) و صندوق کمک به توسعه امور زنان (UNIFEM) از نزدیک همکاری می نماید.

از جمله وظایف جامعه بین المللی بهائی پشتیبانی از بسیاری از برنامه های سازمان ملل متحد و شرکت در کنفرانس های مهم بین المللی و ارائه پیشنهادات

بهائیان از همان ابتدا در پیدایش سازمان ملل متحد سهم و شریک بوده اند. در سال ۱۹۴۵ یک هیأت نمایندگی از جانب جامعه بهائی در کنفرانس سانفرانسیسکو حضور یافت و در تهیه پیش نویس منشور سازمان ملل متحد مشارکت نمود. هنگامی که در سال ۱۹۴۸ پیش نویس اعلامیه جهانی حقوق بشر تهیه می شد، نمایندگان جامعه بهائی سندی را تحت عنوان «اعلامیه بهائی درباره تعهدات و حقوق انسان» (Human Obligations and Rights) که در آن رؤوس تعالیم و اصول عقاید بهائیان پیرامون امر مهم حقوق بشر به رشته تحریر درآمده بود، تسلیم سازمان جدیدالتأسیس ملل نمودند. جامعه بهائی ابتدا به عنوان ناظر در اداره اطلاعات عمومی و سپس به عنوان یک نهاد غیر دولتی (NGO) از طرف سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شد

و اعتبارنامه ای برای «جامعه بین المللی بهائی» (Bahá'í International Community) دریافت نمود. جامعه مزبور از همان بدایت دریافت اعتبارنامه در نقش عضو مشاور بسیاری از ارکان



و تقدیم بیانیته‌ها در رابطه با مسائل و مشکلات کنونی جامعه انسانی و همکاری با ارگان‌های دائمی آن سازمان، برای مثال با کمیسیون حقوق بشر، می‌باشد. جامعه مزبور در بیانیته‌های خود اقدام به ارائه پیشنهادات واقع‌بینانه پیرامون مسائلی چون حقوق بشر، مقام و موقع زنان در جامعه، نژادپرستی، فقر، فساد، تروریسم، حفاظت محیط زیست، تأمین صلح و امنیت جمعی نموده و می‌نماید. اینکه تحولات کنونی جهان مؤید لزوم استقرار نظمی نوین برای اداره امور جامعه انسانی است، امروزه بر بسیاری از مردم جهان آشکار گردیده

است. از همین جهت است که جامعه بین‌المللی بهائی از توسعه و تکامل سازمان ملل متحد به عنوان گامی مهم در راستای استقرار یک جامعه واحد جهانی پشتیبانی می‌نماید و مستمراً به تقدیم پیشنهادهای عملی به منظور استقرار یک سیستم حکومت فدرال جهانی مبادرت می‌ورزد. این پیشنهادات رami توان در جزوه «نقطه بازگشت برای همه ملت‌ها»^{۱۴۸} Turning point for all Nations که به مناسبت پنجاهمین سال تأسیس سازمان ملل متحد تهیه شده، مطالعه نمود.

برخی از پیشنهادات جامعه بین‌المللی بهائی به منظور ایجاد اصلاحاتی بنیادی در ساختار سازمان ملل متحد (استخراج از جزوه «نقطه بازگشت برای همه ملت‌ها»، اکتبر ۱۹۹۵)

وظایفی جدید برای مجمع عمومی سازمان ملل متحد:

- لازم است در درازمدت در رکن مقننه سازمان ملل متحد و روش رأی‌گیری آن تجدید نظر به عمل آید و حق رأی دول عضو متناسب با تعداد شهروندان مقرر گردد تا ملل جهان بتوانند به نحو شایسته اعمال نمایندگی ملت‌های خود نمایند،
- قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد باید در محدوده موضوعاتی مشخص و معین به تدریج برای کشورهای عضو لازم‌الاجرا مقرر شود،
- تجاوز آشکار دول عضو از معیارهای شناخته شده حقوق بشر باید با واکنش دیگر اعضاء مواجه گردد. شرط شناسائی و قبول عضویت یک کشور در سازمان ملل متحد باید موقوف به رعایت حقوق بشر نسبت به شهروندان آن کشور مقرر گردد،

- اختلافات مرزی بین دول عضو باید بطور قطعی حل و فصل گردد. یک کمیسیون بین المللی باید به اختلافات رسیدگی نماید و پیشنهادات لازم برای رفع اختلافات ارائه کند،
- یک کمیسیون عالی مقام متشکل از افراد ذی صلاح امکان انتخاب یا خلع یک زبان و خطّ کمکی بین المللی جهت تدریس در همه مدارس جهان و همچنین تعیین یک واحد پول بین المللی را مطالعه نماید تا ملل جهان کلاً از رواج آن منتفع شوند.

تقویت قوه اجرائی

- حقّ عضویت دائمی شورای امنیت و حقّ و توی آن معدود اعضاء به تدریج لغو گردد،
- نسبت به تشکیل یک نیروی نظامی بین المللی به عنوان تأسیسی دائمی و مستقل از نفوذ دول تأمین کننده آن و به عنوان گامی در جهت خلع سلاح عمومی اقدام شود. نیروی نظامی مزبور باید مبتنی بر اصل امنیت جمعی تشکیل شود و تنها به موارد نظامی محدود نشود بلکه وظایف آن به سایر اموری که امنیت جامعه بشری را تهدید می نماید، مثل داد و ستد و اشاعه مواد مخدّر، بروز بیماری های همه گیر و یا برای تأمین مواد غذایی کافی در مناطق فقیر نشین و قحطی زده توسعه داده شود،

تقویت دادگاه بین المللی

- احکام صادره از جانب دادگاه بین المللی باید در دراز مدّت لازم الاجراء مقرر شود و کلیه اعضای سازمان ملل متحد متعهد به اجرای مفاد آن احکام گردند،
- لازم است دادگاه ها و مراجع قضائی ویژه ای تحت قیمومت دادگاه بین المللی به جهت داوری و فیصله دادن به موارد اختلاف پیرامون موضوعاتی مثل مبادلات بازرگانی و حمل و نقل، تروریزم، داد و ستد مواد مخدّر و از این قبیل تشکیل شود.

روش بهائیان در قبال سیاست و حکومت

می بخشند، بلکه در عین حال به بنای جامعه ای می پردازند که مبتنی بر نظم اداری تشکیلات آئین بهائی است و می تواند به عنوان الگویی برای اجتماعات آتی بشری مورد استفاده قرار گیرد. جامعه جهانی بهائی پروژه های متعددی را برای توسعه اجتماعی و اقتصادی در بسیاری از نقاط جهان اداره می نماید و در این مورد مستمراً با بسیاری از دولت ها، نهادهای غیر دولتی (NGO) و اتحادیه ها در تماس است.

بهائیان بطور کلی ملزم به پیروی از قوانین دول متبوع خود هستند. تنها مورد استثناء عبارت از هنگامی است که دولتی شهروندان بهائی را ملزم به انکار آئین خویش نماید و از آنها بخواهد که خلاف مبادی بنیادین روحانی خود عمل نمایند.



بهائیان از دخالت در سیاست و عضویت در احزاب سیاسی منع شده اند. به نظر آنان تشکیل دستجاتی با مرامنامه و تمایلاتی مخصوص مابین با مقصد بنیادین دیانت بهائی است که هدفش ایجاد وحدت در جامعه انسانی و ارائه راه حل برای ایجاد رفاه برای عموم مردم جهان است. به علاوه عضویت در یک حزب سیاسی لاجرم به اجبار و وابستگی حزبی و چند دستگی و ضعف اصل وحدت و یگانگی در بین اعضای جامعه بهائی می انجامد. بدیهی است که عدم مداخله در امور سیاسی بدان معنی نیست که بهائیان مجاز باشند از مسؤولیت های اجتماعی شانه خالی کنند. حضرت بهاء الله درباره اینکه پزشک حقیقی کیست و وظیفه پیروانش چیست، چنین فرموده است: «رنگ جهان در دست پزشک دانا است، درد را می بیند و به دانائی درمان می کند. هر روز را رازی است و هر سر را آوازی، درد امروز را درمانی و فردا را درمان دیگر. امروز را نگران باشید و سخن از امروز رانید.»^{۱۴۹}

بهائیان نه تنها صفات و ملکات معنوی را با بهره گیری از تعالیم دینی شان در وجود خود تکامل

جور و ستم وارده به بهائیان ایران

کشور ایران زادگاه و گهواره آئین بهائی است. پیروان این آئین از همان بدایت پیدایش دیانت بهائی زیر ظلم و ستم اهل جور قرار داشته اند. هم اکنون نیز اذیت و آزار بهائیان و تزییقات و تبعیضات وارده به آنان در موارد مختلف ادامه دارد. راه تحصیل در دانشگاه ها و مدارس عالی بر جوانان بهائی مسدود گردیده است. از استخدام بهائیان در ادارات و مؤسّسات و اشتغال به مشاغل و حرفه ها به جهت امرار معاش جلوگیری به عمل می آید. اجتماعات عمومی بهائیان ممنوع اعلام گردیده است. بهائیان در بسیاری از نقاط کشور دستگیر و به اتهام فساد عقیده به حبس و زندان محکوم می شوند و تحت شکنجه و آزار قرار می گیرند. در چند سال اخیر نیز، همانند گذشته ایام، در مواردی چند و تنها به علت تعلق به آئین بهائی حکم اعدام در مورد بیش از دویست نفر از بهائیان صادر و به مورد اجرا گذاشته شده است. سازمان ملل متحد و بسیاری از دولت ها در سرتاسر دنیا این نوع اقدامات را شدیداً محکوم و تهدید نموده اند که در صورت ادامه تزییقات به تحریم علیه ایران اقدام خواهند نمود. معذکک وضع احترام به حقوق بشر در مورد بزرگترین اقلیت مذهبی ایران کماکان بسیار وخیم است.

توسعه اجتماعی و اقتصادی

حضرت عبدالبهاء در یکی از آثار مهم خود به نام «رساله مدنیّه» می فرماید:
**«... شرافت و مفخرت انسان در آن است که بین ملاً امکان منشأ خیری گردد...
لذت و سعادتِ اتم و اکبر از این نه...» ۱۵۰**

بخش عمده‌ای از فعالیت بهائیان صرف اجرای پروژه های توسعه اجتماعی و اقتصادی می شود. انگیزه این مهم از چشم اندازی ناشی می شود که هدف از آن برقراری رفاه برای عامه مردم جهان است و مقصود از رفاه نیز تأمین نیازمندی های مادی و رضایت درون، هر دو را شامل می شود.

در اغلب اوقات هدف از کمک به کشورهای در حال توسعه به تأمین رفاه مادی اهالی منحصر می شده است. لکن از دیدگاه دیانت بهائی نیل به رفاه مادی به تنهایی برای تأمین خوشبختی انسان ها کفایت نخواهد نمود. برنامه ریزی هائی که هدفشان یک طرفه و تنها معطوف به رفاه مادی انسان ها است به تقسیم مصنوعی جهان به دو دسته، کشورهای «توسعه یافته» و «در حال توسعه»، می انجامد. به نظر بهائیان بهترین راه حل عبارت از تأمین نیازمندی های مادی و معنوی انسان هر دو است.

از این جهت لازم است پروژه های توسعه حتی الامکان همه حوزه های حیات اجتماعی و اقتصادی انسان ها را در بر گیرد که از جمله می توان از بخش هائی مثل سوادآموزی، آموزش و پرورش در علوم و فنون، هنر، فرهنگ، جامعه شناسی و بالاخره از ارزش ها و معیارهای اخلاقی نام برد. هر فرد انسانی باید خود را مسؤول توسعه و پیشرفت کلیه انسان ها به شمار آورد و در نتیجه پا به پای اهل فن و صاحب نظران در فرآیند توسعه اجتماعی و اقتصادی شرکت و تشریک مساعی نماید.

تعداد پروژه هائی که با الهام از مبانی یادشده از طرف جامعه جهانی بهائی به اجرا گذاشته می شود، روز به



انستیتیوی توسعه در بارلی (هندوستان)

پروژه فوندائک (FUNDAEC) در کشور

کلمبیا

تعدادی اساتید دانشگاه و دانشجویان با همکاری روستائیان در کشور کلمبیا روش آموزشی نوینی را ابداع نموده اند که از هر جهت متناسب با خواسته ها و نیازمندی های روستائیان آن کشور بوده است. پروفیسور فن وایتسزکر آلمانی (Prof. E. Ulrich von Weizäcker) از پروژه مزبور که بنام FUNDAEC معروف گردیده به عنوان «در حال حاضر بهترین پروژه تربیتی جهان»^{۱۵۲} یاد نموده است. این پروژه مبتنی بر نگرشی مثبت به انسان و قوای مکنون در او و متکی بر این اعتقاد است که کلید حل مشکلات نویدکننده روستائیان و رهائی آنان از آن مشکلات در دست خود ایشان است.

روز در تراید است (در سال ۲۰۰۴ جمعاً تعداد ۵۲۰۰ پروژه اجتماعی کوتاه مدت، حدود ۵۰۰ پروژه دراز مدت و تعداد ۵۴ نهاد با وظایف مرکب به خدمت اشتغال داشته اند.^{۱۵۱})

تلاش هائی که بهائیان در مورد اجرای برنامه های توسعه اجتماعی و اقتصادی به عمل می آورند و همکاری آنان در این زمینه هنوز در مرحله پی ریزی، فراگیری و کسب تجربه و در فرآیند رشد و نمو قرار دارد. در ابتدا این برنامه ها با پروژه هائی از قبیل پیشبرد زنان، سوادآموزی، تعلیم و تربیت، کسب کمالات معنوی، رعایت حقوق انسانی و حفاظت محیط زیست آغاز گردیدند. پروژه های یاد شده بدو با دست زدن به ابتکاراتی جزئی شروع به کار می نمایند و سپس به تدریج رشد نموده، وسیع تر و جامع تر می شوند.



تصویری از ساختمان دانشگاه فوندائک در کشور کلمبیا

برنامه ترفیع و پیشرفت زنان

روستا نیز از آن تعلیمات بهره مند می شوند. در فاصله بین سال های ۱۹۸۳ تا ۲۰۰۰ بیش از ۲۰۰ روستا در برنامه آموزشی انستیتوی مزبور شرکت نموده اند.



انستیتوی بارلی Barli Development Institut در منطقه مادها پرادش Madhya-Pradesh در کشور هندوستان که در سال ۱۹۸۳ تأسیس گردیده و هدفش پیشبرد سطح دانش و بینش زنان مناطق روستائی است برنامه آموزشی شش ماهه ای به طریق شبانه روزی عرضه می دارد. در این انستیتو مهارت های عملی همراه با ارزش های اخلاقی به زنان روستائی تعلیم داده می شود. بدیهی است که از این طریق سایر افراد خانواده و اساساً همه اهالی

آئین بهائی و مسأله اقتصاد

کتاب و آثار دینانتهائی حاوی آموزه هائی هستند که می توانند اساس یک اقتصاد سالم را بنیان نهند. لازمه یک اقتصاد سالم تأمین شرایط زیر است:

- تصدیق و تعمیم اصل وحدت عالم انسانی
- اقرار به لزوم و رسوخ اصل بنیادین اعتماد و امانت در روابط اقتصادی و مبادلات بازرگانی

- تعلیم و تربیت اجباری و عمومی
- توزیع عادلانه همه منابع طبیعی
- انتخاب یک واحد پول بین المللی
- چیره شدن بر فقر و ثروت مفرط
- حمایت از هر نوع ابتکار فردی در امور اقتصادی
- قبول اصل وابستگی متقابل بین کار و سرمایه
- درصدی از سود یک شرکت تولیدی اضافه بر کارمزد به کارگران داده شود
- رعایت و تقویت مبانی اخلاقی و ارزش های معنوی در امر کار و مبادلات تجاری.

حفاظت محیط زیست

حضرت شوقی ربّانی، ولیّ امر آئین بهائی، رابطه انسان با محیط زیستش را چنین توصیف نموده است:

«ممکن نیست بتوانیم بین قلیمان و محیط زیستمان جدائی فکنیم... رابطه انسان با محیط زیستش رابطه ای زنده است. او از درون به محیط زیستش شکل می بخشد و متقابلاً بصورتی عمیق تحت تأثیر آن قرار می گیرد.» ۱۵۳

وخیم چنین فاجعه هائی پیشگیری نمود. این است که مشاوره بین ملل برای عرضه راه حل های مناسب برای مقابله با حوادث طبیعی از هر جهت ضروری به نظر می رسد.



طبیعت در نظر بهائیان از آفریدگان خدای یگانه به شمار می رود و مسؤولیت حفاظت آن به عهده انسان و اگذار شده است. انسان موظف است «از طبیعت نگاهداری کند و این میراث را برای نسل های آتی حفظ نماید.» ۱۵۴ طرز رفتار و معامله با حیوانات از این قاعده مستثنی نخواهد بود.

به اعتقاد بهائیان برقراری رابطه ای سالم با محیط زیست مبتنی بر اصول اخلاقی و مبادی روحانی از جمله وظایف ادیان الهی بشمار می رود که بایستی به پیروان خود تفهیم نمایند. نتیجه آنکه اجتماع انسانی از یک سو به توزیع عادلانه منابع خدادادی ترغیب خواهد شد و از سوی دیگر افراد انسانی و ادار خواهند شد تا در زندگی ملاحظه حال محیط زیست و رعایت اعتدال و موازنه را در بهره برداری از آن بنمایند.

برای حوادث فاجعه آمیزی که گاه در طبیعت رخ می دهد نمی توان حد و مرزی تصور نمود. بروز فاجعه های طبیعی لاجرم نیاز به همگامی و همبستگی بین ملت ها را آشکار می سازد. در اغلب موارد می توان تنها از طریق همکاری های بین المللی از عواقب

در تعالیم بهائی برای نیل به این هدف چنین پیش بینی شده است که ملل جهان به تشکیل اتحادیه ملل اقدام کنند و خود را اعضای یک خانواده بشری دانند. چنین اتحادیه یا سازمانی از جمله پیرامون مسائل محیط زیست به مشورت نشینند و مقررات لازم الاجرائی برای همه ملل عضو وضع کند. این اتحادیه که متشکل از همه ملل جهان است وظیفه حفاظت، کنترل و توزیع عادلانه منابع طبیعی را نیز به عهده خواهد داشت.

بهائیان در این زمینه در سطوح محلی، ملی و بین المللی گام های عملی برمی دارند و پروژه هایی که

هدف از آنها حفاظت محیط زیست است بنیان می نهند یا در اجرای چنین پروژه هایی مشارکت می نمایند. بسیاری از جوامع بهائی در فرآیند Agenda ۲۱ تشریک مساعی می کنند. جامعه جهانی بهائی علاوه بر همکاری در امور محیط زیست و پروژه های تربیتی با سازمان های بین المللی نیز تشریک مساعی می نماید و آنان را از ارزش های معنوی آئین بهائی بهره مند می سازد. در سال ۱۹۸۹ جامعه جهانی بهائی اقدام به تأسیس دفتری بنام محیط زیست در شهر نیویورک نموده است.

بهائیان و گفتگوی بین ادیان

این بیان از حضرت بهاءالله، شارع آئین بهائی است که:

«امید هست که علما و امرای ارض متحداً بر اصلاح عالم قیام نمایند و بعد از تفکر و مشورت کامل به دریاقت تدبیر هیکل عالم را که حال مریض مشاهده می شود شفا بخشند و به طراز صحت مزین دارند...»^{۱۵۵}

خود در قبال تلاش برای رفع اختلافات مذهبی اقرار کنند و به این اصل که اساس ادیان الهی یکی است و سرچشمه همه آنها واحد است اعتراف نمایند و از هر نوع تمایل به انحصار طلبی که منشأ انواع و اقسام اختلاف و کشمکش است احتراز جویند.

از دیدگاه آئین بهائی باید گفتگوی بین ادیان منحصرأ معطوف به این باشد که ادیان الهی مشترکاً در خدمت این هدف درآیند که به فرموده حضرت بهاءالله: «...دین الله و مذهب

گفتگوی بین ادیان را نباید تنها به شکبائی در معاشرت با پیروان سایر ادیان محدود نمود. هرگاه این تفاهم بین ادیان مختلفه حاصل شود که اساس همه آنها یکی و منشأ و منبع آنها خدای یگانه است، در آن صورت امکان پذیرش اصل اتحاد اساس ادیان و تقریب واقعی بین پیروان آنان از هر جهت فراهم شده است.

بیت العدل اعظم، بالاترین مرجع جامعه جهانی بهائی، در سال ۲۰۰۲م در پیامی خطاب به سران مذهبی جهان^{۱۵۶} از ایشان خواست تا به مسؤولیت



الله از برای حفظ و اتحاد و اتفاق و محبت و الفت عالم است، اورا سبب و علت نفاق و اختلاف و ضغینه و بغضا منمائید.»^{۱۵۷}

بهائیان بصورتی فشرده در نهضت تقریب بین ادیان مشارکت می نمایند. از جمله اینکه بسیاری از جوامع محلی بهائی همکاری با کنفرانس جهانی دربارهٔ دین و صلح (WCRP) را هدف مساعی خود قرار داده اند و به ابتکاراتی در زمینهٔ تقریب و ایجاد تفاهم بین پیروان ادیان و مذاهب مختلفه دست زده اند. جامعهٔ بهائی ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۵۰ اقدام به تأسیس روز جهانی ادیان نمود. بهائیان آلمان از سال ۱۹۹۸ به بعد در

میزگرد ادیان شرکت می نمایند. جامعهٔ بهائی Bahá'í International Community به نمایندگی از طرف بهائیان جهان در کنفرانس هزارهٔ سازمان ملل متحد (Millenium World Peace Summit) که در سال ۲۰۰۰ م در شهر نیویورک و با شرکت سران مذهبی و رهبران روحانی جهان به منظور استقرار صلح برگزار گردید، شرکت نمود و نقش عمده ای در تهیهٔ مقدمات و تشکیل کنفرانس مزبور ایفا کرد. این کنفرانس در نوع خود بزرگترین اجتماعی بود که تا آن تاریخ در سطح جهانی و به منظور ترویج صلح برگزار گردید.

گلچینی از آثار بهائی

ای اهل بهاء، با جمیع اهل عالم به روح و ریحان معاشرت نمائید. اگر نزد شما کلمه و یا جوهری است که دون شما از آن محروم، به لسان محبت و شفقت لقاء نمائید و بنمائید، اگر قبول شد و اثر نمود مقصد حاصل و الاّ اورا به او گذارید و درباره او دعائید نه جفا. لسان شفقت جذّاب قلوب است و مائده روح و به مثابه معانی است از برای الفاظ و مانند افق است از برای اشراق آفتاب حکمت و دانائی. ۱۵۸
حضرت بهاء الله

ای طیب ادیب ... تو الحمد لله که دو قوه داری طبابت جسمانی و طبابت روحانی و روحانیات را نفوذی عظیم در عالم جسمانی. مثلاً مریض را بشارتی ده و سرور و تسلی ده و به وجد و طرب آر، بسیار واقع که آن سرور و فرح سبب شفای عاجل شد ... حال چون چنین است به دو قوه معالجه نما. احساسات روحانی را در امراض عصبیه تأثیری عجیب است... در وقت معالجه توجه به جمال مبارک کن و آنچه بر قلب القا می شود مجری دار. مریضان را به فرح الهی و سرور روحانی معالجه نما، دردمندان را درمان بشارت کبری ده و مجروحین را مرهم موهبت عظمی بخش، به بالین هر بیماری چون حاضر گردی سرور و فرح و شادمانی ده و به قوه روحانی انجذابات رحمانی بخش. این نفس رحمانی حیات بخش عظم رمیم است و محیی ارواح هر علیل و سقیم. ۱۵۹
حضرت عبداله‌بهاء

حضرت موجود می فرماید: زبان خرد می گوید، هر که دارای من نباشد دارای هیچ نه. از هر چه هست بگذرید و مرا بیابید. منم آفتاب بینش و دریای دانش، پژمردگان را تازه نمایم و مردگان را زنده کنم. منم آن روشنائی که راه دیده بنمایم و منم شاهباز دست بی نیاز، پر بستگان را بگشایم و پرواز بیاموزم. ۱۶۰
حضرت بهاء الله

ای بیگانه با بیگانه!

شمع دلت برافروخته دست قدرت من است، آن را به بادهای مخالف نفس و هوی خاموش مکن و طیبب جمیع علت های تو ذکر من است فراموشش منما، حب مرا سرمایه خود کن و چون بصر و جان عزیزش دار. ۱۶۱

حضرت بهاء الله

...مقصود اصلاح عالم و راحت امم بوده، این اصلاح و راحت ظاهر نشود مگر به اتحاد و اتفاق و آن حاصل نشود مگر به نصایح قلم اعلی، بیانش آفاق را به نور اتفاق منور فرماید، ذکرش نار محبت برافروزد و سبحات مانعه و حجابات حائله را بسوزد... ۱۶۲

حضرت بهاء الله

ای مغروران به اموال فانیه!

بدانید که غنا سدی است محکم میان طالب و مطلوب و عاشق و معشوق. هرگز غنی بر مقرر قرب وارد نشود و به مدینه رضا و تسلیم در نیاید مگر قلبی. پس نیکو است حال آن غنی که غنا از ملکوت جاودانی منعش ننماید و از دولت ابدی محرومش نگرداند. قسم به اسم اعظم که نور آن غنی اهل آسمان را روشنی بخشد چنانچه شمس اهل زمین را. حضرت بهاء الله

ای مغروران به اموال فانیه!

فقرا امانت منند در میان شما. پس امانت مرا درست حفظ نمایند و به راحت نفس خود تمام نپردازید. ۱۶۳

حضرت بهاء الله

ای فرزند کنیز من!

لازال هدایت به اقوال بوده و این زمان به افعال گشته، یعنی باید جمیع افعال قدسی از هیكل انسانی ظاهر شود چه که در اقوال کل شریکند و لکن افعال

پاک و مقدّس مخصوص دوستان ما است. پس بجان سعی نمائید تا به افعال از
 جمیع ناس ممتاز شوید. کذلک نصّحنا کم فی لوح قدس منیر. ۱۶۴
 حضرت بهاء الله

وقت سرور روح انسان در پرواز است. جمیع قوای انسان قوّت می گیرد و
 قوّه فکریّه زیاد می شود، قوّه ادراک شدید می شود... اما وقتی که حزن بر
 انسان مستولی شود محمود می شود، جمیع قوا ضعیف می گردد. ۱۶۵
 حضرت عبدالبهاء

وقتی انسان از زندان نفس آزاد می شود به آزادی حقیقی می رسد، زیرا نفس
 بزرگترین حبس برای آدمی است. اگر انسان خود را از این حبس آزاد کند
 هرگز مسجون نمی شود ولی تا وقتی که شخص این تقلیب خطیر روحی را
 نپذیرد به آزادی واقعی فائز نشود و این پذیرش نباید با تسلیم اجباری باشد،
 بلکه باید با رضایت، همراه با شادمانی انجام گیرد. ۱۶۶
 حضرت عبدالبهاء

دراوقات آسایش و راحت و عیش و عشرت و صحّت و عافیت و فرح و
 مسرت هر نفسی مرد میدان است ولی اگر نفسی در اوقات سختی و محنت و
 بلا و رنج و عنا مسرور و شادمان باشد آن دلیل بر علوّ همّت و شرافت و منزلت
 اوست. ۱۶۷
 حضرت عبدالبهاء

... امروز روزیست که بحر رحمت ظاهر است و آفتاب عنایت مشرق و سبحان
 جود مرتفع. باید نفوس پژمرده را به نسائم محبت و مودّت و میاه مرحت تازه
 و خرم نمود. احبّای الهی در هر مجمع و محفلی که جمع شوند باید به قسمی
 خضوع و خشوع از هر یک در تسبیح و تقدیس الهی ظاهر شود که ذرات
 تراب آن محلّ شهادت دهند به خلوص آن جمع و جذبه بیانات روحانیّه آن

انفس ز کیه. ذرات آن تراب را اخذ نماید، نه آنکه تراب به لسان حال ذکر نماید انا افضل منکم، چه که در حمل مشقات فلاحین صابرم و بکل ذی روح اعطای فیض قیاض که در من ودیعه گذارده، نموده و می نمایم. مع همه این مقامات عالیّه و ظهورات لاتحصی که جمیع مایحتاج وجود از من ظاهر است به احدی فخر ننموده و نمی نمایم و به کمال خضوع در زیر قدم کلّ ساکنم
حضرت بهاءالله ۱۶۸...

ای پسر جود!

در بادیه های عدم بودی و ترا به مدد تراب امر در عالم ملک ظاهر نمودم و جمیع ذرات ممکنات و حقائق کائنات را بر تربیت تو گماشتم چنانچه قبل از خروج از بطن امّ دو چشمه شیر منیر برای تو مقرر داشتم و چشم ها برای حفظ تو گماشتم و حبّ ترا در قلوب القا نمودم و به صرف جود ترا در ظل رحمتم پروردم و از جوهر فضل و رحمت ترا حفظ فرمودم و مقصود از جمیع این مراتب آن بود که به جبروت باقی مادر آئی و قابل بخشش های غیبی ماشوی و تو غافل چون به ثمر آمدی از تمامی نعیم غفلت نمودی و به گمان باطل خود پرداختی به قسمی که بالمّرّه فراموش نمودی و از باب دوست به ایوان دشمن مقرر یافتی و مسکن نمودی. ۱۶۹
حضرت بهاءالله

حقّ جلّ جلاله از برای ظهور جواهر معانی از معدن انسانی آمده. ایوم دین الله و مذهب الله آنکه مذاهب مختلفه و سبل متعدده را سبب و علّت بغضاء نمایند. این اصول و قوانین و راه های محکم متین از مطلع واحد ظاهر و از مشرق واحد مُشرق و این اختلافات نظر به مصالح وقت و زمان و قرون و اعصار بوده. ای اهل بهاء کمر همّت را محکم نمائید که شاید جدال و نزاع مذهبی از بین اهل عالم مرتفع شود و محو گردد، حبّاً لله و لعباده. بر این امر عظیم خطیر قیام نمائید، ضعیفه و بغضای مذهبی ناری است عالم سوز و اطفاء آن بسیار صعب مگر ید قدرت الهی ناس را از این بلاه عقیم نجات بخشد...

مشکاة بیان را این کلمه به مثابه مصباح است. ای اهل عالم همه بار یک دارید و برگ یک شاخسار. به کمال محبت و اتحاد و مودت و اتفاق سلوک نمائید. قسم به آفتاب حقیقت نور اتفاق آفاق را روشن و منور سازد. حق آگاه گواه این گفتار بوده و هست، جهد نمائید تا به این مقام بلند اعلی که مقام صیانت و حفظ عالم انسانی است فائز شوید. این قصد سلطان مقاصد و این امل، ملیک آمال و لکن تافق آفتاب عدل از سحاب تیره ظلم فارغ نشود ظهور این مقام مشکل به نظر می آید...

ای اهل بهاء با جمیع اهل عالم به روح و ریحان معاشرت نمائید. اگر نزد شما کلمه و یا جوهری است که دون شما از آن محروم، به لسان محبت و شفقت القاء نمائید و بنمائید، اگر قبول شد و اثر نمود مقصد حاصل و الا اورا به او گذارید و درباره او دعا نمائید نه جفا. لسان شفقت جذاب قلوب است و مانده روح و به مثابه معانی است از برای الفاظ و مانند افق است از برای اشراق آفتاب حکمت و دانائی. ۱۷۰

حضرت بهاء الله

هر قدر نام بهائی مشتهرتر گردد و امرالله عزیزتر و رفیع تر شود، اعمال و اخلاق حسنة طيبة زکوة طاهرة احبا الله باید به همان درجه در انظار آشنا و بیگانه بیشتر و بهتر جلوه نماید. آثار علویت این تعالیم باید در روش احبا ظاهر و مکشوف گردد، چه که اول مبلغ حسن رفتار یاران است و بهترین دلیل و هادی به صراط مستقیم الهی همانا حسن سلوک و حسن معاملات و خدمت حقیقی به عالم انسانی. روح الهی نفوذ و تأثیرش در جسد امکان متوقف و منوط به اعمال است نه اقوال و الا فتور و تأخیر حاصل شود و تأییدات شدید که مخصوص این قرن اعظم است شامل حال نگردد و آمال و نوایا تحقق نیابد. ۱۷۱

حضرت شوقی ربانی

و در جمیع امور باید رؤسا به اعتدال ناظر باشند، چون هر امری که از اعتدال تجاوز نماید از طراز اثر محروم مشاهده شود. مثلاً حریت و تمدن و امثال آن

مع آنکه به قبول اهل معرفت فایز است اگر از حد اعتدال تجاوز نماید سبب و
علت ضرر نگردد... ۱۷۲
حضرت بهاء الله

ای بلبلان الهی، از خارستان ذلت به گلستان معنوی بشتابید و ای یاران ترابی
قصد آشیان روحانی فرمائید. مژده به جان دهید که جانان تاج ظهور بر سر
نهاده و ابواب های گلزار قدم را گشوده. چشم ها را بشارت دهید که وقت
مشاهده آمد و گوش ها را مژده دهید که هنگام استماع آمد. دوستان بوستان
شوق را خبر دهید که یار بر سر بازار آمد و همدان سباز را آنگه کنید که نگار
اذن بار داده. ای عاشقان روی جانان، غم فراق را به سرور وصال تبدیل نمائید
و سم هجران را به شهد لقا بیامیزید. اگرچه تا حال عاشقان از پی معشوق
دوان بودند و حیبیان از پی محبوب روان، در این ایام فضل سبحانی از غمام
رحمانی چنان احاطه فرموده که معشوق طلب عشاق می نماید و محبوب
جویای احباب گشته. این فضل را غنیمت شمردید و این نعمت را کم نشمرید،
نعمت های باقیه را نگذارید و به اشیای فانی قانع نشوید. برقع از چشم قلب
بردارید و پرده از بصر دل بردارید تا جمال دوست بی حجاب ببینید و ندیده
ببینید و نشنیده بشنوید. ای بلبلان فانی در گلزار باقی گلی شکفته که همه گل
ها نزدش چون خار و جوهر جمال نزدش بی مقدار، پس از جان بخروشید و
از دل بسروشید و از روان بنوشید و از تن بکشید که شاید به بوستان وصال
در آید و از گل بی مثال بیوئید و از لقای بی زوال حصه برید و از این نسیم
خوش صبای معنوی غافل نشوید و از این رائحه قدس روحانی بی نصیب
نمانید. این پند بندها بگسلد و سلسله جنون عشق را بچنابند، دل ها را به دلدار
رساند و جان ها را به جانان سپارد. قفس بشکند و چون طیر روحی قصد
آشیان قدس کند. چه شب ها که رفت و چه روزها که در گذشت و چه وقت
ها که به آخر رسید و چه ساعت ها که به انتها آمده و جز به اشتغال دنیای فانی
نفسی برنیامد. سعی نمائید تا این چند نفسی که باقی مانده باطل نشود. عمرها
چون برق می گذرد و فرق ها بر بستر تراب مقرر و منزل گیرد. دیگر چاره از

دست رود و امور از شست. شمع باقی بی فانوس روشن و منیر گشته و تمام حجابات فانی را سوخته. ای پروانگان، بی پروا بشتابید و بر آتش زیند و ای عاشقان بی دل و جان بر معشوق بیائید و بی رقیب نزد محبوب دوید. گل مستور به بازار آمد، بی ستر و حجاب آمد و به کل ارواح مقدسه ندای وصل می زند. چه نیکو است اقبال مقبلین، فهتیناً للفاضلین بانوار حسن بدیع. ۱۷۳
حضرت بهاء الله

باید روش و سلوکی نمائید که مانند آفتاب از سائر نفوس ممتاز شوید. هر نفسی از شما در هر شهری که وارد گردد به خلق و خوی و صدق و وفا و محبت و امانت و دیانت و مهربانی به عموم عالم انسانی مشاراً بالبنان گردد. جمیع اهل شهر گویند که این شخص یقین است که بهائی است، زیرا اطوار و حرکات و روش و سلوک و خلق و خوی این شخص از خصائص بهائیان است... به عالم انسانی مهربانی کنید و به نوع بشر مهرپرور گردید، بیگانگان را مانند آشنا معامله نمائید و اغیار را به مثابه یار نوازش فرمائید، دشمن را دوست بینید و اهرمن را ملائکه شمارید، جفاکار را مانند وفادار به نهایت محبت رفتار کنید و گرگان خونخوار را مانند غزالان ختن و ختاسک معطر به مشام رسانید، خائفان را ملجأ و پناه گردید و مضطربان را سبب راحت دل و جان، بینوایان را نوا بخشید و فقیران را کنز غنا شوید، دردمندان را درمان گردید و مریضان را طیب و پرستار. به صلح و سلام خدمت نمائید و دوستی و راستی و حق پرستی و آشتی در جهان نیستی تأسیس نمائید... مبدا خاطری بیازارید و نفسی را محزون کنید و در حق شخصی، چه یار و چه اغیار، چه دوست و چه دشمن زبان به طعنه گشائید. در حق کل دعا کنید و از برای کل موهبت و غفران طلبید. زنهار زنهار از اینکه نفسی از دیگری انتقام کشد ولو دشمن خونخوار باشد. زنهار زنهار از اینکه نفسی خاطری بیازارد ولو بدخواه و بد کردار باشد. نظر به خلق نمائید، توجه به خالق کنید، قوم عنود را مینید، رب الجنود را ملاحظه کنید، خاک را نینید، پر تو آفتاب تابناک بینید که

هر خاک سیاه را روشن و پدیدار کرده... در موارد بلا صبر و سکون و قرار یابید، هر قدر مصائب شدید شود مضطرب نشوید، در کمال اطمینان به فضل حضرت یزدان مقاومت طوفان محن و آلام نمائید. ۱۷۴ حضرت عبدالبهاء

پس ای یاران الهی شکر کنید که در یوم اشراق توجّه به تیر آفاق نمودید و مشاهده انوار کردید، از نور حقیقت نصیب بردید و از فیوضات ابدیه بهره گرفتید و به شکرانه این موهبت دمی نیاسائید و ساکت و صامت مباشید، بشارت ملکوت را به گوشها رسانید و کلمه الله را منتشر نمائید و نصایح و وصایای الهی را مجری دارید، یعنی به حرکت و آدابی قیام کنید که جسم عالم را جان بخشید و طفل صغیر امکان را به مقام رشد و بلوغ رسانید. تا توانید در هر محفلی شمع محبت برافروزید و هر دلی را به نهایت رأفت ممنون و مسرور نمائید، بیگانگان را مانند خویش بنوازید و اغیار را به مثابه یار وفادار مهربان گردید. اگر نفسی جنگ جوید شما آشتی طلبید و اگر کسی ضربتی بر جگر گاه زند شما مرهم بر زخم او بنهید، شمامت کند محبت نمائید، ملامت کند ستایش فرمائید، سم قاتل دهد شاهد فائق بخشید، به هلاکت اندازد شفای ابدی دهید، درد گردد درمان بشوید، خار شود گل و ریحان گردید، شاید به سبب این رفتار و گفتار این جهان ظلمانی نورانی گردد و این عالم خاکی آسمانی شود و این زندان شیطانی ایوان رحمانی گردد، جنگ و جدال برافتد و محبت و وفا در قطب عالم خیمه برافرازد. این است نتایج وصایا و نصایح الهی و خلاصه تعالیم دور بهائی. ۱۷۵ حضرت عبدالبهاء

ادعیه و مناجات

هو النَّاصِرِ الْمَعِينِ

الها کریم! رحیم!، به تو توجّه نموده ام و به حبل عنایت متمسکم و به ذیل کرمت متشبّث. توئی آن کریمی که یک قطره از دریای غفرانت عصبیان عالمیان را محو نماید و یک کلمه از فم عنایتت آب حیوان بر اهل امکان میذول دارد. ای بخشنده یکتا عبادت را محروم منما و از بحر رحمت قسمتی عطا نما و از دریای جودت نصیبی مقدر فرما. السن عالم قابل ذکرست نه و افنده ام لایق ادراک هستیت نه. هستی تو و رای ادراک عقول و فوق عرفان نفوس بوده و هست. به کمال عجز و ابتهاج بخشش قدیمت را می طلبم و فضل عمیمت را می جویم. تو دانا و آگاهی، به ذکرست زنده ام و به امید لقایت موجود و پاینده. آن کن که سزاوار بخشش توست، نه لایق ذکر و ثنای من. لا اله الا انت الغفور الکریم. الحمد لک انت مقصود القاصدین. ۱۷۶

حضرت بهاء الله

هو الله

خدایا ما ضعیفیم تو قوی کن، ما نادانیم تو دانا فرما. خدایا فقیریم غنای ملکوتی ده. خدایا مرده ایم حیات سرمدی بخش، خدایا ذلت محضیم در ملکوت عزیز فرما. اگر تأییدات آسمانی شامل گردد هر یک از ما ستاره درخشنده گردد و الا از خاک پست تر شود. خدایا تأیید کن نصرت فرما، ما را غالب بر نفس و هوی کن و از عالم طبیعت نجات ده. خدایا به نفعات روح القدس زنده فرما تا به خدمت تو قیام نمائیم و به عبادت تو مشغول گردیم و بانهایت صدق و صفا به انتشار آثار ملکوتت پردازیم. توئی مقتدر و توانا و توئی بخشنده و

مهربان. ۱۷۷

حضرت عبدالبهاء

خویش فرما تا از خود بگذرم، روی تو جویم، خوی تو خواهم، راه تو پویم،
از هر قیدی آزاد شوم و از هر غمی و بلائی دلشاد گردم. تویی بخشنده و دهنده
و مهربان. ۱۸۰
حضرت عبدالبهاء

هل من مفرّج غیر الله قل سبحان الله هو الله کلّ عباد له و کلّ بامرہ قانمون. ۱۸۱
حضرت باب

هو الحقّ القیوم

الهی تو بینا و آگاهی که ملجأ و پناهی جز تو نجسته و نجویم و به غیر از
سبیل محبت راهی نیمووده و نویم، در شبان تیره تو میدی دیدهام به صبح امید
الطاف بی نهایت روشن و باز و در سحر گاهی این جان و دل پژمرده به یاد
جمال و کمال خرم و دمساز. هر قطره‌ای که به عواطف رحمانیتت موفق
بحریست بیکران و هر ذره‌ای که به پر تو عنایتت مؤید آفتابیتت در خشنده و
تابان. پس ای پاک یزدان من این بنده پر شور و شیدا را در پناه خود پناهی ده و
بر دوستی خویش در عالم هستی ثابت و مستقیم بدار و این مرغ بی پر و بال را
در آشیان رحمانی خود و در شاخسار روحانی خویش مسکن و مأوائی عطا
فرما. ۱۸۲
حضرت عبدالبهاء

الهی الھی

این عبد را از شرّ نفس و هوی حفظ فرما و به نور برّ و تقوی مزین دار. ای
مالک من مملوکت تو را ذکر می نماید و لازال بصرش منتظر عنایات لانهایه
تو بوده و هست، پس باز کن باب رحمت را و قسمتی عطا فرما این عبد
تمسکت را. از یک کلمه علیا عالم وجود را موجود فرمودی و به انواع مانده
و نعمت و آلاء لاتحصی مزین داشتی. تویی بخشنده و توانا، لا اله الا انت
العلی الابهی. ۱۸۳
حضرت بهاء الله

يا الهی، اسمک شفائی و ذکرک دوائی و قرینک رجائی و حُبک مونسى
و رَحْمَتک طیبى و مُعینى فى الدُّنْیا و الآخِرَة و اَنْتَ المَعِطُ لِتَلِیمِ
الحَکِیمِ. ۱۸۴
حضرت بهاء الله

هوالله

ای پروردگار، این تشنه سلسبیل حیات را از چشمه حیوان بنوشان و این علیل را از درمان ملکوتی معالجه فرما، این مریض را شفای حقیقی بخش و این طرح فراش را از دریاق اعظم قوه و توانائی عطا فرما. توئى شافی توئى کافی توئى وافی. ۱۸۵
حضرت عبدالبهاء

برای اطفال

هوالله

ای خدای مهربان، این نوگل گلستان محبت را از شبنم عنایت تر و تازه بفرما و این تازه نهال بوستان هدایت را به تربیت باغبان احدیت پرورش ده و این شاخ سبز را در گلشن الطاف مزین به شکوفه و برگ کن و این دُرْدانه معرفت را در آغوش صدف رحمت بپرور. ای خداوند، هر مستمندی را توانگر نما و هر دردمندی را درمان بخش، هر فقیری را به گنج روان دلالت کن و هر اسیری را از زنجیر قیود آزادی بخش. توئى توانا و بینا و آگاه و شنوا. تأیید احسان نما. ۱۸۶
حضرت عبدالبهاء

هوالله

ای خداوند مهربان، این اطفال نازنین صنع دست قدرت تو اند و آیات عظمت تو. خدایا این کودک را محفوظ بدار، مؤید بر تعلیم کن و موفق بر خدمت عالم انسانی فرما. خدایا این اطفال دُرْدانه اند، در آغوش صدف عنایت پرورش ده. توئى بخشنده و مهربان. ۱۸۷
حضرت عبدالبهاء

هوالله

رَبِّی رَبِّی گود کم خردسال، از پستان عنایت شیر ده و در آغوش محبَّت پرورش بخش و در دبستان هدایت تعلیم فرما و در ظلّ عنایت تربیت کن، از تاریکی برهان شمع روشن کن، از پژمردگی نجات داده گل گلشن فرما، بنده آستان کن و خُلق و خوی راستان بخش، موهبت عالم انسانی کن و تاجی از حیات ابدیّه بر سر نه. توئی مقتدر و توانا، توئی شنونده و بینا. ۱۸۸
حضرت عبدالبهاء

برای والدین

هوالله

ای پروردگار، پدر و مادر این بنده در گاه را در دریای غفران غوطه ده و از گناه و خطا پاک و مقدّس نما، غفو و بخشش شایان نما و غفران و آمرزش ارزان کن. توئی آمرزنده و توئی غفور، توئی بخشنده فیض موفور. ای آمرزگار هر چند گنه کاریم ولی امید به وعد و نوید تو داریم و هر چند در ظلمت خطا مبتلائییم و لکن توجه به صبح عطا داشته و داریم. به آنچه سزاوار در گاه است معامله کن و هر چه شایگان بار گاه است شایان فرما. توئی غفور توئی غفو و توئی بخشنده هر قصور. ۱۸۹
حضرت عبدالبهاء

برای متصاعدین

هوالاهی

آمرزنده و مهربانا، این جانهای پاک از زندان خاک آزاد شدند و به جهان تو پرواز کردند، نیک خو بودند و مفتون روی تو و تشنه جوی تو. در زمان زندگانی به نفعه رحمانی زنده شدند، دیده بینا یافتند و گوش شنوا داشتند، از هر بستگی آزاد بودند و پیوسته به عنایات خرم و دلشاد. حال به جهان راز پرواز نمودند تا در جوار رحمت بر شجره طوبی لانه و آشیانه سازند و به نغمه و ترانه پردازند. خدایا این نفوس را گناه بیامرز و از چاه به اوج ماه برسان، در

گلشن الطاف راه ده و در چمن عفو و غفران پناه بخش، سرور آزادگان کن
و در حلقهٔ مقربان در آر، بازماندگان را نوازش فرما و آسایش بخش و زیور
عالم آفرینش کن تا به ستایش تو پردازند و به تسبیح و تقدیس تو. توئی عفو،
توئی غفور، توئی آمرزنده و مهربان. ۱۹۰
حضرت عبدالبهاء

طلب تأیید، بخشش و آموزش هوایی

ای پروردگار، این بندهٔ در مانده را در کهف منیعت مأوی ده و در ملاذ رفیعت
مسکن بخش، شمع روشنی در قلبش برافروز و چشمهٔ سلسبیلی از دلش جاری
کن، ابواب فیض بر رخس بر گشا و اسرار غیب به فؤادش الهام فرما. توئی
نصیر توئی ظهیر توئی مجیر توئی دستگیر. چون به تو پردازیم از همه چیز
آزادیم، چون به پیمان و ایمان تو ثابت و استواریم از غیر تو بیزاریم. پروردگارا
رحم کن استقامت بخش. ۱۹۱
حضرت عبدالبهاء

هوایه

ای پروردگار، مرا بیدار کن هشیار نما، از غیر خود بیزار کن و به محبت
جمالت گرفتار نما. نفخهٔ روح القدس بخش و ندای ملکوت ابهی به
گوش رسان. قوت روحانی عطا کن و سراج رحمانی در زجاج قلب
برافروز. از هر بندی آزاد کن و از هر تعلقی نجات ده تا جز رضای تو
نطلبم و به غیر از روی تو نجویم و دون راه تو نپویم. نفوس غافله را
هشیار کنم و ارواح خفته را بیدار نمایم. تشنگان را آب حیات بخشم و
مریضان را شفای الهی دهم. هر چند حقیرم ذلیل فقیرم اما پشت و پناهم
توئی و معین و ظهیر هم توئی. تأییدی عنایت فرما تا کل حیران گردند.
خدایا توئی مقتدر و توانا و بخشنده و دهنده و بینا. ۱۹۲

حضرت عبدالبهاء

هوالله

ای پروردگار، گنه کارم و تو آمرزگار، قاصرم و تو غافر، در ظلمت عصیانم و تو نور غفران. پس ای خداوند مهربان خطا ببخش عطا بده، گناه بیامرز، پناه عطا کن، در چشمه ایوب غوطه ده و از جمیع علل و امراض شفا بخش، پاک و مقدّس کن و از فیض تقدیس نصیب عطا فرما تا حزن و اندوه زائل گردد و فرح و سرور حاصل شود، یأس مبدّل به امید گردد و خوف منقلب به رجاء. تویی عفو و غفور و تویی بخشنده و مهربان. ۱۹۳ حضرت عبدالبهاء

مناجات به جهت وحدت و خدمت به عالم انسانی

هوالله

پروردگارا مهربانان این جمع توجّه به تو دارند، مناجات به سوی تو نمایند، در نهایت تصرّح به ملکوت تو تبثّل کنند و طلب عفو و غفران نمایند. خدایا این جمع را محترم کن، این نفوس را مقدّس نما، انوار هدایت تابان کن، قلوب را منور فرما، نفوس را مستبشر کن، جمیع را در ملکوت خود داخل فرما و در دو جهان کامران نما. خدایا ما ذلّیلیم عزیز فرما عاجزیم، قدرت عنایت فرما، فقیریم از کثر ملکوت غنی نما، علیلیم شفا عنایت کن. خدایا به رضای خود دلالت فرما و از شؤن نفس و هوی مقدّس دار. خدایا مارا بر محبّت خود ثابت نما و بر جمیع خلق مهربان فرما، موفق بر خدمت عالم انسانی کن تا به جمیع بندگانت خدمت نمایم، جمیع خلقت را دوست داریم و به جمیع بشر مهربان باشیم. خدایا تویی مقتدر تویی رحیم تویی غفور و تویی بزرگوار. ۱۹۴ حضرت عبدالبهاء

هوالله

ای یزدان مهربان، جمیع بشر را از یک سلاله خلق فرمودی تا اعضاء یک خاندان گردند و بندگان حضرت تو شوند، در ظلّ سرادق فضلّت مأوی بخشیدی و بر خوان نعمت مجتمع کردی و از اشراقات انوار عنایت منور

ساختی. ای خدا، تویی مهربان، تویی ملجأ و پناه و بخشنده فیض حیات. تاج انسانی را زینت هر سری فرمودی و خلعت موهبت را زیور کل بشر تا غریب دریای رحمت تو شوند. ای مولای مهربان، کل را متحد فرما و مظاهر مختلفه را به یکدیگر الفت بخش. جمیع ملل را ملت واحده کن تا اجزای یک خانمان گردند و روی زمین را یک وطن دانند و به نهایت اتحاد الفت جویند. ای خدا، رایت وحدت عالم انسانی را بلند فرما و صلح اعظم را مستقر کن، قلوب را به یکدیگر التیام ده. ای خدا ای پدر مهربان، قلوبمان را از نجات محبت شادمان کن و دیده ها را به نور هدایتت روشن نما و گوش ها را از نغمات جان پرور متلذذ فرما و در صون عنایت ملجأ و پناه بخش. انک انت القوى القدير يا ستار العيوب و يا غفار الذنوب. ۱۹۵ حضرت عبدالبهاء

مناجات به جهت تلاوت در مجلس عقد و ازدواج هو الله

ای پروردگار، این عقد و الفتی که بستی پاینده دار و این بنده و کنیز را ارتباطی روحانی و جسمانی بخش. این اقتران را شگون فراوان ده و این ازدواج را سبب ابتهاج فرما. بر روحانیت هر دو بیافزا تا هر دو در نهایت راستی و حقیقت پرستی به عبودیت آستان مقدست موفق گردند، جز تو نخواهند و جز تو نجویند و جز تو نگویند، سرگشته کوی تواند و آشفته روی تو. تویی عزیز و مهربان و تویی بخشنده و منان. انک انت الموفق المؤید الکریم الرحیم. ۱۹۶ حضرت عبدالبهاء

مناجات مخصوص برای ایران بنام یزدان مهربان

پاک یزدانا، خاک ایران را از آغاز مشکبیز فرمودی و شورانگیز و دانش خیز و گوهر ریز، از خاورش همواره خورشیدش نورافشان و در باخترش ماه تابان، کشورش مهرپرور و دشت بهشت آسایش پر گل و گیاه جان پرور و

کھسارش پر از میوه تازه و تر و چمنزارش رشک باغ بهشت، هوشش پیغام سروش و جوشش چون دریای ژرف پر خروش. روزگاری بود که آتش دانشش خاموش شد و اختر بزرگواریش پنهان در زیر روپوش، باد بهارش خزان شد و گلزار دلربایش خارزار، چشمه شیرینش شور گشت و بزرگان نازینش آواره و دربدر هر کشور دور، پرتوش تاریک شد و رودش آب باریک. تا آنکه دریای بخششست به جوش آمد و آفتاب دهش در دمید و بهار تازه رسید و باد جانپور وزید و ابر بهمن بارید و پرتو آن مهر پرور تابید، کشور بجنید و خاکدان گلستان شد و خاک سیاه رشک بوستان گشت، جهان جهانی تازه شد و آوازه بلند گشت، دشت و کھسار سبز و خرم شد و مرغان چمن به ترانه و آهنگ همدم شدند. هنگام شادمانی است، پیغام آسمانی است، بنگاه جاودانی است، بیدار شو بیدار شو. ای پروردگار بزرگوار، حال انجمنی فراهم شده و گروهی همدستان گشته که به جان بکوشند تا از باران بخشش بهره به باران دهند و کودکان خود را به نیروی پرورش در آغوش هوش پرورده، رشک دانشمندان نمایند، آئین آسمانی بیاموزند و بخشش یزدانی آشکار کنند. پس ای پروردگار مهربان تو پشت و پناه باش و نیروی بازو بخش تا به آرزوی خویش رسند و از کم و بیش درگذرند و آن مرز و بوم را چون نمونه جهان بالا نمایند. ۱۹۷

حضرت عبدالبهاء

نماز یومیّه

در آئین بهائی، اقامه نماز از واجبات محسوب است. و خوب نماز از دیدگاه بهائیان بدان معنی است که برقراری ارتباط بین بنده با خالق و نیایش و راز و نیاز به درگاه ایزد متعال موجب کسب فیض و برکت بوده و نفع آن مستقیماً عاید بر گزار کننده نماز خواهد گردید. اقامه نماز به تشدید ارتباط با خدای یگانه و در نتیجه به تقویت قوای روحانی انسان خواهد انجامید.

حضرت بهاءالله به نزول سه نوع نماز، کوچک، متوسط و بزرگ اقدام فرموده اند. بهائیان مجازند یکی از سه نوع مذکور را انتخاب و به اقامه آن پردازند. برقراری هر یک از نمازهای سه گانه با آداب و حرکات مخصوصی همراه است (نگاه کنید به بخش: «آداب ویژه در اقامه نماز»).

صورت نماز کوچک

أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِأَنَّكَ خَلَقْتَنِي لِعِبَادَتِكَ وَعِبَادَتِكَ، أَشْهَدُ
فِي هَذَا الْحَيَاةِ بَعْجَزِي وَفَوْتِكَ وَصَعْفِي وَاقْتِدَارِكَ وَ
فَقْرِي وَغَنَاتِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمُهَيَّمِنُ الْقَيُّومُ. ۱۹۸

مضمون آیات نماز کوچک به فارسی چنین است: «شهادت می دهم ای پروردگار من به اینکه مرا آفریده ای برای معرفت تو و عبادت تو. شهادت می دهم در این لحظه به عجز خود و قوت تو و ضعف خود و اقتدار تو و فقر خود و غنای تو. هیچ خدائی نیست مگر تو که قادر و قیوم [قائم به ذات] هستی.

آداب ویژه در اقامه نماز

قبل از ایستادن به نماز باید دست و صورت خود را شست. نماز گزار پس از عمل شستشو با حالت توجّه، رو به قبله، که همانا مقام حضرت بهاءالله واقع در بهجی در نزدیکی شهر عکا در کشور اسرائیل است، ایستاده، به اقامه نماز می پردازد. همانند گیاهی که برای کسب نور رو به خورشید می کند، نماز گزار نیز برای کسب فیض رو به منبع روحانی خود می نماید. آداب نماز مثل قیام و قعود، قنوت، رکوع و سجده، اگر چه آدابی برونی است ولیکن نشانه حالت درون نماز گزار به هنگام اقامه نماز است.

پیوست شماره ۱

چشم انداز یک جامعهٔ متحد جهانی از دیدگاه حضرت بهاءالله

الاجرایش را صادر نماید. یک دستگاه ارتباطات و مخابرات بین المللی به وجود آید که با سرعتی حیرت انگیز و نظم و ترتیبی کامل به کار افتد و جمیع کرهٔ زمین را در بر گیرد و از جمیع موانع و قیود ملی آزاد باشد. یک پایتخت بین المللی به منزلهٔ کانون و مرکز اعصاب مدیتهٔ جهانی تعیین شود که کانونی برای تمرکز و توجهٔ قوای وحدت بخش حیات باشد و از آن انوار نیروبخش و جان افزایش به جمیع جهات ساطع گردد. یک زبان بین المللی ابداع شود و یا یکی از زبان های موجود انتخاب و علاوه بر زبان مادری در تمام کشورهای فدرال جهانی تعلیم داده شود. یک خط و ادبیات جهانی، یک نظام مشترک برای پول و اوزان و مقادیر تعیین شود و روابط و تفاهم بین نژادهای متنوع و ملل جهان را ساده و سهل نماید. در چنین جامعهٔ جهانی علم و دین یعنی دو نیروی بسیار توانای بشر با هم آشتی پذیرند و همکاری نمایند و در پیشرفتشان هم آهنگ شوند. در سایهٔ چنین نظامی مطبوعات به اظهار نظرات و

وحدت نوع انسان به نحوی که حضرت بهاءالله مقرر فرموده مستلزم آن است که یک جامعهٔ متحد جهانی تشکیل یابد که در آن تمام ملل و نژادها و ادیان و طبقات کاملاً و پیوسته متحد گشته و در عین حال استقلال دول عضو و آزادی و ابتکار اعضاء مرگبهاش تماماً و یقیناً محفوظ مانده باشد. این جامعهٔ متحد جهانی تا جانی که می توان تصورش را نمود باید دارای یک هیأت مقننه باشد که اعضایش به منزلهٔ امنای تمام نوع انسان بالمآل جمیع منابع ملل آن جامعهٔ جهانی را در اختیار خود گیرد و قوانینی را وضع کند که برای تنظیم حیات و رفع حاجات و ترمیم روابط جمیع ملل و اقوام لازم و واجب است. در چنان جامعه ای یک هیأت مجریه به پشتیبانی یک نیروی پلیس بین المللی مصوبات هیأت مقننه را اجرا کند، به تنفیذ قوانینش پردازد و وحدت اصلیهٔ تمام جامعهٔ جهانی را حفاظت نماید. و نیز یک محکمهٔ جهانی تشکیل شود که تمام دعاوی حاصله بین عناصر مرگبهٔ این نظام جهانی را داوری کند و حکم نهائی و لازم

عقاید بشر کاملاً میدان دهد و از اینکه مورد سوء استفاده ارباب غرض چه شخصی و چه عمومی قرار گیرد ابا کند و از قید و نفوذ ملل و دول متنازع رهایی یابد. منابع اقتصادی جهان تحت نظم در آید و از مواد خامش بهره برداری و استفاده شود. بازار فروشش توسعه و هم آهنگی یابد و محصولاتش به طور عادلانه توزیع گردد. رقابت ها و کینه و دسائس ملی از میان برخیزد و تعصبات و عداوت های نژادی به دوستی و حسن تفاهم و همکاری تبدیل گردد. علل خصومت های دینی رفع و موانع و قیود اقتصادی کاملاً الغاء و تفاوت فاحش طبقاتی نابود شود. هم فقر و فاقه و هم مالکیت و ثروت فوق العاده از بین برود و نیروهای عظیمی که در راه جنگ های اقتصادی و سیاسی به هدر می رود از آن پس معطوف به اهداف لایقی از قبیل توسعه اختراعات و ترقیات فنی و ازدیاد تولیدات و محصولات بشری و ازاله امراض و توسعه تحقیقات علمی و بالا بردن سطح صحت و تشحیذ و اعتلاء مغز و فکر بشری و بهره

مندی از منابع بکر و ناشناخته کره زمین و درازی عمر انسان گردد و به ترویج هر وسیله ای که حیات فکری و اخلاقی و روحانی نوع انسان را تقویت کند بپردازد.

در چنان جامعه ای یک نظام فدرال جهانی برقرار گردد که بر جمیع بلاد حکومت نماید و فرمانروای بلامنازع منابع بسیار عظیمش باشد و مرام های عالیة شرق و غرب را در بر گیرد و طلسم جنگ و بدبختی را بشکند و به استفاده از جمیع منابع موجود در زمین راغب باشد. در چنان نظامی زور خادم عدل و داد شود و بقایش متکی باشد بر شناسائی خداوند یگانه و پیروی از یک دین عمومی. این است هدف و مقصدی که نوع انسان ناگزیر بر اثر نیروهای وحدت بخش حیات به سویش روان است. ۱۹۹

حضرت شوقی ربانی

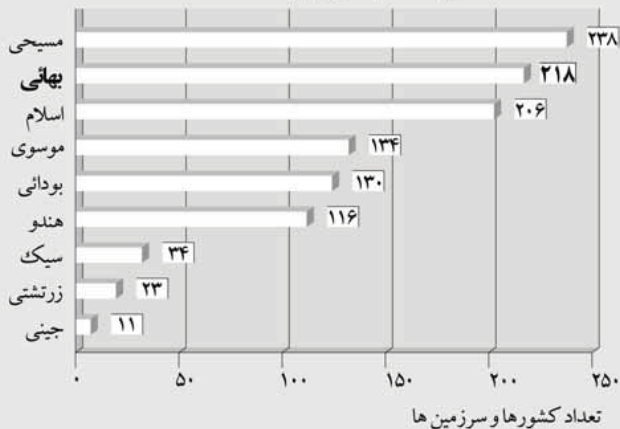
(بخشی از توفیق مورخ یازدهم مارس ۱۹۳۶)

پیوست شماره ۲:

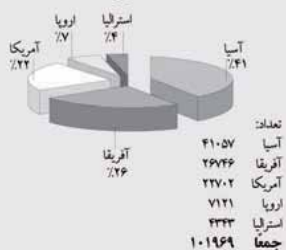
نظری به آمار و ارقام						
اروپا	استرالیا	آسیا	آمریکا	آفریقا	جمع	
۲۲	۲۵۰	۲۵۰	۳۴۰	۱۲۵۰	۲۱۱۲	اقوام، قبایل و نژادها
۸۰	۱۱۰	۱۷۴	۱۷۲	۲۶۶	۸۰۲	ترجمه آثار بهائی به زبان ها
						نفوذ آئین بهائی در:
۴۴	۱۴	۴۵	۳۵	۵۳	۱۹۱	کشورهای مستقل:
۸	۱۳	۳	۱۷	۶	۴۷	غیرمستقل و جزایر:
۷۱۲۱	۴۲۴۲	۴۱۰۵۷	۲۲۷۰۲	۲۶۷۴۶	۱۰۱۹۶۹	تعداد نقاط:
۳۷	۱۷	۴۰	۴۳	۴۶	۱۸۳	مخافت روحانی ملی
۸۶۰	۷۷۷	۲۱۸۶	۲۷۴۱	۳۰۶۷	۹۶۳۱	مخافت روحانی محلی
۱۳	۱۱	۱۹	۱۹	۱۹	۸۱	مشاورین قاره ای
۱۲۶	۱۰۸	۲۸۸	۲۳۴	۲۳۴	۹۹۰	معاونین
۱۲	۲	۹	۳	۷	۳۳	مؤسسات مطبوعاتی بهائی

ماخذ: اداره آمار مرکز جهانی بهائی، ۲۰۰۴ م

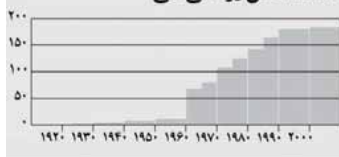
نمودار توزیع جغرافیایی ادیان در جهان (مأخذ: دایرة المعارف بریتانیکا، سالنامه ۲۰۰۷)



نقاطی در جهان که یهانیان در آنها مقیم اند مجموعاً ۱۰۱۹۶۹ نقطه به شرح نمودار زیر:



تعداد محافل روحانی ملی



یادداشت‌ها

- ۱ - نگاه کنید به مقاله Bahá'í Faith در DVD ۲۰۰۷ Encyclopaedia Britannica Ultimate Reference Suite، ۱۹۹۴ - Encyclopaedia Britannica, Inc ۲۰۰۷
- ۲ - منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ دوم، سال ۱۶۳ بدیع، ۲۰۰۶ م، فقره ۳۴۳
- ۳ - مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ دوم، سال ۱۵۶ بدیع، ۲۰۰۰ م، فقره ۱۱۳
- ۴ - کلمات مکتوبه (عربی)، خط مشکن قلم، لجنه نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، سال ۱۴۰ بدیع، ۱۹۸۳ م، فقره ۳
- ۵ - منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ دوم، سال ۱۶۳ بدیع، ۲۰۰۶ م، فقره ۳۰
- ۶ - منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ دوم، سال ۱۶۳ بدیع، ۲۰۰۶ م، فقره ۳۴۳
- ۷ - منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ دوم، سال ۱۶۳ بدیع، ۲۰۰۶ م، فقره ۱۳۲:۱
- ۸ - منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ دوم، سال ۱۶۳ بدیع، ۲۰۰۶ م، فقره ۳۳۵
- ۹ - منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ دوم، سال ۱۶۳ بدیع، ۲۰۰۶ م، فقره ۱۰۹:۲
- ۱۰ - منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ دوم، سال ۱۶۳ بدیع، ۲۰۰۶ م، فقره ۱۱۷
- ۱۱ - وعده صلح جهانی، ترجمه بیانیته بیت العدل اعظم خطاب به اهل عالم، اکتبر ۱۹۸۵، لجنه نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، صفحه ۱۶
- ۱۲ - منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ دوم، سال ۱۶۳ بدیع، ۲۰۰۶ م، فقره ۱۳۱:۲
- ۱۳ - Abdul-Bahá, The Promulgation of the Universal Peace, Wilmette: Bahá'í Publishing Trust - ۱۹۸۲ صفحه ۶۲ (ترجمه)
- ۱۴ - کتاب ایقان، نازله از قلم حضرت بهاءالله، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، ۱۵۵ بدیع، ۱۹۹۸ م، صفحه ۱
- ۱۵ - آیات الهی، جلد دوم، گلچینی از آثار حضرت بهاءالله برای تلاوت در هر صبح و شب، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، سال ۱۵۳ بدیع، ۱۹۹۶ م، صفحه ۳۳۹
- ۱۶ - Abdul-Bahá, The Promulgation of the Universal Peace, Wilmette: Bahá'í Publishing Trust - ۱۹۸۲، صفحه ۱۰۸ (ترجمه)
- ۱۷ - Botschaften des Universalaen Hauses der Gerechtigkeit - ۱۹۶۳ - ۱۹۸۶ فقره ۲:۱۶۶ (ترجمه)
- ۱۸ - Wa وعده صلح جهانی، ترجمه بیانیته بیت العدل اعظم خطاب به اهل عالم، اکتبر ۱۹۸۵، لجنه نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی Frauen, Forschungsabteilung des Universalen Hauses der Gerechtigkeit - ۱۹۸۶، نقل از جزوه: حضرت عبداله به نقل از جزوه: ۱۸
- ۱۹ - Bahá'í-Verlag، ۱۹۸۶، (ترجمه)

۱۹ - Abdu'l-Bahá, The Promulgation of the Universal Peace, Wilmette: Bahá'í Publishing Trust -

۱۹۸۲ صفحه ۱۰۷ (ترجمه)

۲۰ - مجموعه خطابات حضرت عبدالیهاء، قسمت اول، خطابات سفر اروپا، چاپ مؤسسه مطبوعات امری آلمان، سال ۱۹۸۴، صفحه ۱۵۸

۲۱ - Abdu'l-Bahá, The Promulgation of the Universal Peace, Wilmette: Bahá'í Publishing Trust -

۱۹۸۲ صفحه ۱۰۷ (ترجمه)

۲۲ - Abdu'l-Bahá, The Promulgation of the Universal Peace, Wilmette: Bahá'í Publishing Trust -

صفحه ۲۸۷ (ترجمه)

۲۳ - کلمات مکتونه (عربی)، خط مشکین قلم، لجنه نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، سال ۱۴۰۰ بدیع، ۱۹۸۳، م، فقره ۶۸

۲۴ - Abdu'l-Bahá, Ansprachen in Paris, Bahá'í-Verlag, ۱۴۰۰ بدیع، ۱۹۸۴، م، صفحه ۵۴ (ترجمه)

۲۵ - مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابیهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ

دوم، سال ۱۵۶ بدیع، ۲۰۰۰، م، فقره ۱۱۳

۲۶ - مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابیهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ

دوم، سال ۱۵۶ بدیع، ۲۰۰۰، م، فقره ۱۱۳

۲۷ - مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابیهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ

دوم، سال ۱۵۶ بدیع، ۲۰۰۰، م، فقره ۱۰:۲۲

۲۸ - التور الأیهی فی مفاوضات عبدالیهاء، Bahá'í-Publishing Trust, New Delhi, India, ۱۹۸۳، م، صفحه ۱۸۴

۲۹ - کلمات مکتونه (عربی)، خط مشکین قلم، لجنه نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، سال ۱۴۰۰ بدیع، ۱۹۸۳، م، فقره ۲۲

۳۰ - منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ دوم، سال ۱۶۳ بدیع، ۲۰۰۶، م، فقره ۱۵:۸۲

۳۱ - منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ دوم، سال ۱۶۳ بدیع، ۲۰۰۶، م، فقره ۱۵:۸۱

۳۲ - حضرت شوقی ربانی، به نقل از «Und zu ihm kehren wir zurück»، پاورقی شماره ۷۳ (ترجمه)

۳۳ - منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ دوم، سال ۱۶۳ بدیع، ۲۰۰۶، م، فقره ۲:۸۰

۳۴ - التور الأیهی فی مفاوضات عبدالیهاء، Bahá'í-Publishing Trust, New Delhi, India, ۱۹۸۳، م، صفحه ۱۶۰

۳۵ - منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ دوم، سال ۱۶۳ بدیع، ۲۰۰۶، م، فقره ۱۵:۸۱

۳۶ - منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ دوم، سال ۱۶۳ بدیع، ۲۰۰۶، م، فقره ۷:۹

۳۷ - مجموعه خطابات حضرت عبدالیهاء، قسمت اول در سفر اول اروپا، لجنه نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، سال ۱۴۰۰ بدیع، ۱۹۸۴، م،

صفحه ۱۴

۳۸ - کلمات مکتونه (فارسی)، خط مشکین قلم، لجنه نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، سال ۱۴۰۰ بدیع، ۱۹۸۳، م، فقره ۴

۳۹ - حضرت شوقی ربانی، به نقل از «Dawn of a New Day»، صفحه ۵۵ (ترجمه)

- ۴۰- النور الأبهی فی مفاوضات عبدالبهاء، Bahá'í-Publishing Trust, New Delhi, India، ۱۹۸۳م، صفحه ۲۰۰
- ۴۱- حضرت شوقی ربانی، به نقل از کتاب Lights of Guidance، بند ۷۰۳ (ترجمه)
- ۴۲- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، Bahá'í Publishing Trust, Wilmette, Illinois، سال ۱۹۷۹م، بند ۱۶۹، صفحه ۱۹۴
- ۴۳- منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ دوم، سال ۱۶۳ بدیع، ۲۰۰۶م، فقره ۱: ۳۴
- ۴۴- کلمات مکتونه (عربی)، خط مشکین قلم، لجنه نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، سال ۱۴۰ بدیع، ۱۹۸۳م، فقره ۴
- ۴۵- منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ دوم، سال ۱۶۳ بدیع، ۲۰۰۶م، فقره ۱: ۱۵۳
- ۴۶- مجموعه خطابات حضرت عبدالبهاء، قسمت اول، خطابات سفر اروپا، چاپ مؤسسه مطبوعات امری آلمان، سال ۱۹۸۴، صفحه ۲۱۳
- ۴۷- النور الأبهی فی مفاوضات عبدالبهاء، Bahá'í-Publishing Trust, New Delhi, India، ۱۹۸۳م، صفحه ۱۳۴
- ۴۸- کتاب اقدس، ناشر: مرکز جهانی بهائی، سال ۱۹۹۵م، بند ۳
- ۴۹- کتاب اقدس، ناشر: مرکز جهانی بهائی، سال ۱۹۹۵م، بند ۴
- ۵۰- منتخبات آیات از آثار حضرت نقطه اولی، مؤسسه مطبوعات امری ایران، سال ۱۳۴ بدیع
- ۵۱- حضرت شوقی ربانی، دور بهائی، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، لجنه نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، ۱۴۴ بدیع، ۱۹۸۸م، صفحه ۷
- ۵۲- پروفیسور ادوارد در براون به نقل از کتاب بهاء الله و عصر جدید، تألیف ح. ای. اسلمنت، طبع دار النشر البهائیه فی البرازیل، ۱۴۵ بدیع، ۱۹۸۸م، صفحه ۴۹
- ۵۳- بهاء الله شمس حقیقت، نوشته حسن موقر بالیوزی، ترجمه مینو ثابت، مؤسسه مطبوعاتی جورج رونالد، اسکفور، ۱۹۸۹م، صفحه ۳۳
- ۵۴- همتا
- ۵۵- همتا
- ۵۶- همتا
- ۵۷- حضرت بهاء الله، لوح مبارک خطاب به شیخ محمد تقی مجتهد اصفهانی معروف به نجفی، لجنه نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، سال ۱۳۸ بدیع، صفحه ۱۵
- ۵۸- حضرت شوقی ربانی در کتاب قرن بدیع، مؤسسه معارف بهائی، دانداس، کانادا، سال ۱۹۹۲م، صفحه ۳۱۰
- ۵۹- حضرت بهاء الله، لوح مبارک خطاب به شیخ محمد تقی مجتهد اصفهانی معروف به نجفی، لجنه نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، سال ۱۳۸ بدیع، صفحه ۸
- ۶۰- کلمات مکتونه (فارسی)، خط مشکین قلم، لجنه نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، سال ۱۴۰ بدیع، ۱۹۸۳م، فقره ۴۴
- ۶۱- کلمات مکتونه (فارسی)، خط مشکین قلم، لجنه نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، سال ۱۴۰ بدیع، ۱۹۸۳م، فقره ۶۶
- ۶۲- کلمات مکتونه (فارسی)، خط مشکین قلم، لجنه نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، سال ۱۴۰ بدیع، ۱۹۸۳م، فقره ۷۶
- ۶۳- منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ دوم، سال ۱۶۳ بدیع، ۲۰۰۶م، فقره ۱: ۱۲۰
- ۶۴- منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ دوم، سال ۱۶۳ بدیع، ۲۰۰۶م، فقره ۲: ۱۲۰

- ۶۵- منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ دوم، سال ۱۶۳ بدیع، ۲۰۰۶م، فقره ۱۱۹
- ۶۶- نگاه کنید به: Schaefer, Towfigh, Gollmer, Desinformation als Methode: Die Bahá'ismus- Monographie des F.Ficicchia، صص ۵۱۹، ۴۹۲
- ۶۷- نگاه کنید به: Schaefer, Towfigh, Gollmer, Desinformation als Methode: Die Bahá'ismus- Monographie des F.Ficicchia، صص ۵۳۴، ۵۳۳
- ۶۸- کتاب مبین، آثار قلم اعلی، جلد اول، چاپ مؤسسه معارف بهائی، دانداس، کانادا، سال ۱۹۹۶م، صفحه ۵۵
- ۶۹- کتاب اقدس، ناشر: مرکز جهانی بهائی، سال ۱۹۹۵م، بند ۹۰
- ۷۰- کتاب مبین، آثار قلم اعلی، جلد اول، چاپ مؤسسه معارف بهائی، دانداس، کانادا، سال ۱۹۹۶م، صفحه ۳۴
- ۷۱- مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ دوم، سال ۱۵۶ بدیع، ۲۰۰۰م، فقره ۳۷: ۳۰
- ۷۲- مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ دوم، سال ۱۵۶ بدیع، ۲۰۰۰م، فقره ۱۱۸
- ۷۳- بهاء الله شمس حقیقت، نوشته محسن موقر بالویزی، ترجمه مینو ثابت، مؤسسه مطبوعاتی جورج رونالد، اسکفورد، ۱۹۸۹م، صفحه ۳۶۲
- ۷۴- الواح لحضرة بهاء الله الی الملوک و الرؤساء، صفحه ۳۷
- ۷۵- حضرت شوقی ربانی در کتاب اقدس، ناشر: مرکز جهانی بهائی، سال ۱۹۹۵م
- ۷۶- مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ دوم، سال ۱۵۶ بدیع، ۲۰۰۰م، فقره ۱۵: ۲
- ۷۷- مصابیح هدایت، جلد ششم، صفحه ۴۴۶
- ۷۸- حضرت عبدالبهاء به نقل از کتاب بهاء الله و عصر جدید، تألیف ج. ای. اسلمنت، طبع دارالنشر البهائیه فی البرازیل، ۱۴۵ بدیع، ۱۹۸۸م، صفحه ۱۰
- ۷۹- حضرت عبدالبهاء، مجموعه مناجات ها، لجنه نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، ۱۴۸ بدیع، ۱۹۹۲م، مناجات شماره ۵۷
- ۸۰- منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ دوم، سال ۱۶۳ بدیع، ۲۰۰۶م، فقره ۲: ۷۰
- ۸۱- پیام بیت العدل اعظم به بهائیان عالم، مورخ ۲۸ دسامبر ۱۹۹۹ (ترجمه)
- ۸۲- حضرت عبدالبهاء به نقل از کتاب بهاء الله و عصر جدید، تألیف ج. ای. اسلمنت، طبع دارالنشر البهائیه فی البرازیل، ۱۴۵ بدیع، ۱۹۸۸م، صفحه ۱۰۶
- ۸۳- به نقل از پیام بیت العدل اعظم مورخ اوّل سپتامبر ۱۹۸۳ به جامعه بهائیان اروپا
- ۸۴- کتاب ايقان، نازله از قلم حضرت بهاء الله، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، ۱۵۵ بدیع، ۱۹۹۸م، صفحه ۱۵۸
- ۸۵- مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ دوم،

سال ۱۵۶ بدیع، ۲۰۰۰ م، فقره ۹۴

۹۶- کتاب اقدس، ناشر: مرکز جهانی بهائی، سال ۱۹۹۵ م، بند ۱۲۰

۸۷- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ دوم، سال ۱۶۳ بدیع، ۲۰۰۶ م، فقره ۱۳۹۸

۸۸- مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ دوم،

سال ۱۵۶ بدیع، ۲۰۰۰ م، فقره ۷:۱۵

۸۹- نگاه کنید به: Brief an die Bahá'í der USA ۱۹۹۴، Das Universale Haus der Gerechtigkeit،

۹۰- حضرت بهاءالله به نقل از کتاب بهاءالله و عصر جدید، تألیف ج. ای. اسلمنت، طبع دارالنشر البهائیه فی البرازیل، ۱۴۵ بدیع، ۱۹۷۸ م، صفحه ۹

۹۱- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبداله، Bahá'í Publishing Trust, Wilmette, Illinois، سال ۱۹۷۹ م، بند ۱۶، صفحه ۳۱

۹۲- مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ دوم،

سال ۱۵۶ بدیع، ۲۰۰۰ م، فقره ۱۵:۴

۹۳- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ دوم، سال ۱۶۳ بدیع، ۲۰۰۶ م، فقره ۱۲۵:۳

۹۴- کلمات مکتوبه (عربی)، خط مشکین قلم، لجنه نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، سال ۱۴۰ بدیع، ۱۹۸۳ م، فقره ۲۷

۹۵- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبداله، Bahá'í Publishing Trust, Wilmette, Illinois، سال ۱۹۷۹ م، بند ۱۴، صفحه ۱۶۵

۹۶- کتاب امر و خلق، جلد ۳، صفحه ۱۳۶

۹۷- Bahá'í Publishing Trust, Wilmette: Bahá'í, The Promulgation of the Universal Peace, ۱۹۸۲

صفحه ۲۱۸ (ترجمه)

۹۷a- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ دوم، سال ۱۶۳ بدیع، ۲۰۰۶ م، فقره ۵

۹۸- مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ دوم،

سال ۱۵۶ بدیع، ۲۰۰۰ م، لوح اشراقات، بند ۸:۵۵، صفحه ۷۴

۹۹- وعده صلح جهانی، ترجمه بیانیتهیت العدل اعظم خطاب به اهل عالم، ۱۹۸۵، لجنه نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، صفحه ۳۴

۱۰۰- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبداله، Bahá'í Publishing Trust, Wilmette, Illinois، سال ۱۹۷۹ م، بند ۱۴، صفحه ۸۴

۱۰۱- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبداله، Bahá'í Publishing Trust, Wilmette, Illinois، سال ۱۹۷۹ م، بند ۱۴، صفحه ۸۵

۱۰۲- کتاب اقدس، بخش یادداشت ها و توضیحات، بند ۸۸، صفحه ۱۶۵

۱۰۳- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبداله، Bahá'í Publishing Trust, Wilmette, Illinois، سال ۱۹۷۹ م، بند ۸۶، صفحه ۱۱۵

۱۰۴- حضرت عبداله، به نقل از جزوه Bahá'í-Ehen und ihr Schutz، بند ۶ (ترجمه)

۱۰۵- حضرت شوقی ربانی به نقل از جزوه Liebe und Ehe، صفحه ۲۱ (ترجمه)

۱۰۶- بیت العدل اعظم به نقل از جزوه Liebe und Ehe، صفحه ۶۸ (ترجمه)

۱۰۷- کتاب اقدس، ناشر: مرکز جهانی بهائی، سال ۱۹۹۵ م، بخش سؤال و جواب، بند ۳

- ۱۰۸- بخشی از بیانات حضرت عبدالبهاء خطاب به یکی از جوانان و پندهای آن حضرت در مورد انتخاب همسر و زندگی زناشویی
- ۱۰۹- بهاءالله و عصر جدید؛ تألیف ح.ج. اسلمنت، طبع دارالنشر البهائیه فی البرازیل، ۱۴۵، بدیع، ۱۹۸۸، م، صفحه ۱۹۹
- ۱۱۰- حضرت شوقی ربانی به نقل از جزوه Die Bewahrung der Bahá'í-Ehen: Ein Memorandum des Universalen Hauses der Gerechtigkeit، مورخ دسامبر ۱۹۹۰ (ترجمه)
- ۱۱۱- کتاب اقدس، ناشر: مرکز جهانی بهائی، سال ۱۹۹۵، م، بند ۶۳
- ۱۱۲- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، Bahá'í Publishing Trust, Wilmette, Illinois، سال ۱۹۷۹، م، بند ۳، صفحه ۱۲۶
- ۱۱۳- مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ دوم، سال ۱۵۶، بدیع، ۲۰۰۰، م، لوح مقصود، صفحه ۹۶
- ۱۱۴- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، Bahá'í Publishing Trust, Wilmette, Illinois، سال ۱۹۷۹، م، بند ۱۲۱، صفحه ۱۳۸
- ۱۱۵- حضرت عبدالبهاء به نقل از جزوه Ziele der Kindererziehung، صفحه ۷۲ (ترجمه)
- ۱۱۶- از پیام بیت العدل اعظم، رضوان ۱۵۷، آوریل ۲۰۰۰، م، به نقل از مجله پیام بهائی شماره ۲۴۷، ژوئن ۲۰۰۰ م
- ۱۱۷- همانجا
- ۱۱۸- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، Bahá'í Publishing Trust, Wilmette, Illinois، سال ۱۹۷۹، م، بند ۱۱۰
- ۱۱۹- همانجا
- ۱۲۰- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، Bahá'í Publishing Trust, Wilmette, Illinois، سال ۱۹۷۹، م، بند ۹۵
- ۱۲۱- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ دوم، سال ۱۶۳، بدیع، ۲۰۰۶، م، فقره ۱:۱۳۲
- ۱۲۲- مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ دوم، سال ۱۵۶، بدیع، ۲۰۰۰، م، فقره ۱۱:۱۷۵
- ۱۲۳- بهاءالله و عصر جدید؛ تألیف ح.ج. اسلمنت، طبع دارالنشر البهائیه فی البرازیل، ۱۴۵، بدیع، ۱۹۸۸، م، صفحه ۹۵
- ۱۲۴- گنجینه حدود و احکام، تألیف عبدالحمید اشراق خاوری، مؤسسه ملی مطبوعات امری، سال ۱۲۸، بدیع، صفحه ۳۵۲
- ۱۲۵- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ دوم، سال ۱۶۳، بدیع، ۲۰۰۶، م، فقره ۱:۱۲۸۴
- ۱۲۶- حضرت شوقی ربانی به نقل از کتاب اقدس، ناشر: مرکز جهانی بهائی، سال ۱۹۹۵، م، بخش یادداشت ها و توضیحات، بند ۲۵
- ۱۲۷- کتاب اقدس، ناشر: مرکز جهانی بهائی، سال ۱۹۹۵، م، بند ۱۱۹
- ۱۲۸- کتاب اقدس، ناشر: مرکز جهانی بهائی، سال ۱۹۹۵، م، بند ۱۱۳
- ۱۲۹- مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ دوم، سال ۱۵۶، بدیع، ۲۰۰۰، م، فقره ۱۰:۱۳
- ۱۳۰- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ دوم، سال ۱۶۳، بدیع، ۲۰۰۶، م، فقره ۳۴۸
- ۱۳۱- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ دوم، سال ۱۶۳، بدیع، ۲۰۰۶، م، فقره ۷۷

- ۱۳۲- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ دوم، سال ۱۶۳ بدیع، ۲۰۰۶م، فقره ۱۱۸:۴
- ۱۳۳- حضرت شوقی ربانی به نقل از Lights of Guidance، بند ۲۰۳۹، (ترجمه)
- ۱۳۴- بیت العدل اعظم به نقل از جزوه Die Institution der Berater، صفحه ۹، (ترجمه)
- ۱۳۵- حضرت شوقی ربانی به نقل از جزوه Bahá'í-Wahlen، صفحه ۵، (ترجمه)
- ۱۳۶- حضرت عبدالبهاء به نقل از جزوه Beratung، صفحه ۷، (ترجمه)
- ۱۳۷- حضرت عبدالبهاء به نقل از جزوه Bahá'í-Versammlungen und Neunzehntagefest، صفحه ۲۵، (ترجمه)
- ۱۳۸- حضرت عبدالبهاء به نقل از جزوه Kindererziehung – Schule und Berufsbildung، صفحه ۱۵۸، (ترجمه)
- ۱۳۹- کتاب اقدس، ناشر: مرکز جهانی بهائی، سال ۱۹۹۵م، بند ۵۱
- ۱۴۰- حضرت عبدالبهاء به نقل از جزوه Kindererziehung – Schule und Berufsbildung، صفحه ۱۵۷، (ترجمه)
- ۱۴۱- حضرت شوقی ربانی به نقل از کتاب Der Bahá'í in der modernen Welt، صفحه ۳۸۵، (ترجمه)
- ۱۴۲- حضرت شوقی ربانی به نقل از کتاب Gebet، صفحه ۳۰۰، (ترجمه)
- ۱۴۳- بیت العدل اعظم به نقل از کتاب اقدس، ناشر مرکز جهانی بهائی، سال ۱۹۹۵م، بخش یادداشت ها و توضیحات بند ۵۳
- ۱۴۴- بیت العدل اعظم به نقل از کتاب اقدس، ناشر: مرکز جهانی بهائی، سال ۱۹۹۵م، بخش یادداشت ها و توضیحات، بند ۵۳
- ۱۴۵- بهاءالله و عصر جدید، تألیف ج.ای. اسلمنت، طبع دارالنشر البهائیه فی البرازیل، ۱۴۵ بدیع، ۱۹۸۸م، صفحه ۲۰۶
- ۱۴۶- بیت العدل اعظم به نقل از کتاب اقدس، ناشر مرکز جهانی بهائی، سال ۱۹۹۵م، بخش یادداشت ها و توضیحات بند ۲۹
- ۱۴۷- بهاءالله و عصر جدید، تألیف ج.ای. اسلمنت، طبع دارالنشر البهائیه فی البرازیل، ۱۴۵ بدیع، ۱۹۸۸م، صفحه ۲۰۵
- ۱۴۸- نگاه کنید به: Internationale Bahá'í Gemeinde, Wendezeit für die Nationen: Vorschläge zum Thema: Global Governance, Ein Statement der Internationalen Bahá'í-Gemeinde, Hofheim-Langenhain; Bahá'í-Verlag, ۱۹۹۶
- ۱۴۹- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ دوم، سال ۱۶۳ بدیع، ۲۰۰۶م، فقره ۱۰۶:۱
- ۱۵۰- حضرت عبدالبهاء در رساله مدنیّه
- ۱۵۱- آمار جامعه جهانی بهائی در: The Bahá'í World، ۲۰۰۲-۲۰۰۳، Haifa: Bahá'í World Center Publications، ۲۰۰۴، صفحه ۲۸۱
- ۱۵۲- نگاه کنید به: Ernst Ulrich von Weizsäcker, EXPO-Festakt، مورخ دوم ژوئن ۲۰۰۰، در: Der Nationale Geist
- ۱۵۳- حضرت شوقی ربانی به نقل از جزوه Die Bewahrung der Erde und ihrer Hilfsquellen، بند ۳، (ترجمه)
- ۱۵۴- همانجا
- ۱۵۵- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ دوم، سال ۱۶۳ بدیع، ۲۰۰۶م، فقره ۱۱۰

- ۱۵۶- بیت العدل اعظم خطاب به سران مذهبی جهان *An die Religiösen Führer der Welt*، آوریل ۲۰۰۲
- ۱۵۷- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ دوم، سال ۱۹۳۰ بدیع، ۲۰۰۶م، فقره ۱۱۰
- ۱۵۸- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ دوم، سال ۱۹۳۰ بدیع، ۲۰۰۶م، فقره ۱۳۲
- ۱۵۹- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبداله، Bahá'í Publishing Trust, Wilmette, Illinois، سال ۱۹۷۹م بندهای ۱۳۰ و ۱۳۱، ص ۱۴۷
- ۱۶۰- مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ دوم، سال ۱۵۶ بدیع، ۲۰۰۰م، فقره ۱۱:۲۰
- ۱۶۱- کلمات مکتونه (فارسی)، خط مشکین قلم، لجنه نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، سال ۱۴۰ بدیع، ۱۹۸۳م، فقره ۳۳
- ۱۶۲- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ دوم، سال ۱۹۳۰ بدیع، ۲۰۰۶م، فقره ۱۳۲
- ۱۶۳- کلمات مکتونه (فارسی)، خط مشکین قلم، لجنه نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، سال ۱۴۰ بدیع، ۱۹۸۳م، فقرات ۵۴ و ۵۵
- ۱۶۴- کلمات مکتونه (فارسی)، خط مشکین قلم، لجنه نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، سال ۱۴۰ بدیع، ۱۹۸۳م، فقره ۷۵
- ۱۶۵- بهاءالله و عصر جدید، تألیف ج. ای. اسلمنت، طبع دارالنشر البهائیه فی البرازیل، ۱۴۵ بدیع، ۱۹۸۸م، صفحه ۱۲۵
- ۱۶۶- نفحات ظهور حضرت بهاءالله، صفحه ۱۱۳ (ترجمه)
- ۱۶۷- بهاءالله و عصر جدید، تألیف ج. ای. اسلمنت، طبع دارالنشر البهائیه فی البرازیل، ۱۴۵ بدیع، ۱۹۸۸م، صفحه ۷۰
- ۱۶۸- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ دوم، سال ۱۹۳۰ بدیع، ۲۰۰۶م، فقره ۵
- ۱۶۹- کلمات مکتونه (فارسی)، خط مشکین قلم، لجنه نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، سال ۱۴۰ بدیع، ۱۹۸۳م، فقره ۳۰
- ۱۷۰- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ دوم، سال ۱۹۳۰ بدیع، ۲۰۰۶م، فقره ۱۳۲
- ۱۷۱- حضرت شوقی ربانی، توقیعات مبارکه، ۱۹۲۲- ۱۹۲۶، ناشر مؤسسه مطبوعات امری ایران، صفحه ۱۰۷
- ۱۷۲- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ دوم، سال ۱۹۳۰ بدیع، ۲۰۰۶م، فقره ۱۱۰
- ۱۷۳- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ دوم، سال ۱۹۳۰ بدیع، ۲۰۰۶م، فقره ۱۵۱
- ۱۷۴- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبداله، Bahá'í Publishing Trust, Wilmette, Illinois، سال ۱۹۷۹م، بند ۳۵، صفحه ۶۶
- ۱۷۵- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبداله، Bahá'í Publishing Trust, Wilmette, Illinois، سال ۱۹۷۹م، بند ۱۶، صفحه ۳۳
- ۱۷۶- ادعیه حضرت محبوب، مجموعه مناجات های حضرت بهاءالله، چاپ مصر، سال ۱۳۳۹ هجری قمری، صفحه ۳۶۲
- ۱۷۷- چشمه محبت، مجموعه کوچک مناجات های حضرت بهاءالله و حضرت عبداله، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، لجنه نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، سال ۱۶۰ بدیع، ۲۰۰۴م، شماره ۲۸
- ۱۷۸- ادعیه حضرت محبوب، مجموعه مناجات های حضرت بهاءالله، چاپ مصر، سال ۱۳۳۹ هجری قمری، صفحه ۳۳۶
- ۱۷۹- چشمه محبت، مجموعه کوچک مناجات های حضرت بهاءالله و حضرت عبداله، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، لجنه نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، سال ۱۶۰ بدیع، ۲۰۰۴م، شماره ۲۰

- ۱۸۰- چشمه‌محبّت، مجموعه کوچک مناجات‌های حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، لجنه‌نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، سال ۱۶۰ بدیع، ۲۰۰۴م، شماره ۱۸
- ۱۸۱- دعای «هل من مفرج...» از حضرت باب‌نگاه کنید: به‌خدا یا هدایت‌نما، مناجات و ادعیه برای کودکان، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، سال ۱۵۸ بدیع، ۲۰۰۱م، صفحه ۱۹
- ۱۸۲- چشمه‌محبّت، مجموعه کوچک مناجات‌های حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، لجنه‌نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، سال ۱۶۰ بدیع، ۲۰۰۴م، شماره ۱۹
- ۱۸۳- ادعیه حضرت محبوب، مجموعه مناجات‌های حضرت بهاء‌الله، چاپ مصر، سال ۱۳۳۹ هجری قمری، صفحه ۳۵۰
- ۱۸۴- مجموعه اذکار و ادعیه من آثار حضرت بهاء‌الله، چاپ برزیل، ۱۳۸۰ بدیع، فقره ۱۷۰، صفحه ۱۷۶
- ۱۸۵- حضرت عبدالبهاء، مجموعه مناجات‌ها، لجنه‌نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، ۱۴۸۰ بدیع، ۱۹۹۲م، مناجات شماره ۳۵۷
- ۱۸۶- حضرت عبدالبهاء، مجموعه مناجات‌ها، لجنه‌نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، ۱۴۸۰ بدیع، ۱۹۹۲م، مناجات شماره ۴۳۰
- ۱۸۷- خدایا هدایت‌نما، مناجات و ادعیه برای کودکان، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، سال ۱۵۸ بدیع، ۲۰۰۱م، صفحه ۹
- ۱۸۸- حضرت عبدالبهاء، مجموعه مناجات‌ها، لجنه‌نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، ۱۴۸۰ بدیع، ۱۹۹۲م، مناجات شماره ۴۳۴
- ۱۸۹- چشمه‌محبّت، مجموعه کوچک مناجات‌های حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، لجنه‌نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، سال ۱۶۰ بدیع، ۲۰۰۴م، شماره ۲۲
- ۱۹۰- منتخبانی از الواح و آثار مبارکه جهت تلاوت در محافل تذکّر، مؤسسه مطبوعات امری ایران، سال ۱۲۱ بدیع، صفحه ۵۶
- ۱۹۱- حضرت عبدالبهاء، مجموعه مناجات‌ها، لجنه‌نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، ۱۴۸۰ بدیع، ۱۹۹۲م، مناجات شماره ۱۷۶
- ۱۹۲- چشمه‌محبّت، مجموعه کوچک مناجات‌های حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، لجنه‌نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، سال ۱۶۰ بدیع، ۲۰۰۴م، شماره ۹
- ۱۹۳- حضرت عبدالبهاء، مجموعه مناجات‌ها، لجنه‌نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، ۱۴۸۰ بدیع، ۱۹۹۲م، مناجات شماره ۲۶۲
- ۱۹۴- چشمه‌محبّت، مجموعه کوچک مناجات‌های حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، لجنه‌نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، سال ۱۶۰ بدیع، ۲۰۰۴م، شماره ۴۶
- ۱۹۵- خدایا هدایت‌نما، مناجات و ادعیه برای کودکان، مؤسسه مطبوعات امری آلمان، سال ۱۵۸ بدیع، ۲۰۰۱م، صفحه ۳۹
- ۱۹۶- مناجات حضرت عبدالبهاء که در مراسم عقد و ازدواج تلاوت می‌شود
- ۱۹۷- حضرت عبدالبهاء، مجموعه مناجات‌ها، لجنه‌نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، ۱۴۸۰ بدیع، ۱۹۹۲م، مناجات شماره ۴۴۲
- ۱۹۸- مجموعه اذکار و ادعیه من آثار حضرت بهاء‌الله، چاپ برزیل، ۱۳۸۰ بدیع، فقره ۱۸۱، صفحه ۲۰۹
- ۱۹۹- نظم جهانی بهائی، منتخبانی از آثار صادره از قلم حضرت ولی‌امرالله، ترجمه و اقتباس: هوشمند فتح اعظم، مؤسسه معارف بهائی، ۱۹۸۹م، صفحه ۱۶۵

اسامی هنرمندان عکاس

Fotografen

Abrar, Marco: 45, 67, 72, 115, cover

Caillard, Martine: 16, 17, 81, 97, 102

Enayati, Hale: 31, 75, 85, 86, 103

Hennig, Christina: 87

Klapp, Karsten: 61

Mundt, Albert: 50

Pasichnyk, Stanislav: 59

Rafat, Neysan: 112

Reyhani, Ruha: 78

Schaefer, Christin: 103

Schramm, Alexander: 17, 20, 26, 27, 29, 32, 33, 34, 36, 37, 38, 41, 42, 68, 69, 70, 71, 74, 77, 78, 79, 84, 85, 86, 87, 88, 90, 91, 95, 96, 105, 106, 108, 120

Schuster, Joachim: 49, 93

Shilov, Vladimir: 109

Towfigh, Nadi: 73, 85, 89

von Both, Claudia: 87

Fotoarchive

Bahá'í Media Bank (Bahá'í International Community): 66, 99, 108, 109, 111, 117, 119

Bahá'í World Centre: 14, 23, 24, 37, 46, 48, 60, 62, 63, 64, 65, 118, 122, cover

Bahá'í World News Service: 30, 101

Médiathèque – Centre de Ressources Bahá'íes Francophones: 50, 54, 55

Kunsthandlung Seidel & Sohn, Berlin: 54

Team für Gestaltung, Jülich (Grafiken): 21, 48, 144, 145

کتاب شناسی

از آثار حضرت بهاءالله

الواح لحضرة بهاءالله الى الملوك والرؤساء من منشورات النشر البهائية في البرازيل، نيسان ۱۹۸۳
آیات الهی، جلد دوم، گلچینی از آثار حضرت بهاءالله برای تلاوت در هر صبح و شب، لجنة نشر آثار
امری به لسان فارسی و عربی، مؤسسه مطبوعات بهائی آلمان، Bahá'í-Verlag، سال ۱۵۳ بدیع، ۱۹۹۶ م
کتاب اقدس، ناشر: مرکز جهانی بهائی، سال ۱۹۹۵ م
کتاب ایقان، نازله از قلم حضرت بهاءالله، لجنة نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، مؤسسه
مطبوعات بهائی آلمان، Bahá'í-Verlag، سال ۱۵۵ بدیع، ۱۹۹۸ م
کتاب مبین، آثار قلم اعلی، جلد اول، مؤسسه معارف بهائی، دانداس، کانادا، سال ۱۹۹۶ م
کلمات مکتونه (عربی و فارسی)، خط مشکین قلم، لجنة نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، مؤسسه
مطبوعات بهائی آلمان، Bahá'í-Verlag، سال ۱۴۰ بدیع، ۱۹۸۳ م
لوح مبارک خطاب به شیخ محمد تقی مجتهد اصفهانی معروف به نجفی، لجنة نشر آثار امری به لسان
فارسی و عربی، مؤسسه مطبوعات بهائی آلمان، Bahá'í-Verlag، سال ۱۳۸ بدیع، ۱۹۸۲ م
مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، لجنة نشر آثار امری به لسان
فارسی و عربی، مؤسسه مطبوعات بهائی آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ دوم، سال ۱۵۶ بدیع، ۲۰۰۰ م
منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، لجنة نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، مؤسسه مطبوعات بهائی
آلمان، Bahá'í-Verlag، چاپ دوم، سال ۱۶۳ بدیع، ۲۰۰۶ م

حضرت باب

منتخبات آیات از آثار حضرت نقطه اولی، مؤسسه مطبوعات امری ایران، سال ۱۳۴ بدیع

حضرت عبدالبهاء

النور الأبهي في مفاوضات عبدالبهاء، Bahá'í-Publishing Trust, New Delhi, India، سال ۱۹۸۳ م
رسالة مدنيّه، لجنة نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، مؤسسه مطبوعات بهائی آلمان، Bahá'í-Verlag
مجموعه خطابات حضرت عبدالبهاء، قسمت اول، خطابات سفر اروپا، چاپ مؤسسه مطبوعات بهائی
آلمان، سال ۱۹۸۴ م
منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، Bahá'í Publishing Trust, Wilmette, Illinois، سال ۱۹۷۹ م

Abdu'l-Bahá, The Promulgation of the Universal Peace, Wilmette: Bahá'í Publishing Trust, 1982

Abdu'l-Bahá, Ansprachen in Paris, Bahá'í-Verlag, 140 B.E, 1984 AD

ادعیه و مناجات

ادعیه حضرت محبوب، مجموعه مناجات های حضرت بهاء الله، چاپ مصر، سال ۱۳۳۹ هجری قمری
بشاره النور، گلچینی از الواح و آثار مبارکه حضرت بهاء الله، حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله به
مناسبت صعود عزیزان و جهت تلاوت برای ارتقاء روح متصاعدين الى الله، لجنة نشر آثار امری به لسان
فارسی و عربی، مؤسسه مطبوعات بهائی آلمان، Bahá'í-Verlag، سال ۱۶۵ بدیع، ۲۰۰۸ م
چشمه محبت، مجموعه کوچک مناجات های حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء، لجنة نشر آثار امری
به لسان فارسی و عربی، مؤسسه مطبوعات بهائی آلمان، Bahá'í-Verlag، سال ۱۶۰ بدیع، ۲۰۰۴ م
حضرت عبدالبهاء، مجموعه مناجات ها، لجنة نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، مؤسسه مطبوعات
بهائی آلمان، Bahá'í-Verlag، ۱۴۸ بدیع، ۱۹۹۲ م
خدایا هدایت نما، مناجات و ادعیه برای کودکان، مؤسسه مطبوعات بهائی آلمان، Bahá'í-Verlag، سال
۱۵۸ بدیع، ۲۰۰۱ م
مجموعه اذکار و ادعیه من آثار حضرت بهاء الله، من منشورات النشر البهائیه فی البرازیل، ۱۳۸ بدیع، آذار
۱۹۸۱

Und zu Ihm kehren wir zurück, Bahá'í-Verlag, Hofheim-Langenhain, 1993

حضرت ولی امرالله

توقیعات مبارکه، ۱۹۲۲-۱۹۲۶، ناشر مؤسسه مطبوعات امری ایران
دور بهائی، لجنة نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، مؤسسه مطبوعات بهائی آلمان، Bahá'í-Verlag،
سال ۱۴۴ بدیع، ۱۹۸۸ م
قرن بدیع، مؤسسه معارف بهائی، دانداس، کانادا، سال ۱۹۹۲ م
نظم جهانی بهائی، منتخباتی از آثار صادره از قلم حضرت ولی امرالله، ترجمه و اقتباس: هوشمند فتح
اعظم، مؤسسه معارف بهائی، ۱۹۸۹ م

بيت العدل اعظم

پیام بیت العدل اعظم مورخ اول سپتامبر ۱۹۸۳ به جامعه بهائیان اروپا
پیام بیت العدل اعظم به بهائیان عالم، مورخ ۲۸ دسامبر ۱۹۹۹
پیام بیت العدل اعظم، رضوان ۱۵۷، آوریل ۲۰۰۰
وعدة صلح جهانی، ترجمه بیانیة بیت العدل اعظم خطاب به اهل عالم، اکتبر ۱۹۸۵، لجنة نشر آثار امری به
لسان فارسی و عربی، مؤسسة مطبوعات بهائی آلمان، Bahá'í-Verlag

Botschaften des Universalaen Hauses der Gerechtigkeit 1963-1986

Das Universale Haus der Gerechtigkeit, Brief vom 19.5.1994 an die Bahá'í der Vereinigten Staaten von Amerika

Vorurteile überwinden - Ein Aufruf an die Repräsentanten der Religionen der Welt Hofheim-Langenhain, Bahá'í-Verlag, 2003

مجموعه ها (Compilations)

Bahá'í-Ehen und ihr Schutz, Hofheim-Langenhain, 1992

Bahá'í-Versammlungen und Neunzehntagefeste, Hofheim-Langenhain, Bahá'í-Verlag, 1978

Bahá'í-Wahlen-Heiligkeit und Wesensart- Hofheim-Langenhain, Bahá'í-Verlag, 1990

Beratung, Hofheim-Langenhain, Bahá'í-Verlag, 1979

Die Bewahrung der Bahá'í-Ehen: Memorandum des Universalen Hauses der Gerechtigkeit

Die Bewahrung der Erde und ihrer Hilfsquellen, Hofheim-Langenhain, Bahá'í-Verlag. 1990

Frauen, Forschungsabteilung des Universalen Hauses der Gerechtigkeit, Bahá'í-Verlag 1986

Gebete, Hofheim-Langenhain, Bahá'í-Verlag, 1996

Liebe und Ehe, Hofheim-Langenhain, Bahá'í-Verlag, 1981

Ziele der Kindererziehung, Hofheim-Langenhain, Bahá'í-Verlag, 1990

سایر منابع

بهاء الله شمس حقیقت، نوشته حسن موقر بالیوزی، ترجمه مینو ثابت، مؤسسه مطبوعاتی جورج رونالد، اکسفورد، ۱۹۸۹م
بهاء الله و عصر جدید، تألیف ج. ای. اسلمنت، طبع دار النشر البهائیه فی البرازیل، ۱۴۵ بدیع، ۱۹۸۸م
کتاب امر و خلق، تألیف اسدالله فاضل مازندرانی، جلد ۳
گنجینه حدود و احکام، تألیف عبدالحمید اشراق خاوری، مؤسسه ملی مطبوعات امری، سال ۱۳۸ بدیع
مصابیح هدایت، تألیف اسدالله فاضل مازندرانی، جلد ششم

Der Nartionale Geistige Rat der Bahá'í in Deutschland: One Country 2/2000, Hofheim-Langenhain 2000

Encyclopaedia Britannica Ultimate Reference Suite 2004 DVD, 1994-2003 Encyclopaedia Britannica, Inc. Sept. 15th, 2004

Kindererziehung – Schule und Berufsbildung

Internationale Bahá'í Gemeinde, Wendezeit für die Nationen: Vorschläge zum Thema Global Governance, Ein Statement der Internationalen Bahá'í-Gemeinde, Hofheim Langenhain, 1996

Lights of Guidance, New Delhi: Bahá'í Publishing Trust 1997

Schaefer, Der Bahá'í in der modernen Welt, Hofheim-Langenhain, Bahá'í-Verlag, 1981

Schaefer, Towfigh, Gollmer, Desinformation als Methode: Die Bahá'ismus-Monographie des F. Ficicchia, Georg Olms Verlag, Hildesheim, Zürich, New York 1995

Taherzadeh, Die Offenbarung Bahá'u'lláhs, Bd. I Hofheim-Langenhain, Bahá'í-Verlag, 1981

The Bahá'í World 2002-2003, Haifa: Bahá'í World Center Publications, 2004

فهرست اهمّ موضوعات

۶۱	-استدعا برای انجام خدمتی		
	ادب	آ	
۷۵	-سید اخلاق است	۱۷	آموزه های آئین بهائی
۵۵	ادرنه	۲۲	-وحدت اساس ادیان
	ادیان الهی	۲۵	-عالم یک وطن محسوب است
۲۲	-استمرار آنها	۲۵	-وحدت در کثرت
۲۳	-نمودار استمرار آنها	۲۶	-صلح جهانی
۲۳	-تعالیم تغییرپذیر و متغیر	۲۸	-تحزّی حقیقت
۲۴	-تجدید آنها شبیه به فصول سال شمسی	۲۹	-برابری حقوق زن و مرد
	استقرار وحدت و صلح	۳۱	-تطابق دین با عقل و علم
۱۸	-شرایط آن	۳۱	-ترک تعصبات
۲۵	-روندی تدریجی خواهد داشت		آثار فارسی و عربی
۲۶	-امری اجتناب ناپذیر	۶۳	-شامل همه موضوعات زندگی
۲۵	-وعده استقرار در بیانیّه صلح جهانی	۱۲۶	-گلچینی از آثار بهائی
۳۰	-مشارکت کامل زنان شرط استقرار آن		آثار مقدّسه
۵۵	اسلامبول	۷۳	-اهمیت مطالعه مرتّب روزانه آنها
	اصلاح عالم	۷۳	-یک ساعت تفکّر به از ۷۰ سال عبادت
۲۷	-منوط به اتّحاد و اتّفاق است		آداب و اخلاق
	اطفال	۷۴	-اهمیت ارزش های اخلاقی
۸۸	-اهمیت تربیت آنان		آقا
۸۸	-موجب کشف قوای ارثی و فطری	۶۶	-لقب حضرت عبدالبهاء
۸۸	-مسؤولیت والدین		آقاخان، کاتب وحی
۸۹	-اهمیت ایفای نقش سرمشق	۶۴	-شرح کتابت او حین نزول آیات
۸۹	-نقش اجتماع در تربیت اطفال		الف
۹۰	-تربیت بدنی، فکری و روحانی		احمد بیگ توفیق، متصرّف عکا
۹۰	-مهمتر پرورش اخلاقی و آداب است	۶۱	-نهایت احترام به حضرت بهاءالله
۹۰	-لزوم تشویق و پرورش حسّ مسؤولیت		

	۹۱	-پرورش رابطهٔ اطفال با خدای متعال
	۹۲	-کشف استعداد و پرورش آن
		اعیاد بهائی
	۱۱۲	-تعداد اعیاد و اسامی آنها
		اقدس، کتاب
	۶۳	-حواشی حدود و احکام آئین جدید
	۶۳	-ترسیم تشکیلات نظم اداری در آن
	۶۳	-تعیین وصی و جانشین
	۶۳	-بنیان گذاری مدنیت نوین در آن
		اقتصاد
	۱۲۱	-شرایط تأمین یک اقتصاد سالم
		الواح ملوک
	۵۵	-پیام های حضرت بهاءالله به سلاطین
	۵۶	-اسامی گیرندگان پیام ها
	۵۷	-ترسیم دورنمای جامعهٔ جهانی در آنها
		انتخابات بهائی
	۱۰۱	-سری و آزاد است
		انسان
	۲۰	-تجلی گاه اسماء و صفات الهی
		انتخاب دین
	۲۸	-اصل استقلال در انتخاب آن
	۲۸	-عدم وجود آدابی خاص
		ایران
	۱۱۸	-زادگاه آئین بهائی
	۱۱۸	-جور و ستم وارده به بهائیان
		ایقان، کتاب
	۵۴	-نزول آن در ایام اقامت در بغداد
	۵۴	-تأویل بشارات و وعود کتب مقدسه
ب		
		باب، حضرت
۴۸		-اهمّ تعالیم آن حضرت
۴۸		-مبارزهٔ طبقهٔ دولتمند و روحانی با او
۴۸		-مبشّر به ظهور آئینی جدید
		برابری حقوق زن و مرد
۲۹		-برابری ارزش آنها نزد خالق
۲۹		-عدم تعلیم و تربیت علّت وضع نامساعد
۲۹		-زنان و مردان مکمل یکدیگرند
۲۹		-تساوی حقوق به معنی تساوی وظایف نه
۳۰		-شرکت زن در امور اجتماعی شرط صلح
۲۸		بلوغ شرعی
		بهاءالله، حضرت
۱۶		-وزیرزاده و از خانواده ای اصیل
۱۷		-پیامبر موعود برای این زمان
۱۷		-تبعید به قلمرو عثمانی
۱۷		-مهمترین تعالیم
۱۸		-انواع آثار
۱۸		-تعیین وصی
۴۹		-توصیف ادوارد براون از آن حضرت
۴۹		-شرح مختصر حیات
۵۰		-زندان سیاه چال در طهران
۵۱		-شرح دریافت وحی در زندان
۵۱		-آزادی و تبعید به بغداد
۵۱		-شرح دوران بغداد
۵۳		-عزلت دو ساله در سلیمانیه
۵۳		-تبعید از بغداد به اسلامبول
۵۳		-دعوی آن حضرت

	۵۳	بودای پنجم
		بهشت و دوزخ
۳۱	- علم و دین مکمل یکدیگرند	- عقیده بهائیان راجع به آن
۳۱	- علم و دین دو بال انسانی اند	
۳۱	- تقالید ادیان مخالف عقل و علم است	بیت العدل اعظم
		- انتخاب در سال ۱۹۶۳ و طرز آن
	تعلیم و تربیت	۶۷- ۶۸
۲۹	- کمبود آن علت عقب افتادگی زنان	۲۷۲۶
۲۹	- زنان اول مریان طفلاند	۳۰
	تقویم بهائیان	۶۸
۱۱۲	- نحوه تقسیم بندی سال	
	تنسخ	پ
۴۱	- عقیده بهائیان راجع به آن	باب پی نهم
	تلاوت آیات	۵۹
۷۳	- سبب ارتباط انسان با آیات مقدسه	- بخشی از پیام حضرت بهاءالله به او
۷۳	- یک ساعت تفکر به از ۷۰ سال عبادت	پروژه های اجتماعی و اقتصادی
۷۸	تواضع و فروتنی	۱۱۹
	توکل	۱۲۰
۹۸	- اهمیت توکل به تأییدات الهیه	- نوع پروژه ها
	ج	پیامبران الهی
	جامعه جهانی بهائی	۲۰
۱۶	- پیشرفت آن	- نقش ایشان
۱۶	- نموداری کامل از تنوع عالم انسانی	۲۱
۱۶	- تعداد بهائیان	- توصیف ایشان وسیله حضرت بهاءالله
۱۹	- اداره آن به عهده دو رکن محول است	۲۴
۱۹	- نظامات اداری آن	- علت ظهور ایشان
۱۱۳	- رابطه آن با سازمان ملل متحد	۲۴
۱۱۳	- عضویت در نهادهای مختلف بین المللی	- ظهور در فواصلی معین
۱۱۴	- تقدیم پیشنهاد پیرامون مسائل مختلف	۱۱۷
		- پیامبران پزشکان دانایند
		ت
		تحرّی حقیقت
		توک تعصبات
		۲۸
		۳۲
		۳۲
		۳۲

۷۰	- طلب یاری برای رفع مشکلات	۱۱۵	- برخی از پیشنهادات به سازمان ملل
۷۱	- زیان روح و قلب انسان		جامعه محلی بهائی
۷۱	- مناجات: ای پروردگار مرا بیدار کن	۱۰۴	- انواع فعالیت ها
۷۷	دیده خطاپوش		جامعه متحد جهانی
	دین	۲۵	- تشکیل آن طی مراحل مختلف
۴۵	- سرچشمه محبت یا تعصب؟	۲۶	- جامعه ای واحد است
۴۵	- باید سبب الفت و محبت باشد	۲۶	- مسؤلیت تشکیل آن به عهده اهل عالم
۴۵	- همخوانی تعالیم با تحولات اجتماعی	۱۴۴	- چشم انداز آن از دیدگاه بهائیان
۴۶	- مشمول فرآیند ظهور و سقوط است	۵۳	جلال اب آسمانی
۱۲۳	- شرکت بهائیان در گفتگوی بین ادیان		حقوق الله
	ذ	۱۰۹	- حکم آن از جانب مؤسس آئین بهائی
۷۲	ذکر الله ابهی هر روز ۹۵ بار	۱۰۹	- تحوه تأمین و مصرف آن
	ر		خ
	رجعت حسینی	۲۰	خدا از دیدگاه بهائیان
۵۳	رعایت ادب		خدای اعجاب
۷۵	روح الله		- ن ک به عکاء، محلّ تجید حضرت بهاء الله
۵۳	روح انسانی		خود کشی
۳۶	- روح حقیقت وجود آدمی است	۴۲	- عقیده بهائیان راجع به آن
۳۶	- سری از اسرار پروردگار است		خیر و شرّ
۳۶	- پیشرفت آن پس از ترک بدن	۳۴	- در وجود شرّ نیست، شرّ عدم خیر است
۳۶	- تکامل آن نیاز به ابزار دارد		د
۳۷	- به یاری عقل و جسم تکامل یابد		دانایان امم
۳۷	- مستقل از کیفیت جسم و عقل است	۶۰	- پیام حضرت بهاء الله به ایشان در مجموع
۳۷	- دارای مراتب است		دعا و مناجات
۳۸	- پس از فوت جسد باقی و برقرار است	۷۰	- وسیله ای مؤثر برای راز و نیاز
۳۸	- حیات او مثل حیات جنین در رحم است	۷۰	- نیروی محرکه برای تکامل روح

	۳۰	- تکامل آن به اراده خود انسان است
	۴۰	- مرکب از عناصر نیست
	۴۴	- قادر به شناسائی پروردگار است
	۴۴	- توشه اش کمالات معنوی است
	۴۷	- غذای روح غنای او محسوب است
ش		
۶۳		شرح نزول آیات
		شوقی ربانی، ولی امر بهائی
۶۷		- وصی و جانشین حضرت عبدالبهاء
۶۷		- تفویض وظیفه تبیین آیات به ایشان
ص		
		صاحبان قدرت
۵۸		- برخی از اندازات حضرت بهاء الله
۷۵		صداقت و امانت
		صیام (روزه)
۹۵		- وسیله ای برای تجدید قوای روحانی
۹۵		- مدت، شرایط و نتایج آن
ض		
		ضیافت نوزده روزه
۱۰۶		- برنامه آن
۱۰۶		- الگویی برای حیات اجتماعی
۱۰۶		- محلی برای مشاوره و ارائه پیشنهادات
۱۰۷		- سرچشمه وجد و سرور
ط		
		طبقه روحانی حرفه ای
۲۸		- آئین بهائی فاقد آن است
		طبیعت آدمی
۳۳		- انسان اساساً موجودی روحانی است
۳۳		- انسان مظهر صورت و مثال الهی است
۳۳		- انسان به مثابه معدن احجار کریمه است
ز		
		زنان
۱۲۱		- برنامه ترفیع و پیشرفت آنان
س		
		سازمان ملل متحد
۲۷		- اساس نهادهای بین المللی را بنیان نهاد
۷۸		سرور و نشاط
		سلامتی
۹۶		- تأکید بر اهمیت آن در آثار بهائی
۹۶		- لزوم مراجعه به طبیب حاذق
۹۶		- اهمیت دعا و مناجات برای حصول آن
۹۶		- منع مشروبات الکلی و مسکرات
		سلیمانیه
۵۳		- دو سال عزلت حضرت بهاء الله
۸۲		سنّت تکاح
		سیاست
۱۱۷		- روش بهائیان در قبال آن
۱۱۷		- رعایت اصل وفاداری به حکومت
		سیاه چال
۵۱		- زندان مخوف، محل دریافت وحی

۸۴	-بند حضرت عبدالبهاء درانتخاب همسر	۳۵	-انسان زائیده از روح است
۸۵	-عقد و ازدواج بهائی بسیار ساده است	۳۴	-دو طبیعت حیوانی و ملکوتی انسان
	عقل	۳۴	-چیرگی طبیعت روحانی بر حیوانی
۳۷	-رابط بین جسم و روح انسان است		طلاق
۳۷	-روح بوسیله عقل می اندیشد	۸۶	-آخرین چاره رهایی از مشکلات
	عقا	۸۶	-کسب کمک از تشکیلات بهائی
۶۱	-تبعیدگاه حضرت بهاءالله		
۶۱	-شهری کثیف، مجلس قائلین و سارقین		ع
۶۱	-شرح مختصر زندان		عالم انسانی
۶۱	-نزول آثار متعدد از قلم حضرت بهاءالله	۲۵	-یک وطن محسوب است
		۲۵	-تشبیه عالم انسانی به گلستانی پر گل
	ف		عبدالبهاء، حضرت
	فضائل اخلاقی	۱۸	-وصی و مبین آیات پدر بزرگوار
۷۵	-صداقت و امانت	۱۹ و ۶۷	-تعیین وصی و مراجع پس از خود
۷۵	-عشق به هم نوع	۲۴	-تشبیه سیر تکاملی ادیان به فصول سال
۷۵	-رعایت ادب	۶۵	-شرح مختصر حیات
۷۶	-منع از غیبت	۶۵	-وکیل و نماینده پدر بزرگوار
۷۷	-دیده خطاپوش	۶۵	-شخصیت آن حضرت
۷۸	-سرور و نشاط	۶۶	-آزادی پس از انقلاب ترکهای جوان
۷۸	-تواضع و فروتنی	۶۶	-سفر آن حضرت به اروپا و آمریکا
	فونداتک		عضویت در آئین بهائی
۱۲۰	-پرورده بهائیان در کشور کلمبیا	۱۱۳	-شرط عضویت
۱۲۰	-نظر پروفیسور فن واتسزگر آلمانی	۱۱۳	-نحوه ثبت نام در دفاتر بهائی
	ق	۷۵	عشق به هم نوع
	قبرس، جزیره		عقد بهائی
۶۰	-تبعیدگاه میرزا یحیی برادر ناتنی بهاءالله	۸۲	-ارتباط بین طرفین است
		۸۲	-شرایط یک زندگی خوشبخت
		۸۳	-گزینش همسر از روی عشق و علاقه

		قلعه نظامی: ن ک به عکا	
		قلعه مسگره: ن ک به عکا	
		قوای روحانی	
		- طرق تقویت آن	۹۷
		- مشکلات امری برای تقویت قوای درون	۹۹
		ک	
		کار و اهمیت آن	
		- نوعی عبادت محسوب است	۹۳
		- دارای قدر و منزلتی مخصوص است	۹۳
		کتاب عهدی، وصیتنامه حضرت بهاء الله	
		- اختیار تبیین آیات به حضرت عبدالبهاء	۶۵
		کرمل، کوه	
		- محل استقرار مراکز روحانی و اداری	۶۹
		- محل استقرار مدفن حضرت باب	۶۹
		- باغات بهائی در دامنه آن	۶۹
		کلمات مکنونه	
		- مجموعه ای از تصایح عرفانی و اخلاقی	۵۴
		ل	
		لوح سلطان	
		- نامه حضرت بهاء الله به ناصرالدین شاه	۵۴
		- ذکر مأموریت الهی آن حضرت در آن	۵۴
		م	
		مبایدهای روحانی و اداری	۲۲
		مخالف روحانی	
		- طرز تشکیل و وظایف	۱۰۰
		محفظه آثار	
		- محل نگاهداری آثار و اشیاء مقدسه	۶۳
		محمد شاه قاجار	
		محیط زیست	
		- اهمیت حفظ آن در آثار بهائی	۱۲۲
		مراجع تقلید	
		- آئین بهائی فاقد آن است	۲۸
		مشاورین	
		- طرز انتصاب و وظایف ایشان	۱۹
		مشارق اذکار	
		- اماکنی برای دعا و مناجات	۱۱۰
		- نحوه بنای آنها	۱۱۰
		- ساختمان های فرعی اطراف آنها	۱۱۱
		مشروبات الکلی و مسکرات	
		- در آئین بهائی منع شده است	۹۶
		مشورت	
		- مشورت بر آگاهی بیفزاید	۸۰
		- اساس اداره و انتظام تشکیلات بهائی	۸۰
		- هدف از آن یافتن طریق صواب است	۸۰
		- بارقه حقیقت در اثر مشورت	۸۰
		- می توان آن را آموخت	۸۱
		- شرایط مشورت مفید و سازنده	۸۱
		- اهمیت آن در خانواده	۸۳
		- در وی شفاعت بخش اختلافات خانوادگی	۸۴
		- نحوه مشاوره در تشکیلات بهائی	۱۰۲
		مقصود از زندگی	
		- کسب کمالات معنوی	۴۳
		- خدمت به هم نوع	۴۳

ملکه ویکتوریا

۵۶ - پیام حضرت بهاء الله به مشار الیها

ملوک و سلاطین

۶۰ - پیام حضرت بهاء الله به ایشان در مجموع

منابع مالی

۱۰۹ - چگونگی تأمین آن

۱۰۹ - برای چه مقاصدی به مصرف می رسد

منع از غیبت

۷۶ - من يُظهِرهُ اللهُ، موعود بیان

- ن ک به بهاء الله، حضرت

۴۸ - جامعه را به صلح و سلام رهنمون شود

مواسات

۹۴ - یکی از طرق تعدیل معیشت

۹۴ - مالیات های تصاعدی یکی از طرق آن

میرزا علی محمد: ن ک به باب، حضرت

میرزا حسین علی: ن ک به بهاء الله، حضرت

میرزا یحیی، برادر ناتنی حضرت بهاء الله

- طغیان و عهدشکنی او

۵۷ - حسادت و معاندت او با حضرت بهاء الله

۵۸ - طرح نقشه قتل و مسموم کردن

ن

ناصر الدین شاه قاجار

۵۴ - گیرنده پیام حضرت بهاء الله

۵۳ - نبأ عظیم

نظر علی قزوینی، میرزا

۵۰ - بی حرمتی او نسبت به حضرت مسیح

۵۰ - پاسخ حضرت بهاء الله به بی حرمتی او

نظم اداری

۱۰۰ - بردو ستون استوار: انتخابی و انتصابی

۱۰۰ - محافل روحانی و بیت العدل اعظم

۱۰۱ - مؤسسه مشاورین

۱۰۳ - برخی از ویژگی های آن

نفس آدمی

۳۴ - دو طبیعت آن: حیوانی و ملکوتی

۳۶ - نفس ناری موجب سلب آزادی است

۱۴۳ - نماز یومیّه

و

وایتسز کر، پروفیسور آلمانی

۱۲۰ - نظر وی راجع به پروژه فوندانک

وحدت اساس ادیان

۲۲ - وحدت در کثرت

۲۵ - وحدت عالم انسانی

۲۵ و ۶۳ - برقراری آن اکنون فراهم شده است

۶۷ - ولی امر الله: لقب حضرت شوقی ربّانی

ویلهم اول، امپراطور آلمان

۵۸ - اندازات حضرت بهاء الله به وی

ه

هفت وادی

۵۴ - اثر عرفانی حضرت بهاء الله

هنر

۱۰۸ - اهمیّت هنر و موسیقی در آثار بهائی

Á'ín-i-Bahá'í

Nigarishí kútáh bi Táríkh va Ta'álim

(An introduction to the history
and teachings of the Bahá'í-Faith)

By: Dr. Wafa Enayati and Dr. Anis Towfigh

(originally written in German language)

Translated by: Dr. Soroush Shahidinejad

Ketab Corp.

1419 Westwood Blvd., Los Angeles, CA 90024

Printed by: Reyhani, Darmstadt/Germany

First edition 2010 A.D.

Copyright by: Dr. Wafa Enayati, Dr. Anis Towfigh

ISBN: 978-3-942426-00-8

Design and cover by: Gupta/von Ameln -

Team für Gestaltung, Jülich/Germany

Á'ín-i-Bahá'í

Nigarishí kútáh bi Táríkh va Ta'álím

An introduction to the history
and teachings of the Bahá'í-Faith

By
Anis Towfigh - Wafa Enayati

Translated by
Soroush Shahidinejad

شركت كتاب



Ketab Corp.
www.ketab.com

